



در این شماره پرونده ویژه‌ای با نام «تعریف، تاریخ و جایگاه ستایشگری اهل بیت در منظومه تبلیغی شیعه» را به مخاطبان گرامی تقدیم می‌کنیم. در این پرونده، موضوع ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم راز و جوه گوناگون مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌ایم. جایگاه مداحان در میان شیعیان و مذهب شیعه، نقش ستایشگران اهل بیت علیهم السلام در فرایند تبلیغ دین و چپستی و چگونگی ادای حق رسالت از جمله نظرگاه‌های این پرونده است.

در پرسش و پاسخ با «دکتر محمد شیخ‌الرئیس کرمانی» و اقتراحی از «دکتر صادق آئینه‌وند» به زوایای گوناگونی از این بحث‌نگاهی انداخته‌ایم. «رضا بابایی» در یادداشتی به نام «طبقه آیینی، قدیم و اکنون»، ضمن نیم‌نگاهی به تاریخچه ستایشگران و با اشاره به اینکه: «ذکر مصیبت فضیلتی است که هیچ خطابه و تحقیقی جای آن را نمی‌گیرد.» اشاره‌ای کوتاه به هویت تاریخی و اکنونی ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارد و به برخی مسئولیت‌های آنان اشاره می‌کند.

از دیگر مطالب این شماره، معرفی آثاری است که هر یک از منظر بی‌موضوع پرونده ویژه این شماره پرداخته است. لوح فشرده «عبرات ۱۱»، حاوی اشعار و نغمات مناسبتی ماه جمادی‌الثانی و ابتدای ماه رجب است. ■

## بسم الله الرحمن الرحيم

### فهرست

۲ مداحان در صف نخستین جبهه تبلیغ (رهنمودهای رهبری).....

۴ شعر هیئت در نشست‌های تخصصی ستایشگران اهل بیت علیهم السلام.....

۶ نظام‌نامه هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی.....  
پرونده ویژه تعریف، تاریخ و جایگاه ستایشگری اهل بیت در منظومه تبلیغی شیعه

۸ پیوند عاطفه و عقلانیت.....

۱۱ هنر ستایشگری و لزوم برنامه‌ریزی راهبردی.....

۱۳ جایگاه مداحان در جامعه شیعه و مذهب تشیع.....

۱۴ ادای حق رسالت (گفت‌وگو با محمد شیخ‌الرئیس کرمانی).....

۱۶ طبقه آیینی، قدیم و اکنون.....

۲۰ نقش و جایگاه مداحان در فرایند تبلیغ دین.....

۲۲ ترویج خوبی‌ها.....

۲۵ تعریف، تاریخ و جایگاه ستایشگری در منظومه تبلیغی شیعه (گفت‌وگو با صادق آئینه‌وند).....

۲۶ ادبیات سیاسی تشیع (معرفی کتاب).....

۲۷ شعر به مثابه یک رسانه.....

۲۸ عبرات.....

۲۹ اشعار مناسبتی ماه جمادی‌الثانی و ابتدای ماه رجب.....

۳۲ نظر سنجی.....

### نشریه داخلی بنیاد دعبل خزاعی

صاحب امتیاز: بنیاد دعبل خزاعی

مدیر مسئول: علی عظیمی

سر دبیر: امیر عیسی‌ملکی

طراحی و صفحه‌بندی: علی اصغر خان محمدی

### با سپاس از:

مجید مبینی، مسعود دینانی، حسن بختیاری، متین

رضوانی پور، پوریا شیرآشینی، فاطمه غریبی، الهام غریبی

بهنام گلشنی، معصومه توحیدی

آدرس: خیابان بهشتی، خیابان قنبرزاده، خیابان عشقیار

(نیلوفر)، خیابان سیزدهم، پلاک ۲۶

کد پستی: ۱۵۳۳۹۴۳۱۱۱

صندوق پستی: ۵۶۵۶-۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۵۴۸۵۹۷-۸۸۷۶۷۱۷۸

پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.debel.com](http://www.debel.com)



### هو الجیب

به‌هوش که کربلا هنگامه به مسلخ کشاندن نفس

آماره و هواهای ظلمانی نفس است.

کربلا آموزشگاه ادبار به خود و اقبال به خداست.

و تا انسان بار سفر از خیمه سیاه نفس بدفرما بر نبسته

و در کربلا قتل عشق را به نظاره ننشیند به یقین راه و

رسم موحد زیستن را نخواهد آموخت.

در این تجلی‌گاه رفیع، مادحان و ذاکرانند که با

افتخار دریافت لقب روضه‌خوان، باربستانگان از شب

دیجور را به سوی کاروان نور راه نمایند

و نشریه «دعبل» بر آن است، مجلسی از روضه‌فراهم

آورد تا در بساط آن روضه‌خوانان با نوای حزن خویشت

بنالند و جویندگان راه، گرم بگریند و در یک کلام

محملی از اشک در عزای کشته‌اشک‌ها فراهم آورد.

گویند رمز عشق مگویند و مشنوبند

مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند ■

شیعیان دیگر هوای کربلا دارد حسین ...

و اینک حسین است که بار سفر بسته و در ورای

قلب‌های محبان نشسته، جان‌های عاشق را به تیر

محبت هدف ساخته و برای رفتن به وادی کرب و بلا،

بلی‌گویان را صلامی دهد که:

هر که دارد عطش کرب و بلا بسم الله

اگر حبیب خدا سعادت‌جویان را به گفتن کلمه

توحید فرا خواند، انگشت اشارت متوجه حضرت حسین

ساخت که

حسین منی و انا من حسین

هر که راهی طریق توحید است و سرمایه از اخلاص

بر گرفته است، بدانند که کربلا دانشگاه گسستن از علایق

فضول و رهیدن از موانع وصول است.

لااله الا الله گویان بسپارند؛ اما احرار و تارکین

نفسانیات بسیار کم



به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید که می خواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد

## مداحان در صف نخستین جبهه تبلیغ

احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا می کند، کیفیت ادا محدودیت پیدا می کند، انسان هایی که می خواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا می کنند؛ چاره ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداح هاست.<sup>۵</sup>  
شما حامل پیام دینی محسوب می شوید؛ یعنی سبمت معنوی و روحانی دارید.<sup>۶</sup>

### مداحان؛ معلمان جامعه

امروز اگر چنانچه بپرسند: «آقا حرفه مداحی به چی احتیاج دارد؟»، «یکی بخواهد مداح بشود، از امروز شروع کند، چه چیزی نیاز دارد؟»، دو سه چیز را می شمارید دیگر؛ می گویند باید صدایش خوب باشد، حافظه خوبی داشته باشد، بتواند شعر یاد بگیرد؛ البته روح هم داشته باشد. یک انسانی با داشتن حافظه خوب و صدای خوش، می تواند بشود یک مداح. به نظر ما این کافی نیست. شما به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید که می خواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد. همه شماها این صلاحیت را دارید. هیچ کس را از این دایره نباید بیرون کرد. هر که شوق این کار را دارد، بسم الله، خیلی خوب است؛ اما صلاحیتش را در خودش به وجود بیاورد.<sup>۷</sup>

### مداحان؛ مربیان جامعه

کسی که مداحی می کند، باید خودش را در روی منبر ببیند و مستمعان را کسانی مشاهده کند که می خواهند از او چیزی بیاموزند. با این نیت و انگیزه پشت تریبون یا منبر مداحی قرار گیرد.<sup>۸</sup>  
پراکندن این فضائل و معنویات در بین مردم، کمک به تربیت انسان هاست. انسان ها با شناخت الگوها، با یاری گرفتن از پیروی الگوهاست که می توانند به درجات عالی و مقامات برتر دست پیدا کنند. اگر در این راه حرکت کنید، کار بزرگی کردید.<sup>۹</sup>

روزه همین جور است، زکات همین جور است، جهاد همین جور است، تعلیم دین همین جور است؛ مداحی شما هم همین جور است. مداحی شما هم جمله جمله اش، کلمه کلمه اش می تواند مغذی باشد؛ می تواند مستمع را رشد بدهد.<sup>۲</sup>

### مداحی؛ مسئولیتی اخروی

می خواهم عرض بکنم برادران مداح اهمیت این کار را درک کنند. وقتی اهمیت معلوم شد - به موازات اهمیت، مسئولیت است - مسئولیت این کار را درک کنند. مسئولیت یعنی چه؟ یعنی از ما سؤال خواهند کرد. در دعای مکارم الاخلاق می خوانید: «وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ»؛ «فردا؛ در روز قیامت، از من سؤال خواهی کرد.» پروردگارا! حالا کمک کن که آن چیزی را که بناست فردا از من سؤال کنی، من جوابش را امروز در عمل خودم آماده کنم؛ معنای این فقره دعا این است. پس شما مسئولیت دارید. این مسئولیت، یعنی سؤال می کنند. کاری کنیم که عمل ما بتواند پاسخگوی آن سؤال باشد.<sup>۳</sup>

### مداحان؛ جنود الهی

اگر نیت ما در این گفتن، در این مدح و ثناگستری، نیت خدایی بود، به قصد روشن کردن دل ها، جلا دادن ذهن ها، انسان این را بیان کرد و گفت، آن وقت این میشود یکی از جنود الله؛ «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». یکی از جنود الهی همین کسی است که با زبان خود، با بیان خود، با طبع خود، با ذوق خود، با این حقایق را گسترش می دهد؛ میشود سرباز خدا!<sup>۴</sup>

### مداحان؛ مبلغان دین

وقتی آنجا می ایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلغ دین، به عنوان یک پیام آور حقایق دینی، در اثر گذارترین شکل، آنجا ایستاده اید. اگر این

دشمن ها امروز در صدد این هستند که ملت ایران را از محتوای برانگیزاننده آن - که همین ایمان روشن مستدل باشد - خالی کنند. انواع شیوه ها را به کار می برند؛ ترویج های باطل می کنند، سرگرمی در دست می کنند، سرگرمی های فکری در دست می کنند، سرگرمی های شهنوائی در دست می کنند، سرگرمی های سیاسی در دست می کنند، فتنه در دست می کنند؛ این ها همه یک سیاست است. خوب، در مقابل اینها چه کار باید کرد؟ باید این ایمان را که مایه قیام و ایستادگی و ثبات ملت ایران است، تقویت کرد.

یکی از عواملی که می تواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هر چه بیشتر محبت اهل بیت در دل ها و در روح های انسان هاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه ما داریم؛ مداحان هم بخشی از این مسئولیت را دارند، که بخش مهمی هم هست. با این چشم نگاه کنید به حرفه مداحی.<sup>۱</sup>

### مداحی؛ به مثابه یک سرمایه

اگر سرمایه هایی را که در اختیار داریم، درست بشناسیم و به کار ببریم، بی نیازترین خلق خدا، ملت ما و مسلمان ها خواهند بود. همین نماز، یکی از سرمایه هاست. نماز را می خوانیم، با غفلت عبور می کنیم؛ مثل این است که یک انسان مبتلا به فقر غذایی، کمبود ویتامین، کمبود پروتئین، محتاج مواد لازم، به یک جعبه ای دسترسی پیدا کند که پر از همه این موادی است که او احتیاج دارد؛ بعد آن را بو کند، کنار بگذارد؛ خوب، باز کن، بخور، استفاده کن، نیرو را بفرست به بدن خودت؛ همین طور بو می کنی، می گذاری کنار؟! حالا آنهایی که اصلاً اعتناء نمی کنند، هیچ، ما نماز را همین طور بو می کنیم، می گذاریم کنار! کلمه کلمه نماز درس است، کلمه کلمه نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانیم.



### مداحان؛ هدایتگران جامعه

خب، اگر بنا شد نیت خدایی باشد، پس باید شما نگاه کنید ببینید کدام بیان، ذکر کدام منقبت، بیان کدام فضیلت، مخاطب شما را هدایت می کند؛ این آن نکته‌ای است که من در طول این سال‌های متمادی - شاید بیست و چند سال است که ما مثل امروزی، این نشست را با مداحان و بلبلان غزلخوان این بوستان داریم - همیشه تکرار کردم. ببینید چه بخوانید، چه بگویید، مستمع شما می‌شود متنور به نور فاطمة زهرا سلام الله علیها.<sup>۱</sup>

### مداحان؛ فریادگران عدالت

باید نام پیغمبر اکرم را به یاد آورد و بر زبان جاری کرد؛ چرا که آن بزرگوار معلم بشر و برافرازنده پرچم تعلیم و تربیت و تکریم کار و تلاش بود. آن بزرگوار فریاد عدالت و تکریم انسان و برداشتن تبعیض‌ها در جامعه و اهتمام به معنویت و فضیلت روحی و معنوی را در جهان بلند کرد. امروز هم طنین همان صداها در فضای تاریخ و دنیای کنونی به گوش می‌رسد. اینهاست که باید به عنوان مدح پیغمبر و ائمه، در زبان مداحان و گویندگان محترم جاری شود تا ما این بزرگان تاریخ بشر و برگزیدگان عالم خلقت را بشناسیم.<sup>۱۱</sup>

### مداحان؛ در صف نخستین جبهه تبلیغ

جبهه تبلیغ، جبهه وسیعی است که در آن هنر و آموزش و علم و دین و دانشگاه و حوزه و وزارت ارشاد و صدا و سیما هستند، که یک قسمت از این جبهه وسیع، به جماعت مداح - این برادرهایی که در دوره جنگ و دفاع مقدس در جبهه بودند، خوب در ذهن‌شان حرف بنده را تصویر می‌کنند - سپرده شده است و آن مانند این است که این بخش عظیم را این لشکر یا این قرارگاه به عهده دارد و تکه‌یی از آن را به گردن ما سپرده‌اند؛ ما باید این را خوب از عهده بربراییم، تا دیگران هم که در بخش‌های خودشان از عهده برآمده‌اند، مجموعش بشود پیروزی؛ باید برادران مداح به این موضوع توجه کنند.<sup>۱۲</sup>

### مداحان؛ مورد توجه و احترام اهل بیت

ائمه علیهم السلام امثال «هشام» و «مؤمن الطاق» را

ستایش می‌کردند و مورد توجه و علاقه قرار می‌دادند؛ اما آن کسانی که همین مدح و بیان فضایل را به زبان شعر بیان می‌کردند - ولو آنچه که می‌گفتند، در حد اوج سخن «هشام بن حکم» هم نبود - مورد توجه و نوازش و احترام و تجلیل و تکریم قرار می‌دادند. علت این کار چیست؟ شما ببینید امام باقر و یا امام سجاد علیهما الصلاة والسلام نسبت به «فرزدق» چه محبتی انجام دادند؛ در حالی که «فرزدق» جزو شعرای اهل بیت نیست. او یک شاعر درباری و وابسته به دستگاه‌های قدرت و یک آدم معمولی بود که یک دیوان پُر از شعر، راجع به همین حرفها و مبتذلانی که شعرای آن روز بر زبان‌شان جاری می‌کردند، داشت؛ لیکن چون یک بار وجدان او بیدار شد و در مقابل قدرت، حق را بیان کرد - آن هم به زبان شعر - شما ببینید که امام سجاد علیه‌الصلاة والسلام چه محبتی نسبت به او انجام می‌دهد. یا بقیه شعری که مربوط به اهل بیت بودند - مثل «کمیت» و «دعبل» و «سید حمیری» - و بقیه کسانی که جزو شعرای اهل بیت محسوب می‌شدند و به آنها علاقه مند بودند، همین وضعیت را داشتند.

خیلی از اینها، شعری هستند که اگر چه نسبت به اهل بیت علاقه هم دارند، اما همه شعرشان درباره اهل بیت نیست. شما دیوان «دعبل خزاعی» را که نگاه کنید، این طور نیست که او از اول تا آخر، مدح اهل بیت را گفته باشد. خیر، او یک شاعر است؛ ولی شعر او شعر سیاسی و در جهت افکار و عقاید و محبت اهل بیت علیهم السلام و جزو پیوستگان به این خاندان است. ولایت، یعنی پیوستن و وصل شدن و جزو پیوستگان و موالیان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتن. ببینید این «دعبل» - و همین طور «کمیت» و دیگران - چه قدر در دنیای تشیع و در زمان ائمه علیهم السلام، مورد احترام و تجلیل بوده‌اند...<sup>۱۳</sup>

شما می‌بینید در دوران ائمه علیهم السلام این همه محدثین، این همه شاگردان آگاه و فقهای بزرگ در خدمت امام صادق علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام و ائمه دیگر بودند، معارف را نقل کردند، احکام را نقل کردند، شریع را نقل کردند، اخلاقیات را نقل کردند، شنیدند و نقل و ثبت کردند؛ اما در کنار همه اینها،

باز وقتی انسان در ست نگاه می‌کند، می‌بیند نگاه به دعبل خزاعی است، نگاه به سید حمیری است، نگاه به کمیت بن زید اسدی است. در حالی که امثال زراره و محمد بن مسلم و بزرگانی از این قبیل در دستگاه ائمه علیهم السلام هستند، اما امام رضا علیه‌السلام دعبل را می‌نوازد؛ امام صادق علیه‌الصلاة والسلام سید حمیری را مورد توجه و محبت قرار می‌دهد؛ این به خاطر این است که آن جنبه ارتباط عاطفی و محبت آمیز، در شعر شاعران، مدح مداحان و ذکر ذاکران، به نحو اتم و اوفی وجود دارد، اما در دیگر جاها وجود ندارد؛ یا اگر هست، ضعیف است؛ یا این جور بگوییم، تأثیر گذاری آن ضعیف است. شعر، مدح، ذکر، این نقش را در تاریخ تشیع دارد.<sup>۱۴</sup>

#### پی‌نوشت:

- ۱- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۸۹/۳/۱۳
- ۲- بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۱/۲/۲۳
- ۳- در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت، ۱۳۸۶/۴/۱۴
- ۴- بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۱/۲/۲۳
- ۵- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۸۹/۳/۱۳
- ۶- بیانات در دیدار با مداحان آل الله، ۱۳۷۷/۷/۱۹
- ۷- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۸۹/۲/۱۳
- ۸- بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، ۱۳۸۰/۶/۱۸
- ۹- بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۱/۲/۲۳
- ۱۰- همان
- ۱۱- بیانات در دیدار با معلمان و کارگران، ۱۳۸۲/۲/۱۰
- ۱۲- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا، ۱۳۸۴/۵/۵
- ۱۳- بیانات در دیدار با جمع کثیری از ذاکران، ۱۳۶۸/۱۰/۲۸
- ۱۴- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۳۸۹/۳/۱۳

منبع: فائق، عبدالامیر (۱۳۹۱) منشور ستایشگری: جستاری پیرامون رهنمودهای مقام معظم رهبری به جامعه مداحان و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر



برگزاری نشست‌های سالانه با همکاری و هم‌افزایی همهٔ تشکل‌ها اتفاق مهمی است

## نشست‌های تخصصی ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام

و ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که از دغدغه‌های اغلب نهاد‌های فعال در حوزهٔ ستایشگری اهل بیت است. (نظیر این آزمون‌ها تا کنون در برخی از مجموعه‌ها برگزار شده و در مواردی واکنش منفی مداحان و ذاکران را به همراه داشته است. شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام اظهار امیدواری کرده است که با تدابیر هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی، آزمون‌هایی با استانداردهای علمی و مطابق با نیازمندی‌های جامعهٔ مداحان و ذاکران طراحی و به منظور ارتقاء سطح علمی، هنری و فنی مداحان برگزار شوند.)

– صدور مکاتبات و بیانیه‌های مشترک در مواقع مورد نیاز برای جامعهٔ ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه گزیده‌ای از مباحث چهل و هفتمین نشست هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی به استحضار می‌رسد:

بر اینکه نظام‌نامهٔ هیئت علمی راهنما و جهت‌دهندهٔ اقدامات هیئت علمی در سال جاری نیز خواهد بود، تأکید کرد.

میثم غضنفری، مدیر عامل بنیاد دعبیل خزاعی، در این نشست از تشکیل شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد و به برخی توافقات میان شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران اشاره کرد؛ از جمله: – برگزاری همایش سالانهٔ مشترک و استفاده از ظرفیت‌های موجود در هر سه مجموعه، به جای همایش‌های مجزای سالانه که تا کنون اغلب با حضور مخاطبانی مشترک در هر سه مجموعه برگزار می‌شدند.

– برگزاری مراسم «جایزهٔ دعبیل خزاعی» که در آن، شورای هماهنگی با انتخاب برترین آثار حوزهٔ ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام از صاحبان آثار تجلیل می‌کند.

– برگزاری آزمون‌های مشترک از ذاکران

چهل و هفتمین نشست هم‌اندیشی در بنیاد دعبیل خزاعی، سه‌شنبه، بیست و هفتم فروردین‌ماه ۱۳۹۲ ش. در دفتر مرکزی بنیاد برگزار شد. در این جلسه که برای تشریح و تنظیم لیست عناوین برنامه‌های هیئت علمی در سال ۱۳۹۲ ش. برگزار شد، اعضای هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی: محمدرضا سنگری، مهدی اصفی، غلامحسن رفیعا، مهدی امین‌فروغی، عبدالامیر فاتق، محسن حسام‌مظاهری و مدیر عامل بنیاد دعبیل خزاعی، میثم غضنفری، با نهم‌نگاهی به «نظام‌نامهٔ هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی» این نظام‌نامه را به عنوان چهارچوب اقدامات هیئت علمی در سال جاری در نظر گرفتند.

در این نشست دکتر محمدرضا سنگری، رئیس هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی، ضمن اشاره به اقدامات هیئت علمی در دو سال گذشته و اظهار خورسندی از هماهنگی و همسویی فعالیت‌های گذشته با نظام‌نامه،

انتخاب کنیم و به آنها بپردازیم. اگر فقط به موضوع شعر بپردازیم دغدغه موجود دربارهٔ پراکندگی، گسترده‌گی موضوعات و کمبود زمان نیز بر طرف خواهد شد.

**عبدالامیر فائق:**

ما از دو موضوع نباید غافل شویم: باید بدانیم که برای گروهی که در دو نشست قبلی دعوت شده بودند، چه برنامه‌ای داریم. و اینکه برای صاحب‌نظران و کارشناسان برنامه‌مان چیست؟ بی‌تردید ما نمی‌توانیم نشست‌های قبلی را نادیده بگیریم. میهمانانی که در نشست‌های قبلی دعوت شده‌اند، منتظرند، نتایج برگزاری آن نشست‌ها را ببینند. یادمان باشد که قرار بود مخاطبانمان را در کار شریک کنیم و زمینه‌همفکری در این حوزه را برای آنها فراهم کنیم. مخاطب اصلی برنامه‌های ما مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛ بنابراین حضور آنها در این نشست‌ها لازم است.

... ما می‌توانیم نشست‌ها را در دو سطح و با دو کاربرد برگزار کنیم. سطح اول: سطح کارشناسی برای تولید فکر و کلمه. در این نشست‌ها کارشناسان و صاحب‌نظرانی که لزوماً مداح و ذاکر نیستند نیز می‌توانند حضور یابند و از منظرهای گوناگون موضوعات و مسائل مبتلابه جامعهٔ ستایشگران را بررسی کنند؛ تا از نتایج حاصل در این نشست‌ها برای بحث و بررسی در نشست‌های بعدی استفاده شود. سطح دوم: نشست‌هایی با حضور پیشکسوتان و صاحب‌نظران جامعهٔ ستایشگری اهل بیت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم که با نگاهی درونی به مسائل و موضوعات مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام بپردازند.

**محمد رضا سنجری:**

با توجه به آراء و نظرگاه‌های مختلفی که در این نشست برگزار شده، ان‌شاءالله در سال جاری ۱۰ نشست برگزار خواهیم کرد که در هر یک از آنها «شعر هیئت و اجزاء آن» را بررسی خواهیم کرد. به



این ترتیب مصوبات این جلسه عبارتند از: - «نظام‌نامهٔ هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی» که در جلسات هیئت مدیرهٔ بنیاد تصویب شده است، مبنای تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های هیئت علمی است. - موضوع محوری جلسات سال ۱۳۹۲ ش. و نشست‌های علمی، «شعر هیئت» و اجزاء آن خواهد بود. - برای امسال، ۱۰ نشست کارشناسی با سرفصل‌های مرتبط با شعر هیئت برگزار می‌کنیم. هر استان نیز مستقلاً در این حوزه اقداماتی را انجام خواهد داد و نتایج در دفتر مرکزی جمع‌آوری خواهد شد. - نشست‌ها در دو سطح کارشناسی (به‌طور میزگرد کارشناسان) و عمومی و سخنران محور برگزار می‌شود. در سطح دوم (سخنران محور) مستمعان نیز می‌توانند فعال باشند و در صورت لزوم و نیاز، اظهار نظر کنند/بپرسند/مباحثه کنند و... ■

ما بود؛ جا دارد از آقای غضنفری برای تلاش در تحقق این امر تشکر کنیم. بی‌تردید این اتفاق خیلی خوبی است که باعث هم‌افزایی در اقدامات این مجموعه‌ها خواهد شد.



... به نظر من با توجه به حجم بالای کارها و برنامه‌ریزی‌های لازم برای اجرایی کردن نشست‌ها، انتخاب ۱۰ موضوع برای نشست‌ها مناسب نیست و ممکن است که امور را دچار مشکل کند. به نظر من بهتر است که به جای ۱۰ نشست، یک یا دو مورد انتخاب شوند و پس از برگزاری آنها برای باقی نشست‌ها برنامه‌ریزی کنیم. به این ترتیب فرصت کافی برای انجام اقدامات لازم برای هر نشست خواهیم داشت و هر کدام از نشست‌ها با دقت و کیفیت بهتری برگزار خواهند شد.

**عبدالامیر فائق:**

با توجه به مباحثی که در آخرین جلسهٔ سال ۱۳۹۱ ش. مطرح شد، من پیشنهاد می‌کنم قبل از ورود به هر ریز برنامه‌ای، چارچوب اقدامات و نظام‌نامهٔ اقدامات هیئت علمی مشخص شود.



**مهدی امین فروغی:**

پیشنهاد می‌کنم با توجه به همهٔ مباحث مطرح شده، در یک جلسه، یک بار نظام‌نامهٔ هیئت علمی را دقیق مطالعه کنیم.



... به نظر من تعداد موضوعات پیشنهاد شده برای برگزاری نشست‌ها نیز قدری نیازمند تأمل بیشتر است. باید ببینیم ما چقدر برای اجرای این برنامه‌ها فرصت نیاز داریم؟ و اینکه آیا زمان بندی لحاظ شده در پیش‌نویس برنامه‌ها برای تحقق آنها مناسب هستند یا خیر؟

**محسن حسام منظاری:**

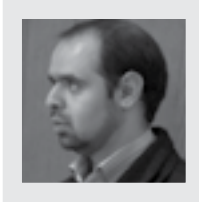
اگر نشست‌های سالانه با همکاری و هم‌افزایی همهٔ تشکلات برگزار شود، اتفاق مهمی است.



... با الگویی که اخیراً پیشنهاد شده و با تلفیق آخرین الگوی سال ۱۳۹۱ ش. می‌توانیم ۱۰ نشست با ۱۰ زیرعنوان تخصصی دربارهٔ شعر هیئت

**میثم غضنفری:**

با توجه به اقدامات انجام شده برای تشکیل اولین شورای هماهنگی تشکلات ستایشگران پیشنهاد می‌کنم برنامه‌ریزی‌ها در جهت هم‌افزایی این شورا باشد.



... با توجه به مصوبات و مباحث جلسات گذشته در هیئت علمی، پیشنهاد من برای سال ۱۳۹۲ ش. انتخاب ۱۲ موضوع است که پیرامون آن موضوعات به ترتیب زیر عمل شود:

- ۱- ابتدا سایت بنیاد دربارهٔ موضوعات مطرح شده توسط اتاق فکر در هیئت علمی به جمع‌آوری یادداشت‌ها، مقاله‌ها و گفت‌وگوهای مرتبط می‌پردازد.
  - ۲- در مرحلهٔ دوم روابط عمومی با اتکا به نیروهای متخصص خود به پژوهش، افکارسنجی، نظرسنجی و مصاحبه به روش دلفی دربارهٔ موضوعات می‌پردازد.
  - ۳- نشریهٔ داخلی بنیاد نیز پروندهٔ ویژهٔ خود را به موضوع انتخاب شده در آن ماه اختصاص می‌دهد.
  - ۴- در این حین، استان‌ها نیز با محوریت همین موضوعات اقداماتی را انجام می‌دهند؛ مثلاً سفارش مقاله می‌دهند، کارگاه برگزار می‌کنند و...؛ نهایتاً حاصل کارها به دفتر مرکزی ارسال می‌شود.
  - ۵- در نهایت هیئت علمی با دسترسی به منابع سابق‌الذکر در پایان ماه یک نشست علمی برگزار می‌کند و جمع‌بندی نهایی را انجام می‌دهد.
  - ۶- سرانجام در یک نشست چهار روزه که با سایر تشکلات برگزار می‌کنیم، جمع‌بندی کلی از همهٔ همایش‌های برگزار شده در طول سال انجام می‌شود و خروجی مباحث در اختیار مخاطبان آن قرار می‌گیرد.
- به نظر من برای این منظور لازم است که هر یک از اعضای محترم هیئت علمی ادارهٔ یکی از جلسات را به عهده بگیرند.

**غلامحسین رفیعا:**

برای دو همایشی که در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ ش. برگزار کردیم، ساعت‌ها وقت گذاشتیم. برنامه‌ریزی برای اینکه همایش دوم نواقص همایش اول را نداشته باشد، شش تا هشت ماه وقت گرفت. به نظر من



نباید در برگزاری جلسات امسال دچار شتابزدگی شویم. با توجه به تأکیداتی که مقام معظم رهبری در رهنمودهایشان دربارهٔ شعر دارند، بهتر است ما نیز در سال ۱۳۹۲ ش. روی این موضوع و موضوعات مرتبط با آن تمرکز کنیم.

**مهدی آصفی:**

هماهنگی با سایر ارگان‌های فعال در زمینهٔ ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام خواستهٔ دیرینهٔ

# نظام نامه هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی

## ماده اول: تأسیس هیئت علمی

بر اساس ماده ۵، ۸ و ۹ اساسنامه و بند ۵ و ۶ از سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل، هیئت علمی بنیاد دعبل تشکیل خواهد شد.

## ماده دوم: شرح وظایف هیئت علمی

### مأموریت‌های راهبردی:

- برنامه‌ریزی برای تحقق بندهای ۵ و ۶ سیاست‌های راهبردی بنیاد دعبل
- پایش و تحلیل پیوسته جامعه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام به ویژه در ایام مناسبتی و ارائه تحلیل‌های راهبردی و عملیاتی
- شناسایی جریان‌های فرهنگی، تحلیل گفتمان، شناخت و تعریف عناصر گفتمانی
- تجزیه و تحلیل اسناد بالادستی نظام، قوانین و مقررات موجود
- شناسایی و تحلیل عملکرد شخصیت‌های حقیقی و حقوقی فعال، سرمایه اجتماعی و شبکه ارتباطی آنها و شکل ایفای نقش در عرصه ستایشگری
- شناخت و بررسی چالش‌ها و مسائل کلان ستایشگری
- تدوین بسته‌های پرشی مورد نیاز برای طرح‌های کلان و خرد افکارسنجی
- تدوین بسته‌های پرشی برای استفاده از مراجع و دانشمندان علوم دینی
- شناخت فضا و منابع رسانه‌ای و تحلیل محتوای دوره‌ای آنها

### مأموریت‌های پژوهشی:

- تدوین سرفصل‌ها، موضوعات و اولویت‌های پژوهشی
- سفارش (حمایت از) طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و مطالعات میدانی بر اساس اولویت‌های پژوهشی
- طراحی نظام آموزشی، روش و مکانیزم سنجش، تدوین متون آموزشی بر اساس نیاز و سطوح مختلف مخاطب
- طراحی نظام تربیت مربی، روش و مکانیزم سنجش، تدوین متون آموزشی بر اساس نیاز و سطوح مختلف مخاطب
- طراحی نظام ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی محصولات علمی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای
- طراحی و اجرای نشست، همایش و کارگاه‌های تخصصی و اختصاصی
- طراحی، تولید و مدیریت انتشار منشورات و نشریات تخصصی و اختصاصی

## مأموریت‌های ستادی:

- تدوین برنامه سالانه هیئت علمی بر اساس بودجه مصوب
- تدوین آیین‌نامه آموزشی بنیاد دعبل
- تدوین آیین‌نامه پژوهشی بنیاد دعبل
- تدوین آیین‌نامه حمایت از آثار، طرح‌های پژوهشی و محصولات فرهنگی
- تشکیل و مدیریت کمیسیون‌های تخصصی
- ارائه گزارش تحلیلی سالانه از وضعیت جامعه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام
- تدوین بسته ویژه راهبردی، آموزشی و اجرایی با موضوع «ترویج فرهنگ قرآن و افزایش انس با قرآن» در عرصه ستایشگری با تعریف نقش هر یک از شخصیت‌های حقوقی و حقیقی فعال
- تدوین بسته ویژه راهبردی، آموزشی و اجرایی با موضوع «آموزش عمومی مفاهیم اصلی، منش و گفتمان اصیل ستایشگری» در سطح جامعه ستایشگری با تعریف نقش هر یک از شخصیت‌های حقوقی و حقیقی فعال

## ماده سوم: ساختار هیئت علمی

- هیئت علمی در ساختار سازمانی به عنوان ابزار تحقق مأموریت‌های علمی بنیاد برای هیئت‌مدیره تعریف می‌شود. دبیری جلسات هیئت علمی و پیگیری امور دبیرخانه‌ای هیئت علمی بر عهده کارشناس مسئول فرهنگی بنیاد دعبل خواهد بود.
- هیئت علمی بنیاد شامل رئیس هیئت علمی، کارشناس ادبیات آیینی، کارشناس مقتل و عاشورا پژوهی، کارشناس نوحه و نغمات، کارشناس فن مباحثی، جامعه‌شناس با گرایش دین و یک مدیر فرهنگی با سابقه کار در عرصه ستایشگری خواهد بود.
- اعضای هیئت‌مدیره برای افزایش هماهنگی و تعامل بین هیئت علمی و هیئت‌مدیره، نماینده تام‌الاختیار خود را برای شرکت در جلسات هیئت علمی به رئیس هیئت علمی معرفی خواهند کرد.
- رئیس و دبیر هیئت علمی با پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیئت‌مدیره برای یک دوره سه‌ساله انتخاب خواهند شد.
- اعضای هیئت علمی با پیشنهاد رئیس هیئت علمی و تصویب هیئت‌مدیره برای یک دوره سه‌ساله انتخاب خواهند شد.

## ماده چهارم: کمیسیون‌های

### وابسته به هیئت علمی

- هیئت علمی می‌تواند کمیسیون‌های تخصصی را به مثابه شوراهای مشورتی در کنار خود تأسیس کند.
- تعداد کمیسیون‌های تخصصی، شکل برگزاری جلسات و تعداد اعضای آن در برنامه سالانه هیئت علمی به همراه برآورد بودجه به هیئت‌مدیره پیشنهاد خواهد شد.
- رؤسا و اعضای کمیسیون‌های تخصصی (ثابت یا موقتی) با هماهنگی هیئت‌مدیره به پیشنهاد رئیس هیئت علمی، توسط اعضای هیئت علمی انتخاب خواهند شد.

## ماده پنجم: جلسات هیئت علمی

- جلسات هیئت علمی در دوره‌های زمانی منظم و با مدیریت رئیس هیئت علمی برگزار خواهد شد.
- هیئت علمی متناسب با موضوعات در دستور کار و بنا به تشخیص اعضای خود می‌تواند از کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط برای شرکت در جلسات دعوت کند.
- مصوبات جلسات هیئت علمی در چارچوب وظایف تعیین شده، بر اساس بودجه مصوب و منطبق بر آیین‌نامه‌های مربوطه، برای هیئت علمی جنبه اجرایی خواهد داشت.
- دبیر هیئت علمی موظف است، حداکثر تا سه روز پس از تشکیل جلسات هیئت علمی، مصوبات آن را به اطلاع هیئت‌مدیره برساند.
- در پایان هر فصل، جلسات مشترک بین اعضای هیئت علمی و هیئت‌مدیره برگزار خواهد شد. تقویم زمانی و دستور جلسه مشترک این جلسات توسط منشی هیئت‌مدیره و دبیر هیئت علمی در ابتدای هر فصل، تنظیم و سپس به همه اعضای هیئت‌مدیره و هیئت علمی اعلام خواهد شد.
- هیئت علمی می‌تواند با توجه به فقر محتوایی و عدم دسترسی به کارشناسان و مولدان محتوا در استان‌ها، برخی از جلسات و یا کمیسیون‌های وابسته به خود را در استان‌ها و با حضور کارشناسان استانی برگزار کند.

**تبصره:** با توجه به سایر فعالیت‌های بنیاد دعبل در سطح استان‌ها و لزوم هماهنگی همه برنامه‌ها و همچنین هزینه‌بردن چنین برنامه‌هایی لازم است هیئت علمی قبل از اجرا، تقویم زمانی و برآورد بودجه (در چارچوب



## تعریف، تاریخ و جایگاه ستایشگری در منظومه تبلیغی شیعه

در پرونده پیش رو سعی داریم موضوع ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را از وجوه گوناگون مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. جایگاه مداحان در میان شیعیان و مذهب شیعه، نقش ستایشگران اهل بیت علیهم السلام در فرایند تبلیغ دین و چیستی و چگونگی ادای حق رسالت از جمله نظرگاه‌های این پرونده است.

در پرسش و پاسخ با «دکتر محمد شیخ‌الرئیس کرمانی» و اقتراح از «دکتر صادق آئینه‌وند» به زوایای گوناگونی از این بحث نگاهی انداخته‌ایم. «رضا بابایی» در یادداشتی به نام «طبقه آئینی، قدیم و اکنون»، ضمن نیم‌نگاهی به تاریخچه ستایشگران و با اشاره به اینکه: «ذکر مصیبت فضیلتی است که هیچ خطابه و تحقیقی جای آن را نمی‌گیرد.» اشاره‌ای کوتاه به هویت تاریخی و کنونی ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارد و به برخی مسئولیت‌های آنان اشاره می‌کند.

«ترویج خوبی‌ها» نیز یادداشتی از «عباس جواد» از مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام است. ایشان با اعتقاد به اینکه: «مداحی نوعی الگو دادن به مخاطبان و شخصیت‌پردازی اجتماعی و الگویی برای جامعه‌آرزشی است.» در یادداشت خود برخی اصطلاحات ستایشگری را تعریف می‌کند. ■



بودجه سالانه) را برای تصویب نهایی به هیئت مدیره ارائه کند.

### ماده ششم: مسئولیت‌ها و اختیارات

#### رئیس هیئت علمی

- پیشنهاد انتصاب اعضای ثابت هیئت علمی به هیئت مدیره
- تدوین پیش‌نویس آیین‌نامه برگزاری جلسات و آیین‌نامه عملکرد هیئت علمی
- مدیریت و راهبری فکری جلسات هیئت علمی و کمیسیون‌های وابسته
- تدوین و توزیع موضوعات و دستورهای جلسه هیئت علمی و کمیسیون‌های مربوطه
- تدوین پیش‌نویس برنامه سالانه هیئت علمی
- نظارت بر قراردادهای آموزشی و پژوهشی هیئت علمی
- تأیید صلاحیت مجریان پیشنهادی برای محول کردن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی به آنها
- تدوین و ابلاغ شرح وظایف دوره‌ای و یا موردی به اعضای هیئت علمی و کمیسیون‌های وابسته
- تأیید نهایی مبالغ قراردادها، حق‌الزحمه مجریان، حق‌الجلسه اعضای هیئت علمی و کمیسیون‌های وابسته
- بر اساس بودجه مصوب و آیین‌نامه‌های مربوطه

### ماده هفتم: برنامه و بودجه هیئت علمی

- هیئت مدیره بنیاد دعبل همه‌ساله متناسب با اعتبارات جذب‌شده در جدول بودجه سالانه خود، بودجه مربوط به هیئت علمی را مشخص و به رئیس هیئت علمی اعلام خواهد کرد.
- هیئت علمی حداکثر تا اردیبهشت هر سال برنامه سالانه پیشنهادی خود را برای تصویب نهایی به هیئت مدیره ارائه خواهد کرد.
- با تصویب هیئت مدیره این اعتبار در اختیار هیئت علمی قرار خواهد گرفت که با مدیریت رئیس هیئت علمی و بر اساس آیین‌نامه‌های مربوطه هزینه خواهد شد.
- در صورت عدم تحقق کامل بودجه سالانه بنیاد، متناسب با اعتبار کسر شده، از بودجه هیئت علمی نیز کاسته خواهد شد؛ در این صورت برنامه‌های هیئت علمی با تخصیص هیئت علمی و تصویب مجدد هیئت مدیره بنا بر اولویت اجرا خواهد شد.
- پنج درصد از بودجه اختصاص داده‌شده به هیئت علمی به صورت تن‌خواه در اختیار رئیس هیئت علمی خواهد بود که به تشخیص رئیس هیئت علمی و بر اساس آیین‌نامه‌های مالی مربوطه هزینه خواهد شد.

### ماده هشتم: آیین‌نامه عملکرد هیئت علمی

- هیئت علمی بنیاد دعبل در اولین جلسات خود آیین‌نامه‌های برگزاری جلسات، عملکرد کمیسیون‌ها، سفارش و تأیید پروژه‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌ها را تصویب و برای تصویب نهایی به هیئت مدیره ارائه خواهد کرد.

### ماده نهم: نظارت و ارزیابی

- نظارت و ارزیابی عملکرد اعضای هیئت علمی، کمیسیون‌های وابسته و مجریان طرح‌ها بر عهده هیئت مدیره و یا دستگاه نظارتی تعیین‌شده از سوی این هیئت خواهد بود. ■

# پیوند عاطفه و عقلانیت

عبدالامیر فاتق



✿ تأثیر گذاری شعر و مدیحه در حفظ، نگهداری، ترویج و بالندگی تفکر ولایی، چنان گسترده و ژرف است که نمی توان برای آن بدیلی یافت

حال به سؤال نخستین خود باز گردیم. پرسیدیم که: «چرا ما باید درباره جایگاه مداح، ذاکر و ستایشگران در جامعه اسلامی و در فرهنگ شیعی صحبت کنیم؟ اهمیت این موضوع چیست؟» در پاسخ به این سؤال موارد متعددی را می توان بیان کرد که من در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنم:

نخست: مرتبت و جایگاهی است که امامان برای شاعران و ستایشگران و مداحان قائل بودند. روایات فراوانی در منابع حدیث و سیره اهل بیت علیهم السلام در این باره آمده که شیرینی هر یک از آنها از عسل مصفا کمتر نیست. شما اگر در تاریخ مدح اهل بیت - که از همان سال های نخستین صدر اسلام آغاز شد و پس از واقعه کربلا اوج گرفت - نگاه کنید، توجه وافر و بی نظیر امامان اهل بیت علیهم السلام به شاعران و مداحان را ملاحظه می کنید. چرا؟ چون این عزیزان با جان و دل مردم سر و کار داشتند و عاطفه مخاطبان را به عقلانیت آنها پیوند می زدند. در عرصه دفاع از معارف بلند شیعی، ده ها هزار عالم فرهیخته و دانشمند مجاهد، بر قتل رفیع دانش ایستاده اند و اثر گذاری فراوان و عمیقی داشته اند. اینان در طی قرن های متمادی از معارف والای اهل بیت به درستی و عالمانه دفاع کرده اند و برای اثبات حقایق آن بزرگواران سخت کوشیده اند. اما با این حال، هر گاه سخن از تبلیغ دینی است، بیشتر نگاه ها به قشر شاعر و مداح و ذاکر - که خود دلسوخته اند و می سوزانند، روشن ضمیرند و جان ها را روشنایی می دهند و دلباخته اند و عاشق می پرورند - دوخته می شود. زیرا تأثیر گذاری شعر و مدیحه در حفظ، نگهداری، ترویج و بالندگی تفکر ولایی، چنان گسترده و ژرف است که نمی توان برای آن بدیلی یافت. به این گزاره های تاریخی دقت کنید:

«کمیت بن زید» که یکی از برجسته ترین شاعران ادب شیعی است می گوید: روزی بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و برای آن حضرت شعری را که در رثای امام حسین علیه السلام سروده بودم، خواندم. آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ يَا كَمِيتُ! لَوْ كَانَ عِنْدَنَا مَالٌ لَأَعْطَيْنَاكَ مِنْهُ، وَلَكِنْ لَكَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِحَسَّانٍ: «لَا يَزَالُ مَعَكَ رُوحُ الْقُدْسِ مَا

برای آن که به موضوع سخن بپردازیم، مناسب است پیش از هر چیز پاسخ این سؤال را بجوییم: «چرا باید درباره جایگاه مداحان، ذاکران و ستایشگران در جامعه اسلامی و در فرهنگ شیعی صحبت کنیم؟ اهمیت این موضوع چیست؟» منظور ما از طرح این سؤال، پرداختن به موضوع است که: «ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم السلام نسبت به جایگاه و اهمیت کار خود و کارکرد مداحی در حوزه معرفت دینی و تبلیغ، شناخت کافی داشته باشند.» شاید اگر مقداری این مسئله را بشکافیم، بتواند برای مباحث آینده ما راه گشا باشد و بتوانیم ابعاد مسائل دیگر را هم بشناسیم.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرِيَّ عَرَفَ قَدْرَهُ»؛ «خداوند کسی را که ارزش و جایگاه خودش را بشناسد رحمت کند.» خداوند به دعای آن حضرت، رحمت خود را بر کسی که حد و اندازه خود و نسبت خود با دیگران را بشناسد فرو می فرستد. چنانچه کسی توفیق یابد از پس این کار مهم بر آید، نشان از دو مسئله مهم دارد:

نخست اینکه: خودش را به خوبی شناخته است. موضوع «خود شناسی» در معارف دینی ما بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. می دانید که خودشناسی، قدم اول در راه خداشناسی است. رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ «هر کس خود را بشناسد، خدایش را شناخته است.» دوم اینکه: چنین کسی توانسته جامعه خود و نیازها و مقتضیات زمانی و مکانی آن را بشناسد و نسبت و چگونگی رابطه خود با آن را تعریف کند که این مسئله نیز خیلی مهم است.

این مسئولیت سترگ، بر عهده کسانی است که در عرصه تبلیغ حضور دارند؛ به ویژه کسانی که در جامعه شان دارای موقعیت خاص هستند، چشم مردم به انگشت اشاره آنهاست، در میان مردم به عنوان یک شاخص شناخته می شوند و گاه آنها را معیار خود قرار می دهند؛ بر آنهاست که بدانند در چه جایگاهی قرار دارند. حال اگر کسی بتواند جایگاه خود را در جامعه

## لؤلؤ و مرجان

مؤلف: علامه میرزا حسین نوری  
ناشر: مطبوعات دینی  
تاریخ نشر: ۱۳۸۸



«لؤلؤ و مرجان» از جمله آثار غیر عربی علامه «میرزا حسین نوری» است. محدث نوری در این اثر ارزشمند مسائل مربوط به تبلیغ درست دین و رساندن حقایق به طبقات عمومی جامعه را تحریر می کند. این کتاب در آخرین سال عمر شریف محدث نوری تألیف شده و به عقیده برخی عصاره ده ها سال مطالعه موشکافانه، تحقیق دقیق، غور مفصل و پژوهش عمیق و کامل ایشان در مسائل مربوط به منبر داری و شیوه تبیین حقایق مرتبط با معرفت دینی - با گرایش بایسته های سوغواری - است.

حاج میرزا حسین نوری از علمای به نام ایران در دوره قاجاریه است. ایشان به علت تألیف کتاب «مستدرک الوسائل» و دیگر کتاب هایی که در حوزه اسلام و حدیث نگاشته است، جزو مصنفان طراز اول در چند قرن اخیر در تاریخ تشیع است. دردمندی محدث نوری در خصوص آنچه در ظواهر و سطوح جوامع دینی اسلامیان و خصوصاً محافل عقیدتی تشیع می گذشته، در نگارش کتاب لؤلؤ و مرجان به اوج خود رسیده؛ و نام وی را در زمره احیای تفکر دینی ثبت کرده است. لؤلؤ و مرجان پرچمدار سلسله ای از مباحث نوین دینی است که خط سازنده پیرایش دینی و تحریف زدایی از ساحت مکتب تشیع را دنبال می کند.

در این کتاب با استناد به ده ها آیه قطعی الصدور قرآنی و نیز صد ها روایت مورد اتفاق و متواتر، از واقعاتی سخن گفته شده که پیش از آن مغفول مانده بود.





از مخاطبان تحت تأثیر آموزه‌های دینی باشد و از سوی دیگر سوخته‌جانی او در مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، پیش از آنها باشد.

دوم: جایگاه بلند ستایشگران و مداحان اهل بیت در تحولات اجتماعی است. اگر می‌گوییم امامان بزرگوار ما، همواره در طول حدود ۲۵۰ سال دوران حضورشان، نسبت به مسئله ستایشگری توجهی خاص داشته‌اند، این موضوع نه از سر نیاز آن بزرگواران به مدح و ستایش دیگران است که ساحت این نازنینان همواره از خصلت‌های نادرست و رفتارهای نابجا مبراست، بلکه علاوه بر کار کرد بسیار قابل توجه و تأثیرگذار این پدیده منحصر به فرد دنیای شیعه در عرصه تبلیغ دینی، کارایی فراوان آن در ساحت مسائل اجتماعی و سیاسی بوده است. منحصر به فرد می‌گوییم؛ زیرا در مناسک عبادی هیچ مذهب و سلوک دینی، همانند آن و با این نوع و میزان تأثیرگذاری و... دیده نمی‌شود. شاعران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام در جهاد فرهنگی خود، نوک تیز پیکان مبارزه خود را متوجه حاکمیت ستم پیشه و فرهنگ فاسد آن و بدعت‌ها و ناروایی‌ها کرده بودند. گاه دیده می‌شد که حتی شاعرانی که در یک مقطع زمانی، راهی جز راه اهل بیت علیهم‌السلام می‌پیمودند، به علت طهارت، معنویت و شایستگی‌های خدادادی آن بزرگواران، مجذوب مقام و منزلت امامان قرار گرفته و با سربایش شعر، به تمامی قامت به دفاع از حقیقت پرداخته‌اند. این موضوع می‌توانست در به چالش کشیدن دستگاه حاکمه بسیار مؤثر افتد.

شعر سرایی «فرزدق» را که در ادب و سخن، از بزرگترین شاعران زمانه خویش بود، مثال می‌زنم. زندگی او در رویارویی با دستگاه حاکمه، دارای فراز و نشیب فراوانی است. گاه با حاکمان می‌ستیزد؛ آن گونه که به هجو امیران فاسق می‌پردازد، و گاه با آنان در می‌آمیزد؛ به گونه‌ای که هر سال برایش از خزانه مستمری مقرر می‌کنند. با این همه اما، وجدانی بیدار و آگاه داشت. در ایام حکومت عبدالملک بن مروان به حج مشرف شده بود. همان زمان هشام فرزند عبدالملک نیز به برای انجام طواف و مناسک حج خود به مسجد الحرام آمده بود. هشام پس از طواف می‌خواست حجر الاسود را استلام کند، اما ازدحام جمعیت چنین اجازة‌ای به او نمی‌داد. پس به ناچار، منبری برای او نهادند و هشام از فراز آن به تماشای جمعیت نشست، تا پس از فراغت و خلوتی، اعمال خود را ادامه دهد. در همین هنگام، حضرت امام علی بن الحسین علیهما‌السلام نزدیک کعبه شد و قصد استلام حجر را فرمود. به ناگاه جمعیت شکافته شد و مردم راه را بر آن حضرت باز کردند. این کار موجب شگفتی خلیفه‌زاده

دگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد... از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت دیگری در شأن و رتبت شاعر و مداح اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده که فرمود: «مَنْ أُنشِدَ فِي الْحُسَيْنِ بَيْتَ شِعْرِ قَبِيكِي وَ أَبْيَكِي عَشْرَةَ فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ - وَ مَنْ أُنشِدَ فِي الْحُسَيْنِ بَيْتاً قَبِيكِي وَ أَبْيَكِي تَسْعَةَ فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى قَالَ مَنْ أُنشِدَ فِي الْحُسَيْنِ بَيْتاً قَبِيكِي وَ أَظْنَهُ قَالَ أَوْ تَبَاكِي فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛ «اگر کسی یک بیت شعر برای حسین بسراید و بگرید و ده نفر را بگریاند، پاداش او و آنان که گریسته‌اند بهشت است. و هر آنکس که بر حسین یک بیت شعر بگوید



دلی که خودش نسوخته و جگری که تفتیده نشده، چشمی که خیس نیست و نفسی که سحر ندارد چگونه می‌تواند بر اطرافیان خود تأثیرگذار باشد؟ چطور می‌تواند دل‌های دیگران را بسوزاند؟

و بگرید و نه نفر را بگریاند، پاداش او بهشت است، پس امام همواره تعداد را کم می‌کرد تا آن که فرمود: هر آنکس بر حسین یک بیت شعر بسراید و بگرید بهشت برای اوست». آنگاه راوی می‌گوید: «و گمان می‌کنم که فرمود: یا خود را به گریه زند، بهشت برای او خواهد بود!» این جایگاه شاعران و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام است. اما این روایت و روایات مشابه آن، «نکته‌ای ظریف و دقیق» دارد که مناسب است توجه بیشتری بدان مبذول شود. امام علیه‌السلام فرمودند: «اول خودش گریه کند». اینجا نکته‌ای بسیار مهم نهفته است. به راستی دلی که خودش نسوخته و جگری که تفتیده نشده، چشمی که خیس نیست و نفسی که سحر ندارد، چگونه می‌تواند بر اطرافیان خود تأثیرگذار باشد؟ چطور می‌تواند دل‌های دیگران را بسوزاند؟ گویی امام علیه‌السلام راه اصلی تأثیرگذاری بر مخاطب را به مبلغان نشان می‌دهند و آن این است که برای موفقیت در کار تبلیغ دینی، باید در ابتدا مبلغ، خودش از یکسو بیش از دیگران و پیش

ذَبَبَتْ عَنَّا»؛ «ای کمیت! به خدا سوگند اگر هم اینک در نزد ما چیزی از مال دنیا بود، آن را به تو می‌بخشیدیم. اما اینک به تو همان سخن را می‌گوییم که رسول خدا به حسان بن ثابت<sup>۴</sup> فرمود: «تا آن زمان که (با زبان و شعرت) از ما اهل بیت دفاع می‌کنی، روح القدس همراه توست.» ملاحظه می‌کنید که امام باقر علیه‌السلام برای تعیین موقعیت و مرتبت شاعر اهل بیت، او را با فرشته مقرب آستان الهی همنشین و همراه دانسته‌اند. کمی بیندیشیم که اگر انسان در راه بندگی خداوند تا آنجا برود که همراه و همنشین ملائکه الله شود، به چه مرتبه بلندی دست یافته است! آن هم روح القدس که اعظم فرشتگان و اشرف آنهاست. همان روح که در لیلۃ القدر هر سال بر وجود مبارک امام علیه‌السلام نازل می‌شود: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رِبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»<sup>۵</sup>، همان روح القدس و روح الامین که بر سینه مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام حاضر نازل می‌شود! حتی اگر روح القدس را چیزی جز سروش رحمت بدانیم و موجودی جز جناب فرشته امین پروردگار، باز هم از اهمیت آن سخن و مرتبت آن جایگاه کاسته نمی‌شود. هر چه هست، روح قدسی الهی است که به شاعر اهل بیت مدد می‌رساند و فیض می‌پراکند. در شرح این حدیث آورده‌اند که معنای فرمایش امام به کمیت این است که «روح القدس بر زبان تو دمیده است که توانسته‌ای برای ما چنین شعر بسرایی»<sup>۶</sup>

در روایت دیگری آمده است که امام به او فرمود: «لَا تَزَالُ مَوْجِدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا دُمْتَ تَقُولُ فِينَا»؛ «تا آن زمان که درباره ما اهل بیت شعر می‌سرایی سخن می‌گویی، روح القدس پشتیبان تو خواهد بود.» البته این موقعیت و مرتبت منحصر به کمیت و هم‌طرازان او نیست. بلکه هر کس بتواند در وادی محبت اهل بیت با همان شرایط و انگیزه شعر بسراید، همین رتبت را دارد. از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت است که فرمود: «مَا قَالَ فِينَا قَائِلٌ بَيْتَ شِعْرِ حَتَّى يُؤَيَّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ»؛ «هیچ سراینده شعری برای ما «حتی» یک بیت شعر نمی‌گوید، مگر آنکه روح القدس او را یاری می‌کند!» «شعر نمی‌گوید» یعنی نمی‌تواند بدون مدد روح القدس شعر بگوید! این فیض روح القدس است که جان شاعر را برای سرودن شعر در وصف حال و شأن اهل بیت پیامبر علیه‌السلام زنده، تازه و با طراوت می‌کند و مداح نیز با خواندن آن اشعار، جان دیگران را زنده می‌کند و به ملکوت بی‌نهایت، متصل می‌کند و از سرچشمه آب حیات عشق به اهل بیت علیهم‌السلام به او زندگی جاویدان می‌بخشد. جناب حافظ می‌فرماید:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

### ستودگان و ستایشگران

بر گرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب  
ناشر: سوره مهر  
تاریخ نشر: ۱۳۸۲

«ستودگان و ستایشگران»، مجموعه‌ای است بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری در خصوص مداحی اهل بیت علیهم‌السلام. این کتاب که به همت انتشارات سوره مهر منتشر شده، در هفت فصل به موضوعاتی نظیر: «ریشه تاریخی مداحی اهل بیت علیهم‌السلام»، «جایگاه و اهمیت مداحی اهل بیت علیهم‌السلام»، «رسالت‌های مداحان اهل بیت علیهم‌السلام»، «اصول مداحی اهل بیت علیهم‌السلام»، «نکاتی درباره اشعار و مدایح»، «مداحی اهل بیت علیهم‌السلام و انقلاب اسلامی» و «مسائل جامعه مداحان اهل بیت علیهم‌السلام» می‌پردازد.

در پیشگفتار این کتاب، از حوزه اندیشه و هنر اسلامی می‌خوانیم: «... این کتاب مستطاب را بعضی برادران فاضل صاحب‌دل ما، هم آنان که مقیم حضرت‌اند و منبع خیر و برکت‌اند از گفتارهای سالیانه حضرت رهبر مسلمانان آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله العالی در یوم الله و ولادت جناب صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در خطاب به مداحان اهل بیت فراهم آورده و به ترتیبی لایق و تبویبی بدیع بنیاد نهادند و مقدمه‌ای و مؤخره‌ای بر آن ضم گردید، شاید جلواتی از عرایس نغایسی که در پرده اشارات و عبارات به اقتضای وضع خطابه نهان مانده‌اند متجلی گردند و فایده حکم و احکام نهفته عام تر شود...»

بخش آخر این کتاب تعلیقاتی است که از صفحه ۱۱۸ تا پایان کتاب یعنی صفحه ۲۳۸ به شرح برخی از اشارات و عبارات اشاره شده در هفت فصل ابتدای آن می‌پردازد.



و اطرافینانش شد. مردی از همراهان هشام پرسید: «این کیست که مردم چنین او را احترام می کنند؟!» هشام خود را به تاجه زده و گفت: «او را نمی شناسم!» فرزند ق که در آن مکان حضور داشت تاب نیاورد. رگ غیرتش جنبید و آتش محبتش شعله ور گردید. به هشام گفت: «او را نمی شناسی؟! اما من او را می شناسم!» آنگاه همانجا شعری را در وصف حضرت زین العابدین علیه السلام سرود که تا امروز در تارک ادبیات عرب می درخشد:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَائِفَهُ  
وَالْبَيْتَ يَعْرِفُهُ وَالْحَلْمَ وَالْحَرَمَ  
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كَلِّهِمْ  
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الظَّاهِرُ الْعَلَمُ ...

یعنی: «این کسی است که سرزمین بطحاء (مکه) راه رفتن او را می شناسد، کعبه و حرم و جل او را می شناسند، او فرزند بهترین بندگان خداست، او مردی پرهیزگار و پاک سرشت و طاهر است که در میان تمامی مردمان شناخته شده است...»<sup>۱۰</sup> و در یک قصیده طولانی و به تفصیل، به بیان خصوصیات و ویژگی های آن حضرت پرداخت. خبر که به عبدالملک رسید، با خشم و ناباوری به فرزند ق گفت: «نکنند تو هم رافضی شده ای؟!» فرزند ق پاسخ داد: «اگر محبت به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفض است، من چنینم!» همین امر موجب شد تا مورد غضب دستگاه خلافت قرار گیرد. او را به زنجیر کشیدند و در زندانی میان مکه و مدینه بازداشت کردند و مستمری سالیانه او را هم قطع کردند. خبر زندانی شدن و قطع مستمری فرزند ق به امام سجاد علیه السلام رسید. آن حضرت دوازده هزار درهم را به عنوان هدیه برای او فرستادند. او آن هدیه را باز گرداند و گفت: «من تنها به خاطر خدا و خشنودی پیامبر چنین کرده ام!» امام دوباره آن هدیه را برای او فرستادند و فرمودند: «تو را به حقی که بر تو دارم سوگند که آن را بپذیری، خداوند جایگاه تو را می بیند و نیت قلبی تو را میداند.» در این هنگام بود که فرزند ق هدیه امام را قبول کرد.<sup>۱۱</sup>

خوب! شما ببینید که در دوره اختناق اموی - مروانی چنین گرایشی از سوی چنین شخصیت تأثیر گذاری، چه ضربه ای را به پیکره دستگاه خلافت وارد می کند! به همین دلیل است که عرض می کنم: «گویی امام سجاد علیه السلام به دنبال چنین افرادی بوده است.»

در دوران معاصر، ما شاهد تأثیر گذاری این قشر عزیز در تحولات اجتماعی و سیاسی بوده ایم و این موضوع، انکار ناشدنی است. یکی از عزیزان این مضمون را در اشعارشان داشتند که «شعرا و مداحان بودند که مردم را از زمان انقلاب وسط خیابان آوردند.» این یک واقعیت سیاسی و اجتماعی است. چه کسی اشعار و شعارهای کوبنده زمان انقلاب را می سرود؟ آنها را تنظیم می کرد، برای آنها

آهنگ و نوای مناسب می ساخت و با حنجره های خسته و سینه های سوخته در میان مردم می پراکند؟ همین ها زحمتش را می کشیدند و این خیلی با ارزش است. اما باید بدانیم که اگر شاعران و ذاکران می خواهند چنین جایگاه تأثیر گذاری را در جامعه داشته باشند و آن را به خوبی حفظ نمایند، باید خودشان نسبت به وقایع و حوادث پیرامون شان و نسبت به وظایفی که در جامعه بر عهده دارند آگاهی داشته باشند. از این رو به نظر می رسد که شاعران، ذاکران و مداحان باید آگاه ترین افراد جامعه شان باشند، شناخت و بصیرت کافی نسبت به وقایع زمانه خود داشته باشند و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را هم در حد یک مبلغ دینی داشته باشند. این نیز نکته ای مهم است پرداختن به آن مجال بیشتری می طلبد.

**مسئله مسئله مدح شخص نبود البته این بزرگواران شایسته ستایش و مدح اند اما امام معصوم به جایگاه ولایت می اندیشد به گسترش و ترویج فرهنگ ولایتی می اندیشد و بدون شک مدح اسوه های مکتب در جامعه نقش تربیتی و تبلیغی ویژه ای ایفا می کند.**

سوم: جایگاه و بیهوده ستایشگران در دفاع از مسئله ولایت است. ستایشگران همواره و در طی تاریخ شیعه در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام همچون کوه، استوار ایستادند. این سنگر تا به امروز محکم و پایدار برجا مانده است و پرچم هدایتگری با سرفرازی بر فراز آن در اهتزاز است. در این باره سخن بسیار گفته شده و هنوز هم جا دارد که پژوهشگران، محققان و صاحب نظران باز هم بدان بپردازند. اما بنده می خواهم در اینجا از منظری دیگر به موضوع بپردازم:

امامان بزرگوار ما علاوه بر تشویق، تأیید و ترویج شاعران و ذاکران اهل بیت که سخنگویان شجاع و پاسداران دلیر حریم ولایت بودند، گاه شخصاً در نحوه سربیش و ارائه اشعاری که در مدح مقام ولایت گفته می شد، دخالت می کردند. چرا؟ چون موضوع پر اهمیتی است. مسئله، مسئله مدح شخص نبود؛ البته این بزرگواران شایسته ستایش و مدح اند. اما امام معصوم به جایگاه ولایت می اندیشد، به گسترش و ترویج فرهنگ ولایتی می اندیشد و بدون شک مدح اسوه های مکتب، در جامعه نقش تربیتی و تبلیغی ویژه ای ایفا می کند. تأکید می کنم که امام نیاز به مدح امثال من و شما ندارد. لیکن کارکرد شعر - به خصوص شعر دینی یا آنچه که ما امروز به عنوان ادبیات آیینی می شناسیم - بسیار وسیع و سطح و عمق تأثیر گذاری آن در جامعه فراتر از سایر روش های تبلیغی است. بسیار طبیعی است که این اشعار زبان به زبان می چرخد

و سینه به سینه به نسل های آتی منتقل و در میان مردم ماندگار می شود، و گاه یک شعر، از روایات قطعی الصدور در میان مردم بیشتر رواج پیدا می کند. لذا امامان شیعه علیهم السلام نسبت به این اشعار حساسیت نشان می دادند. گاه، آنها را تصحیح می کردند. گاه، ابیاتی را به قصاید شاعران اضافه می کردند. گاه، از آن می کاستند و خلاصه شاید بتوان گفت با دقت و اشراف بی نظیری، بر اشعاری که به ایشان عرضه می شد نظارت می کردند. کاملاً مشخص است که چرا چنین رفتاری از سوی آن بزرگواران صورت می گرفت؛ چون همان گونه که در سطور گذشته آمد، شعر و مدح، کار کردی بی نظیر در حفظ و ترویج معارف شیعی داشته و دارد. ■

\*گزیده ای از سخنرانی عبدالامیر فائق، عضو هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی، در جمع ستایشگران اهل بیت علیهم السلام در استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۸/۸

**پی نوشت:**

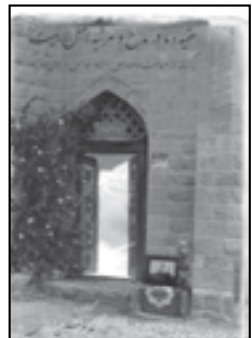
- ۱- تصنیف غر الحکم، ص ۲۳۳
- ۲- عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۲
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۵، ح ۲
- ۴- حسان بن ثابت نصاری از مسلمانان مدینه در شعر و ادب سرآمد همگنان خویش بود. وی دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود و هر گاه یکی از مشرکان نسبت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدگویی می کرد و یا حادثه ای مهم روی می داد، از زبان و شعر خویش برای دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهره می برد. در حجة الوداع، آن زمان که پیامبر به امر الهی در وادی غدیر خم موضوع امامت امیرمؤمنان را به مسلمانان ابلاغ فرمود، حسان بن ثابت آن واقعه عظیم را به نظم کشید و شعری گران سنگ سرود که تا به امروز یکی از مفاخر شعر و ادب عربی به شمار می رود. آنگاه که اشعار غدیر بهش را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواند، آن حضرت به او فرمود: «لَا تَزَالُ يَا حَسَنُ مُؤَيِّدًا بَرُوحَ الْقُدْسِ مَا نَصَرْتَنَا يَلَسَانِكُ». «هان ای حسان! تا آن زمان که ما را با زبان خویش یاری میکنی، روح القدس چکامه هایت را تأیید می کند!» (الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۸). گویی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آینده ای نامعلوم برای این شاعر خبر می دهند که تأیید روح القدس را مشروط می کند: تا آن زمان که ما را با زبانت یاری کنی! البته «حسان» بر عهد خویش پای بند نماند و در آخرین سال های زندگیش به انکار خویش و ولایت پرداخت.
- ۵- سوره القدر، آیه ۴
- ۶- البضاعة المزجاة، ج ۲، ص ۱۷۰
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۵، ح ۴
- ۸- بحار الأنوار، ج ۱۶، باب ۱۰۸، ح ۱۵
- ۹- کامل الزیارات، ص ۱۰۵
- ۱۰- امالی مرتضی، ج ۱، ص ۶۹
- ۱۱- روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۰۱

**عقیده مادر مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام**

گردآوری: غلام حسین مردانی

ناشر: ساحل

تاریخ نشر: ۱۳۹۱



این کتاب برگرفته از مباحث و دروس «عباس و یحیی (دلجو)» است که مطالب آن به همت «غلام حسین مردانی» گردآوری شده است. از جمله عناوین و سرفصل های این کتاب عبارت است از: «تعریف مدح در انواع ادبی»، «جایگاه مداحی در قرآن کریم»، «جایگاه و مقام مدح و مداحان نزد معصومین علیهم السلام»، «احکام مدح و مدیحه سرائی»، «ریشه های عزاداری در قرآن»، «احکام مرثیه» و ...

مردانی در بخشی از مقدمه این کتاب می نویسد: «... فرهنگ صحیح مداحی اهل بیت علیهم السلام آشنایی به اصول و علوم و

فنون مدح و مرثیه و آگاهی به عقاید ناب شیعه در مدح و مرثیه، انتخاب شعر و مدح و مرثیه صحیح و سایر علوم مربوطه، بدیهی است که بدون فراگیری و مراقبت و اهتمام محقق نمی شود. آنانکه استاد خوبی داشتند نیمی از راه را با موفقیت طی کردند و نیمی دیگر استعداد و تقوی و علاقه و تربیت است که موهبت حقتعالی به بندگان خاص می باشد.

در این راستا سال های زیادی با بهره مندی از جلسات این استاد عباس دیجوی (دلجو) اگر آنقدر خیلی از معارف لازم را آموخته و دریافتیم که در سایه بزرگی بودن، اسباب بزرگی را برای چون مایی فراهم می آورد... این حقیر عیناً مطالبی که از زبان استاد در کلاس ها با ذوق و سلیقه خاصی بیان گردیده در این مجموعه گردآوری نمودم؛ فلذا وقتی کتاب را مطالعه می کنید مطالب در حقیقت از زبان و با بیان استاد نگارش یافته و از خود دخل و تصرفی در آن نداشتیم.»

# هنر ستایشگری و لزوم برنامه‌ریزی فرهنگی

هوشنگ جاوید



**نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی و مولودی‌خوانی شاخه‌های دیگر هنر ستایشگران حق و حقیقت است آنچه که در زمان کنونی ما برای این هنر و انتقال ارزش‌های آن به آیندگان دارای اهمیت است. آنچه بر ارزش‌های آن به آیندگان دارای اهمیت است اندیشه به ایجاد یک برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده سیستماتیک در زمینه‌های گوناگون آن است**

آنچه که در زمان کنونی ما برای این هنر و انتقال ارزش‌های آن به آیندگان دارای اهمیت است، اندیشه به ایجاد یک برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده سیستماتیک در زمینه‌های گوناگون آن است که این هنر مذهبی-ملی که همیشه به آیین و با آیین انجام می‌شود در برگیرد. این برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند در شاخه‌های زیر صورت بپذیرد:

۱- آیا ستایشگران عمدتاً همان مردان مذهبی (روحانی) باید باشند یا نه؟ چرا که آنان هم نماز جماعت را اداره می‌کنند، برخی‌شان مسئله‌گویی دارند و به‌طور کلی تمامی جلسات مذهبی را گسترش کمی و کیفی می‌دهند.

۲- اگر چنین باشد یعنی پاسخ پرسش نخست مثبت

آنچه در زمان ما دارای ارزش است ژرفایختی به هنر ستایشگری و برنامه‌ریزی در جهت حرکت نو برای آینده است. نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی را جامعه دیروز ایران به عنوان یک رسانه مذهبی می‌شناخت؛ اما این هنر امروزه برای ایران با توجه به گوناگونی و رشد رسانه‌های گروهی از حالت رسانه‌ای درآمده و بیشتر به عنوان یک برنامه تأمینی عملکرد دارد؛ چرا که روح و عاطفه جامعه را در روزهای مذهبی و اعیاد مذهبی و برنامه‌های هفتگی مراسم مردمی و زمان‌های سوگواری مذهبی باید پالایش دهد و با معارفی که نوحه‌گر بیان می‌کند سطح آگاهی‌های دینی و میزان گرایش به سجایای برین و سبیره و صفات ائمه و پاکان مذهبی و دینی را بالا ببرد.

مهم‌ترین بخش‌های هنر ستایشگران هم خوانی، مناقب‌خوانی، توسل‌خوانی، مناجات‌خوانی، نوحه‌گری، مرثیه‌خوانی و مولودی‌خوانی است. آنچه بر ارزش این هنر می‌افزاید، بهره‌گیری برخی افراد جامعه در زمان اوقات فراغت از کارها و آثار نوحه‌گران و مرثیه‌خوانان است که شایسته است به جای واژه مداح آنان را ستایشگر بنامیم چرا که هنر این گروه از هنرمندان آیین‌های دینی و مذهبی، ستایش پیوسته و همراه از حق، کلام حق و مردان حق است. مهم‌ترین بخش‌های هنر این ستایشگران عبارتند از: «هم‌خوانی» که ستایش ذات پروردگار است، «تعت‌خوانی» که ویژه ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و بس، «مناقب‌خوانی» که ویژه ستایش ائمه علیهم‌السلام است، «توسل‌خوانی» که گونه‌ای پرورش اذهان است برای دستیابی به راهی مناسب برای ارتباط با عالم بالا و درگاه پاکان حق، «مناجات‌خوانی» که انس دادن اذهان برای نزدیک شدن به درگاه پاک خداوندی است.

پس از اینها نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی و مولودی‌خوانی شاخه‌های دیگر هنر ستایشگران حق و حقیقت است.

باشد، ستایشگران امروز و فردای جامعه در کدام مرجع و نهاد فرهنگی-رسمی کشور باید ارزیابی و تأیید شوند؟ چرا که صرف وجود چیزی به نام کانون یا انجمن نمی‌تواند نیازها و واجبات اصلی را برطرف نماید و مسئله را حل کند. ۳- بالا بردن سطح آگاهی‌های ستایشگران در جهت تسلط روحی درست بر مخاطب و موضوع در کجا و توسط چه کسانی یا چه مرجع رسمی فرهنگی باید صورت بگیرد؟

۴- نوآوری و خلاقیت در طرح موضوع، طی چند ساله اخیر بسیار بی‌برنامه و حساب‌نشده و به شکل آزمون فردی بر روی جمع صورت گرفته و همین سبب آسیب‌های فراوان در زمینه کلامی، نغمگی، لحنی و بیان روایات نادرست و حتی صدمه به زبان رسمی شده است. آموزش تخصصی در کجا و تحت نظارت کدام دستگاه فرهنگی باید صورت بپذیرد تا به نام نوآوری، ستایشگران دچار وهن نشوند؟

باید برای ارتقا سطح بینش، دانش، معلومات و مخاطب‌شناسی ستایشگران (مداحان) برنامه‌ریزی شود؛ در حالی که تاکنون در هیچ یک از مراکز آموزشی کشور به آن توجهی نشده است.

۵- ارتقاء سطح بینش، دانش، معلومات، مخاطب‌شناسی باید به صورت آموزشی و به‌طور کلی در یک فضای آموزش عالی برای ستایشگران (مداحان) صورت بپذیرد؛ در حالی که در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور نه این موضوع مهم که در جامعه برای خود دارای آیین است، اندیشه شده و نه به تدریس آن توجه شده است و این از عجایب یک دولت دینی و اسلامی است؟ آنچه که امروز بسنده شده صدای خوب، جذب مردم به صورت کاذب که گاه به عرصه خودنمایی یک یا چند ستایشگر ناآشنا به کنه مسئله تبدیل می‌شود، است. در حالی که ستایشگری فقط به خوش صدایی، خوش تکنیکی،

## آیین سوگواری

مؤلف: علامه سید محسن امین

ناشر: حبیب

تاریخ نشر: ۱۳۸۹



- حسین علیه‌السلام پیروز شد»، «گفتار موسیو «ماربین» آلمانی و دکتر «جوزف» فرانسوی» و «خلاصه آنچه که در این کتاب گذشت». در بخش کتابنامه ۱۰۳ عنوان کتاب ذکر شده است و در انتهای کتاب عکس‌هایی قدیمی از علامه سید حسن امین، از جمله عکس ایشان همراه با علمای ایران و عکس ایشان در میان انجمن علمای جبل عامل وجود دارد.

در بخشی از مقدمه ناشر این طور آمده است: «مرحوم علامه سید محسن امین، عالم وارسته، مبارز و روشنفکر خطه جبل عامل در همین رابطه اقامه عزا برای امام حسین علیه‌السلام و بارانش [با توجه به شبهات و اختلافات و القاناتی که مخالفین بیان کرده‌اند، به خوبی در این رابطه مطالب ارزشمندی را در کتاب گرانسنگ خویش به نام «اقناع‌اللائم» - که ترجمه آن را در پیش رو دارید - به صورت مستدل مطرح کرده و در مقام پاسخ به شبهات بر آمده و انصافاً حق مطلب را ادا نموده است.»

«آیین سوگواری» ترجمه کتاب «اقناع‌اللائم» اثر علامه «سید محسن امین» است. این کتاب را «علی زهراب» ترجمه و چاپ دوم آن را ناشر حبیب در سال ۱۳۸۹ ش. منتشر کرده است. این کتاب علاوه بر مقدمه ناشر، زندگی‌نامه مؤلف و پیشگفتار، هشت فصل دارد که عبارتند از: «اندوه و گریه بر شهادت امام حسین علیه‌السلام»، «سرودن شعر و مرثیه‌خوانی برای مردگان»، «سوگواری برای مردگان با زبان غیر شعر»، «شکرک در مجالس عزا همراه با اظهار اندوه»، «تفاقی برای مردگان و اهدای ثواب آن به آنها»، «فوائد دینی و دنیوی برپایی مجالس عزای امام حسین علیه‌السلام»



خوش‌آهنگی و بازیگری نیست. ارکان ستایشگری را باید آموزش داد، در کجا؟ مشخص نیست.

عزیزان! به آموزش برتر در خود جامعه ستایشگری پدید آمده و این حس تا بدانجا در میان آنان رخنه کرده که به خود اجازه دادند تا کتاب‌ها و سی‌دی‌های آموزشی بی‌حساب و کتاب را وارد جامعه کنند و یا کلاس آموزشی بگذارند؛ کدام مرجع فرهنگی بر محتویات این آثار آسیب‌رسان که پر از اشتباهات فراوان است نظارت کارشناسانه و موشکافانه داشته است؟ چرا ستایشگران پیشکسوت به این گونه کارها حتی نقد و یا اعتراضی نکردند و با این همه مدعی ادبیات آیینی در قالب انجمن و دفتر و گروه بر این آثار و پدیدآورندگان آن خرده‌نگرفتند و به وجود این کلاس‌ها اعتراض نکردند؟ به راستی اندیشیده‌اید که اثری که از سوی فردی که مخاطب را خوب نمی‌شناسد و گاه شاید هدفش یافتن هوادار مرید است تا رواج درست یک هنر مذهبی - ملی، چه تخریبی می‌تواند داشته باشد؟

۷- آیا وقت آن نرسیده که برای ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی به فکر تغییر آموزش از حالت سنتی و کهن به صورت آموزش نوین و پیشرفته از سطح متوسطه تا عالی ببیندیشیم و به عنوان مثال در رشته موسیقی دانشگاه‌ها رشته‌ای به عنوان هنر ستایشگری با تمهیدات لازم ایجاد شود؟

۸- باید دستگاه‌های فرهنگی و هنری در این شرایط بحرانی، بحث نقد آثار را آغاز کنند و به مردم بفهمانند که تفاوت مجالس ستایش درست از دیگر مجالس عزای جعلی در کجاست و چرا؟

۹- می‌توانستیم در ستایشگری و انجام آن و حتی آموزش آن به صورت ریالی و پولی، به راستی آیا اجازه داریم که ستایشگری اهل بیت را وسیله‌ای برای کسب درآمد قرار دهیم؟ این را در گذشته آموزش ذهن نسل‌ها قرار می‌دادند که خداوند از کسی که دین و علم را شغل قرار بدهد بدش می‌آید. به کتاب روایت «معانی الاخبار» صفحه ۱۸۱ مراجعه کنید، از زبان امام صادق علیه‌السلام همه چیز روشن می‌شود. حال، چه شده که برخی ستایشگران ابتدا پول به حسابشان باید واریز شود (از ۲ میلیون تا ۱۰ میلیون تومان!) و بعد با منشی و دفترشان هماهنگ شود و ...

چرا و به چه دلیل؟ آیا به این اندیشیده شده که نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی معاملات، چه صدمات معنوی به آینده این هنر و یا ذهن افراد جوانی که شوق جان، آنان را به میدان می‌کشاند وارد می‌سازد.

۱۰- آیا می‌شود ستایشگری را به عنوان یک شغل در سیستماتیک دستگاه‌های فرهنگی کشور مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش

**ستایشگران باید با مفاهیم اعتقادی مفاهیم اخلاقی، مفاهیم انقلابی و ذکر مصیبت و نوحه‌گری درست و عاطفی توجه دقیق داشته باشند**

عالی یا حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تعریف کرد؟ البته با توجه به مسئله دگرگونی فرهنگ هنری و اداری جامعه از سنتی به نوین. آیا ستایشگر می‌تواند یک ردیف شغلی در آینده اداره این سامان باشد تا از مبحث معامله در ستایشگری پرهیز شود یا خیر؟

۱۱- در امر ستایشگری (مداحی) و رموز آن به ویژه در بحث محتوای کلامی، هیچ آموزشی اعمال نمی‌شود؛ در حالی که بخش‌های متفاوتی بر آن مترتب است؛ مبحث نخست، توجه به زبان رسمی کشور است و پرهیز از گویش‌های مختلف یکی دیگر از این رموز، آن است که گاه بحث محتوای کلامی جایگاه حرام می‌یابد؛ مانند «نوحه‌گری به باطل»، یعنی به دروغ بر کسی نوحه کنند که حتی یک کار از روی رضای خدا انجام نداده و یا در واجبات کوتاهی کرده و او را نادرست در جایگاه رفیع بنشانند و وجه جلوه دهند. یا گفتن «شعرهای ناحق و باطل و نامربوط» مانند شعرهایی که بار فرهنگ جاهلی و هجو و یا بی‌اندیشگی یا اختلاف برانگیز دارد.

ستایشگران باید با مفاهیم اعتقادی، مفاهیم اخلاقی، مفاهیم انقلابی و ذکر مصیبت و نوحه‌گری درست و عاطفی توجه دقیق داشته باشند. در حالی که امروزه بیشتر شاهدیم که مفاهیم اخلاقی در پست‌ترین شکل خود یعنی ستایش چشم و ابرو و نام و یاد داشته‌های دنیوی مانند پیراهن، خنجر و شمشیر و نیزه و مشک آب مطرح می‌گردد. آداب نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی در گذشته به گونه‌ای

بوده که برخی از حکمای دانش موسیقی مانند صفی‌الدین ارموی بر آن تتبع کرده و بر گوشه‌های حزن‌آلود یا افزوده و با پژوهش روان‌شناسانه کرده‌اند. با آنکه می‌دانیم به عنوان مثال حضرت عباس سلام‌الله علیه‌سیره و کردارش و ادب و اخلاقش در پهنه حجاز و ایران و عراق و به ویژه در میدان کربلا نمونه و کارگر بود، نه مشک آب همراهش؛ اما امروزه آنقدر در نوحه‌ها به مشک آب ایشان پرداخته‌اند که سیره و اخلاق پاک از یاد رفته است؟ در حالی که ستایشگر، یکی از وظایفش گسترش معنویات است؛ اما سختی کارش در اصل دوری و پرهیز از پیرایه‌بندی اغراق‌آمیز است و این خود هنری بس بزرگ و سخت است که درشت‌استخوانانی قلندر می‌طلبند، نه خوش‌صدایی بی‌قدر، که از تفاوت و فرق میان نغمگی‌های پلید فرهنگی و موسیقی پاک خودی هیچ نمی‌دانند و بر هر نغمه که شد نوحه خود را تلفیق می‌کنند، گویی نوحه باری است که به هر وسیله می‌توان آن را به مقصد رساند! نه این چنین نیست، گرچه شمسارم از این کلام خود، اما به جرأت تمام می‌گویم که هر ستایشگر در گذشته‌های دور خود مؤلف نغمه بوده است و به جهت کارشان رساله‌ها نوشته شده، آداب نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی به گونه‌ای بوده که برخی از حکمای دانش موسیقی بر آن تتبع کرده و بر گوشه‌های موسیقی حزن‌آور یا افزوده‌اند و یا پژوهش روان‌شناسانه کرده‌اند؛ مانند صفی‌الدین ارموی یا عبدالقادر مراغی یا زین‌العابدین حسینی که بخشی یا گوشه‌هایی از مقام‌های موسیقی ایران را در تعریفی عالمانه دانسته است. حال، چرا امروزه همه رموز و دانش‌ها را باخته‌ایم و بر داشته‌هایمان تاخته‌ایم... والله و الاعلم. ■

منبع: <http://khabarfarsi.com/ext/278995>

**عزاداری، بایدها و نبایدها**

مؤلف: ناصر باقری بیدهندی  
ناشر: نور السجاد  
تاریخ نشر: ۱۳۸۴



«عزاداری، بایدها و نبایدها» کتابی است که در آن «ناصر باقری بیدهندی» به موضوعاتی نظیر: «سوگواری در اسلام»، «حکم عزاداری»، «تاریخچه مجالس عزاداری»، «اهداف برپایی مجالس»، «عوامل مؤثر در جاودانگی مراسم عزاداری»، «رسالت مقدس و بایدهای مداحی»، «تعمیق معرفت» و ... می‌پردازد. «آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی» در بخشی از تقریظی که در ابتدای کتاب آمده، می‌نویسد: «... به همان اندازه که این مراسم عظمت‌آفرین است، آسیب‌های خطرناکی هم دارد که می‌تواند آن را تبدیل به ضد کند و وسیله‌ای برای «تحقیر» و «تخدیر» و «متهم

ساختن به خرافات» سازد. همیشه علمای بزرگ دین نسبت به این امر هشدار داده‌اند. امروز نفوذ عوامل مرموز دشمنان آگاه و دست‌های آلوده ناآگاهان به کار افتاده تا چهره زیبای این مراسم بزرگ را زشت نشان دهد. به همین دلیل باید با آسیب‌شناسی دقیق جلوی آن را گرفت و مجالس حسینی و دسته‌جات و خطبای محترم و مداحان عزیز را از توطئه‌های دشمنان بر حذر داشت. کتاب حاضر، که توسط فاضل و محقق ارجمند حجت الاسلام جناب آقای ناصر باقری بیدهندی نگاشته شده، تلاش و کوششی در این مسیر است. بحمدالله علی‌رغم گرفتاری‌های فراوان توفیق دست داد و بخش‌هایی از آن را مطالعه کردم و آن را کتابی پر مایه و متین و راهگشا برای همه عزاداران و کسانی که مجالس حسینی را اداره می‌کنند و همچنین خطبای محترم و مداحان گرمای یافتیم. به همین دلیل مطالعه آن را به همه عاشقان مکتب حسینی توصیه می‌کنم.»

# جایگاه مداحان در جامعه شیعه و مذهب تشیع

سید حسین معتمدی کاشانی

حضرت فرمود: «آن طور که پیش خود و کنار قبر امام حسین علیه السلام می خوانید، (یعنی با هم نوحه و ندبه می کنید) بخوان». من همان طور خواندم و آن حضرت گریه کرد و من ساکت شدم. حضرت فرمود: «باقی ابیات شعر را هم بخوان». من تا آخر خواندم و آن حضرت گریست و زنان پشت پرده نیز گریستند و بی تابی نمودند. چون تمام شد، حضرت به من فرمود: «ای ابا هارون! هر کس شعری درباره حسین علیه السلام بخواند و ۱۰ نفر را بگریاند، بهشت برای اوست». آن گاه از این عدد کم کرد تا به یکی رسید و فرمود: «هر کس درباره امام حسین علیه السلام شعری بخواند و یک نفر را هم بگریاند، بهشت از برای اوست و هر کس یاد امام حسین علیه السلام کند و بگرید، بهشت برای اوست.»

۲. «ابن بابویه قمی» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل فرموده: «هر کس مصیبت ما را به یاد دیگران آورد (برای مردم بخواند) و خود بگرید و دیگران را هم بگریاند چشم او نگرید؛ روزی که همه چشم‌ها می گریزند.»

۳. «دعبل خزاعی» می گوید در ایام عاشورا خدمت مولای خود علی ابن موسی الرضا علیه السلام رفتم. چون حضرت مرا دید فرمود: «مرحبا بک یا دعبل یا دعبل مرحبا بناصرنا بیده و لسانه»؛ «ای کسی که یاور ما هستی با دست و زبان...»

«ای دعبل دوست دارم شعری در رثای حسین علیه السلام برای من بخوانی. به درستی که این ایام ایام حزن از برای ما اهل بیت علیهم السلام و ایام سرور از برای دشمنان ما خاصه بنی امیه است...»

سپس پرده‌ای را بین ما و اهل بیت خود قرار داد و اهل بیت خود را پشت پرده نشاناند تا بر مصیبت جدش حسین علیه السلام گریه کنند؛ سپس به سوسوی من توجه نمود و فرمود: «ارث الحسین فانت ناصرنا و مادحنا»؛ «ای دعبل برای حسین علیه السلام مرثیه بخوان؛ به درستی که تو یاور و مداح ما می باشی؛ پس، از یاری ما تا زنده هستی و می توانی کوتاهی نکن.» (البحر: ناسخ التواریخ، منتخب طریحی و غیره)

این، تعبیر و تعریف حضرت امام رضا علیه السلام از دعبل، مداح و مرثیه خوان، بود. و بیان اجر و ثوابی که امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام برای مرثیه خوانی آنها و گریه بر امام حسین علیه السلام قائل شده و اعلام فرموده‌اند. ■

یافتن مجالس روضه خوانی و عزاداری سنتی و از دیاد دسته جات و هیئت‌های مذهبی و عزاداری این شغل هم به اقتضای احتیاج و خواست جامعه شیعه مذهب توسعه یافته و همه ساله رو به ازدیاد و بیشتر شدن است. شغل مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام طبق سنت جاریه، خواندن اشعار پند و موعظه و مدایح و مرثیه بزرگان دین است؛ بنابراین مورد احتیاج و علاقه فراوان جامعه شیعه مذهب و زینت افزای مجالس اهل بیت علیهم السلام و مراسم دینی و مذهبی بوده و هستند. ایشان نیز به سهم خود، خدمتگذار به هم‌نوع و اجتماع خود هستند؛ امامان دین ما هم عمل آنها را تأیید فرموده و آنها را برای ادای این وظیفه



توصیه، تشویق و ترغیب فرموده‌اند و به عنوان مداحان و ناصران خود از آنها تعبیر کرده‌اند. برای اثبات این مطلب و یادآوری اینکه مداحان محترم چه موقعیت و مکانی در جامعه شیعه و مذهب تشیع دارند، به مداحی و مرثیه خوانی دو تن از مداحان و مرثیه خوانانی که در منزل و مجلس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام مدح و مرثیه خوانی نموده و مورد توجه و تأیید امام و حجت خدا قرار گرفته‌اند - که از آنها به عنوان مداح و ناصر خود تعبیر فرموده و اجر و ثواب فراوانی برای خوانندگی آنها قائل شده‌اند - اشاره می کنیم:

۱. شیخ مفید از «ابن قولویه» روایت کرده که «ابی هارون مکوف» گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف شدم، به من فرمود: «برای من شعر بخوان». شروع به خواندن کردم،

همان طور که همه می دانند و مشاهده می کنند، هر صنف و طبقه‌ای از اصناف و طبقات جامعه در بین مردم و جامعه موقعیت خاصی دارند و به دلیل آن ارزش و خصوصیتی که در آنها هست برای اجتماع نافع و خدمتگذار به هم‌نوعان خود می باشند. و از جمله آنها صنف محترم مداحان و نوحه خوانان و مرثیه خوانان خاندان رسالت علیهم السلام می باشند که آنها هم دارای شغل بسیار محترم، محبوب و مطلوبی هستند که می توانند با رعایت شرایط مداحی خدمات خداپسندانه، شرع پسند و جامعه پسندانه‌ای را در جامعه تشیع و اجتماع اسلامی ایفا کنند و عامل مؤثری برای تبلیغ و ترویج مذهب تشیع و ولایت اهل بیت رسالت علیهم السلام باشند و با ذکر مدح و منقبت و مرثیه اهل بیت رسالت علیهم السلام نام و مکتب مقدس آنها را برای همیشه در جامعه زنده نگاه داشته و تبلیغ و ترویج نمایند.

از زمان ولایت و زعامت ائمه طاهرین علیهم السلام بر اسلام و جامعه مسلمانین خاصه بعد از رحلت و شهادت مظلومانه پیشوایان دین به ویژه واقعه جانسوز کربلا و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یارانش که انعقاد مجالس روضه خوانی و عزاداری سنتی برای اهل بیت علیهم السلام در جامعه شیعه سنت و پایه گذاری شده و ائمه معصومین علیهم السلام هم شیعیان خود را بر اقامه این مجالس و مراسم توصیه و ترغیب نموده‌اند، این شغل که مداحی و مصیبت خوانی برای اهل بیت رسالت علیهم السلام است در جامعه شیعه و پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام پیدا شده که در مجالس و مناسبات مذهبی، به مناسبت ولادت یا شهادت بزرگان و پیشوایان دین تشکیل می شود؛ به این ترتیب مداحان، منقبت خوانان، نوحه خوانان و مصیبت خوانان محترم به مداحی و مرثیه خوانی می پردازند و مظلومیت و مصائب وارده بر آنها را برای جامعه بازگو و معرفی می کنند، از ظلم‌ها و جنایت‌هایی که دشمنان بر آنها وارد کرده‌اند افشاگری و با این وسیله و طریق، نسبت به امامان و پیشوایان دین و اولیای الهی اظهار توبی و از دشمنان، قاتلان و مخالفان مکتب و مذهب آنها ابراز تفرغ و تبری می کنند. با روی کار آمدن حکام شیعه مذهب، مانند سلاطین دیلمی، «آل بویه»، فاطمی و صفوی و برطرف شدن قدرت و سلطه حکام اموی و عباسی و آزاد و علنی شدن عزاداری و توسعه

## عزاداری سنتی شیعیان

مؤلف: سید حسین معتمدی  
ناشر: مؤسسه انتشارات عصر ظهور  
تاریخ نشر: ۱۳۷۸

«عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان»، یک اثر تحقیقی و تاریخی است که در هفت جلد به همت «حجت الاسلام و المسلمین سید حسین معتمدی» تألیف شده است. در این مجموعه دیدگاه‌ها و فتاوای علما، فقها و مراجع تقلید شیعه در خصوص عزاداری سنتی شیعیان - با تصویری از چهره و دست خط آنان و همچنین مدایح، مرثیه و نوحه‌هایی برای چهارده معصوم به ویژه امام حسین علیه السلام و یارانش - فراهم آمده است.

این اثر با هدف تبلیغ و ترویج آیین‌های مذهبی در

ماه محرم نوشته شده است. علاقه‌مندان به تاریخ عزاداری و سنت‌های سوگواری در میان شیعیان مطالب قابل توجهی را در این اثر می خوانند. سید حسین معتمدی که از روحانیان کاشانی است، در این اثر هفت جلدی با رویکردی تاریخی و اجتماعی به موضوع مهم عزاداری پرداخته و تلاش کرده جزئیات جالبی را در تاریخ عزاداری در روزگار گذشته و روزگار حال ثبت کند؛ مخصوصاً درباره کاشان که مهد این قبیل عزاداری‌ها و شهر هئیت‌های مذهبی است در جلد اول این اثر فراوان می خوانیم. در بخشی از این کتاب با عنوان «مجالس عزاداری احیاگر امر ائمه علیهم السلام است» می خوانیم: «... امر و خواسته امام که ما را به احیای آن توصیه و تشویق فرموده‌اند به وسیله این مجالس احیاء می گردد و امر امام از اصول و فروع دین مقدس اسلام که اعتقادات و عبادات اسلامی است خارج نیست...»



شعر شعرای شیعه در واقع معرفی مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

# ادای حق رسالت

گفت و گو با محمد شیخ الرئیس کرمانی

الهام غریبی

**دکتر «محمد شیخ الرئیس کرمانی»، مؤلف کتاب «شعر شیعی و شعرای شیعه»، در مقدمه این کتاب که در پنج بخش تدوین شده و پژوهشی درباره شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی است، اظهار می کند: «من به شاعر شیعی از آن نظر که زبانش بلندگوی حق و حقیقت و کرامت و فضیلت بوده است نگر بسته ام. از آن جهت که شعر شیعی فریادی است در گوش ستمگران و طوفانی است بر هستی سباهکاران و منحرفان و رمز استقامتی بر صلابت و تسلاپی دلنواز و آرامش بخش برای محرومان و مصیبت رسیدگان.»**

**در گفت و گویی با ایشان از نقش ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در منظومه تبلیغی شیعیان پرسیدیم، از تاریخچه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام و محتوای عقیدتی و کلامی در شعر شاعران شیعی، در ادامه گفت و گوی «دعبل» با استاد را بخوانید:**

**دعبل** با توجه به پژوهش شما درباره «شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی»، نقش ستایشگران اهل بیت علیهم السلام را در منظومه تبلیغ و ترویج دین چگونه می بینید؟

با توجه به حدیث مسلم الصدور و متواتر «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيتي ...» و مستندات نقلی و عقلی بسیار، دین مقدس اسلام بر دو پایه استوار است:

۱. کتاب خدا و آنچه در تعلیم و تفهیم احکام شرع در آن آمده است.

۲. سنت: گفتار و تفسیر، رفتار و تقریر معصوم بنابراین تمسک به قرآن بدون اعتصام به اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از آن بزرگواران به منزله آن است که بسیاری از احکام شرع بر ما مجهول بماند و کیفیت انجام بسیاری از احکام معلومه نیز مشخص نگردد؛ مثلاً احکام ریز طهارت و عبادات و معاملات در هیچ جای قرآن نیامده و اگر به تفسیر و تبیین آن در سنت مراجعه نکنیم، تکلیف ما چه خواهد بود؟ حتی تعداد رکعات نمازهای یومیه، موارد وجوب زکات، تفصیل احکام حج، وصیت، ارث و دیات در قرآن موجود نیست و به سنت موکل است؛ بنابراین شناخت اهل بیت علیهم السلام به معنی

شناخت اهل بیت به معنی شناخت مرجع اخذ احکام و تکالیف شرعی الهی است ستایشگران اهل بیت این بزرگواران را به بهترین وجه معرفی کردند از این طریق نقش بزرگ شاعران اهل بیت در ترویج و تبلیغ دین آشکار می شود و معلوم می شود که ستایش و معرفی اهل بیت علیهم السلام مصداق کامل تبلیغ و ترویج دین مبین است

شناخت مرجع اخذ احکام و تکالیف شرعی الهی است. ستایشگران اهل بیت علیهم السلام، این بزرگواران را به بهترین وجه معرفی کردند. از این طریق نقش بزرگ شاعران اهل بیت علیهم السلام در ترویج و تبلیغ دین آشکار می شود و معلوم می شود که ستایش و معرفی اهل بیت علیهم السلام مصداق کامل تبلیغ و ترویج دین مبین است.

**دعبل** آیا با توجه به تاریخ تشیع و آنچه در طول تاریخ بر مسلمانان گذشته است، می توانیم تصویر درست و دقیقی از مداحان، ذاکران و ستایشگران اهل بیت علیهم السلام به دست آوریم؟ گویا در ابتدا مداحی برای اهل بیت تفاوت بسیاری با آنچه

امروز در مداحی و مداحان می بینیم داشته است. گویا در قرون پیشین ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از طریق شعر و با آثار منظوم بوده است. لطفاً کمی درباره تاریخچه مدح و ستایشگری توضیح دهید.

تاریخ تشیع از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شروع می شود و عنوان شیعه علی از زبان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان اصحاب شهرت داشته است (توضیح این موضوع را در فصل دوم کتاب شعر شیعی و شعرای شیعی آورده ام). جای پای مداحان اهل بیت علیهم السلام را می توان در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیدا کرد. حسان بن ثابت انصاری مداح پیامبر بود و در روز غدیر خم قصیده ای سرود که بیانات پیامبر در مورد وصایت و خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام را در آن گنجاینده و امامت آن حضرت را همراه با تبریک اعلام داشته است.

در دوران اختناق اموی و عباسی که اهل بیت علیهم السلام به عنوان مخالفان حکومت های جور مورد حبس، تبعید و آزار دستگاه خلافت بودند، عمده شاعران برای جلب مال و جاه یا حفظ جان و موقعیت خود به دربار خلفاء و حکام جور روی می آوردند؛ جز تعداد اندکی که به ندای شرف و وجدان خود گوش فرا داده و پایبندی به دین واقعی و اولیاء دین را بر جیره خواری و مزدوری حاکمان ناپاک ترجیح می دادند؛ اینان به مدح و ستایش اهل بیت علیهم السلام و حمایت از مکتب تشیع و توبیخ و سرزنش غاصبان حق ایشان می پرداختند؛ طبیعی است که این پاک مردان مورد خشم و غضب دستگاه های حاکم قرار می گرفتند و اغلب زندگانی مخفیانه یا تقیه آمیزی را می گذرانیدند.

در عصر اموی ها که دشمنان قسم خورده اهل بیت علیهم السلام بودند، این ترس و تقیه بسیار شدید بود؛ زیرا اموی ها به جز عمر ابن عبدالعزیز و معاویه بن یزید در تعقیب و قتل شیعیان کوشا بودند تا چه رسد به شاعران مدیحه سرای اهل بیت علیهم السلام.

در حکومت عباسی ها، گرچه به ظاهر دشمنی با شیعیان و امامان شیعه اظهار نمی شد؛ ولی در باطن خصومت و عداوت با شیعیان و امامان شیعه وجود داشت و گاه علناً به حبس و تبعید امامان شیعه و قتل شیعیان می پرداختند. شاعران این عصر، همچون «دعبل خزاعی» و «سید اسماعیل حمیری» مورد بی مهری و آزار خلفاء بودند. مداحی اهل بیت علیهم السلام در آن دوره های اختناق برای رضای خدا و ادای حق رسالت بوده و طمع مادی در کار نبوده است. این امر در مراجعه به شرح زندگی شاعران اهل بیت علیهم السلام مشهود است.

داستان تشرف دعبل به محضر حضرت رضا

وضعیت سیاسی، اجتماعی، علمی و ... عصر اول عباسی و ویژگی های آن و خدمات شعرای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می شوند.

بخش سوم کتاب «پیرامون شعر و شاعری» نام دارد که از جمله مطالب آن «شعر و شاعری از دیدگاه اسلام» است. بخش چهارم با عنوان «پیرامون شیعه» به بحث جامعی درباره کلمه شیعه می پردازد. در این بخش موضوعاتی نظیر: آغاز ظهور شیعه، پاره ای از ادله شیعیان در امر امامت، انحراف مسیر خلافت پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، وضعیت شیعه در ادوار مختلف، انشعابات شیعه و وضعیت شاعران شیعه در این دوره و ... بحث و بررسی می شوند.

دکتر محمد شیخ الرئیس کرمانی، در بخش پنجم کتاب به شرح زندگی تشیع و شعر شعرای بزرگ شیعه در عصر اول عباسی و نمونه هایی از شعر آنان می پردازد. عنوان این بخش «گزیده ای از شعرای شیعه و شیعه گرا در عصر اول عباسی و نمونه آثار آنان» است. شاعران شیعه مورد نظر در

## شعر شیعی و شعرای شیعه

مؤلف: محمد شیخ الرئیس کرمانی  
ناشر: اطلاعات  
تاریخ نشر: ۱۳۸۸

«شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی» نام کتابی است که حاصل پژوهش و تألیف دکتر «محمد شیخ الرئیس کرمانی» است. این کتاب در پنج بخش تدوین شده است؛ بخش اول با عنوان «پیرامون ادب و ادبیات و پیوند سیاست و مذهب با آن» به موضوعاتی درباره ادب، معنی لغوی و اصطلاحی آن، شناخت اثر ادبی، ارتباط سیاست با ادب و تبیین معنی سیاست، ادب مذهبی و ویژگی های ادب شیعی و ... می پردازد. در بخش دوم با نام «پیرامون عصور تاریخی ادب عربی، دوره های عباسی، ویژگی های عصر اول عباسی و خدمات شعرای اهل بیت علیهم السلام» موضوعاتی نظیر: صداقت و شهادت شاعران اهل بیت علیهم السلام،



شرب خمر و لهو و لعب می پرداخت؛ ولی اشعاری در مدایح اهل بیت علیهم السلام دارد. شافعی یکی از ائمه چهار گانه اهل سنت است که نمی توان نام شیعه بر او گذاشت؛ ولی مجذوب کمالات و فضائل اهل بیت علیهم السلام بود؛ و اشعاری فراوان در مدح حضرت مولا علی بن ابیطالب علیه السلام از او بجای مانده است. ■

در شعر شعرای اهل بیت استدلالات عقلی، کلامی و نقلی در مورد مسئله خلافت و امامت علی علیه السلام و فرزندان طاهرینش به وفور یافت می شود مثلاً سید حمیری در قصیده معروف خود و دعبل خزاعی در قصیده پر آوازه خود به ستایشگری از اهل بیت علیهم السلام پرداخته و ضمن اشعار خود براهین نقلی و عقلی بر امامت آنان آورده و قضیه غدیر خم را به خوبی تشریح کرده اند

**دکبل** گویا شما یک تقسیم بندی از شاعران

شیعی سرا دارید و آنها را به دو گروه «شاعران شیعه» و «شاعران شیعه گرا» تقسیم می کنید. لطفاً کمی درباره این دو گروه و نقش هر یک در منظومه تبلیغ و ترویج دین توضیح دهید.

شعرايي که در دفاع از تشيع و ستايش امامان شيعه و مراني اهل بيت عليهم السلام شعر سروده اند بر دو دسته اند: یک دسته شاعرانی که شیعه واقعی بوده، به امامت منصوب اعتقاد قطعی داشته و پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند، دسته دیگر شاعرانی که از لحاظ اعتقادی شیعه نبودند؛ ولی مجذوب کمالات، فضائل، معنویت، مظلومیت و علوم اهل بیت علیهم السلام بوده و آنان را در علم، فضل و کمال شایسته ترین اهل زمان خود می شناختند؛ و بر این پایه به مدح و ستایش آن بزرگواران پرداختند. دسته اول را «شاعران شیعی» و دسته دوم را «شاعران شیعه گرا» نام گذاری کردم. در دسته اول می توان به سید حمیری و دعبل خزاعی و از دسته دوم می توان «ابو نواس» و «محمد بن ادریس شافعی» را نام برد. ابو نواس معتقد به مبانی شیعه نبود و آن طور که تاریخ نویسندگان نوشته اند به

علیه السلام و انشاد قصیده «مدارس آیات ...» و استنکاف از قبول صلح، معروف است و نیز قضیه حضور سید حمیری به محضر امام صادق علیه السلام و اظهار اخلاص صادقانه به آن حضرت در کتب ادب مسطور است.

**دکبل** آیا از شعر شاعران شیعی (مخصوصاً آنچه

درباره اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سروده اند) تنها محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام تحصیل می شود؟ محتوای عقیدتی، کلامی، عقلی و نقلی اسلام و شیعیان تا چه اندازه در شعر ستایشگران اهل بیت علیهم السلام نمود دارد؟ آیا شعر شاعران شیعی افق برنامه های زندگی یک مسلمان شیعه را بازتاب می دهد؟ لطفاً در ضمن توضیح، مقایسه ای هم میان شعر شاعران معاصر با اهل بیت علیهم السلام و شاعران عصر حاضر داشته باشید؟

شعر شعرای شیعه در واقع معرفی مکتب اهل بیت علیهم السلام است و در آینه محبت و ولای اهل بیت واقعی است، نشان می دهد. در شعر شعرای اهل بیت علیهم السلام استدلالات عقلی، کلامی و نقلی در مورد مسئله خلافت و امامت علی علیه السلام و فرزندان طاهرینش به وفور یافت می شود؛ مثلاً سید حمیری در قصیده معروف خود: «لأم عمرٍ و باللوی مرعٍ» و دعبل خزاعی در قصیده پر آوازه خود: «مدارس آیات خلت من تلاوه» به ستایشگری از اهل بیت علیهم السلام پرداخته و ضمن اشعار خود براهین نقلی و عقلی بر امامت آنان آورده و قضیه غدیر خم را به خوبی تشریح کرده اند.

در لابه لای اشعار این شاعران افق روشن و نورانی زندگی امامان شیعه تا حدودی ترسیم شده است؛ که می تواند برای شیعیان الگوی بسیار خوبی باشد.

در میان شعرای معاصر عرب شاعری که به عنوان شاعر اهل بیت علیهم السلام شهرت داشته باشد، دقیقاً سراغ ندارم؛ ولی در مراکز شیعی مانند عراق و لبنان، شاعرانی که گاهی به ستایش اهل بیت علیهم السلام پرداختند، وجود دارد و چون کتاب «شعر شیعی و شعرای شیعه» در مورد شعرای عرب است؛ بنابراین ورود به حوزه اشعار فارسی را مناسب نمی بینم. تنها به این نکته اکتفا می کنم که اغلب شعرای مدیحه سرای معاصر به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام می پردازند و تراژدی غمناک درد و رنج های خاندان پیامبر را به نمایش می گذارند و معمولاً از مطالب کلامی و عقیدتی و استدلالات عقلی و نقلی در بیان و شعر خود بهره نمی گیرند.



و داشته است، در عین حال به دلیل اینکه بیشتر نویسندگان و پژوهشگران در محیط های غیر شیعی زندگی می کرده اند، نسبت به پیام شیعه و ادب شیعی آگاهی لازم را نداشته اند؛ به همین دلیل و به ملاحظات دیگر، شعرای شیعه را کم اهمیت معرفی کرده و یا به امتیاز شیعی آنان اشاره نکرده اند. لیکن شعرای بی بند و بار و متهتک و شعرای «خلاعه و مجون» را بزرگ نمایی کرده، در صورت قهر مانان ادب جلوه داده اند. در حالی که برآستی ادب عرب مدبون شعر و شعرای شیعه است و این شعر شیعی است که موجب غنای ادب عرب و حرمت و حیثیت آن شده است»

دکتر محمد شیخ الرئیس کرمانی در تألیف کتاب شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی، در مجموع از ۱۲۵ منبع عربی و ۳۵ منبع فارسی بهره برده که نام آنها در فهرست منابع در پایان کتاب ذکر شده است.

نیز خوشایند است که امام اهل سنت را شیفته و مدیحه گوی امام خود بدانند؛ به این دلیل ترجمه و نمونه هایی از شعر شافعی را هم آوردیم»

شاعران غیر عرب در این پژوهش مورد نظر نبوده اند. در این تحقیق، شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی با توضیح مفردات و مرکبات آنها همراه با نتیجه گیری های ثمربخش مطرح و در پایان نیز یک نتیجه گیری کلی بیان شده است. در بخشی از نتیجه گیری کلی این کتاب می خوانیم: «شعر شعرای شیعه دارای پیام و تعهد است، در صورتی که شعر شعرای غیر شیعی قالبی است و از هر گونه پیام ارزشمندی خالی است و بسا که پیام های گمراه کننده دارد ... با اینکه جذبه و کمال و جلال اهل بیت علیهم السلام در حدی است که اغلب شاعران غیر شیعی و متهتک را به سرودن اشعار شیعی و عرض ادب به پیشگاه آن ابر مردان تاریخ

این بخش عبارتند از: سید اسماعیل حمیری، منصور نمری، دیک الجن حمصی، دعبل خزاعی، ابن الرومی، عبدی کوفی و ابو تمام طائی.

مؤلف فصلی از کتاب را به «ابو العتاهیه» اختصاص داده است و درباره او می نویسد: «او زعیم شعر زهدی عرب است و اشعار او در زهد و انقطاع از حطام دنیوی بسیار عبرت آموز است. برخی نویسندگان تاریخ ادب نیز او را شیعه دانسته اند؛ ولی در دیوان شعر او شعر شیعی نیافتیم و اطمینان به تشیع او نداریم.»

فصلی از کتاب نیز به «محمد بن ادریس شافعی» اختصاص دارد. ایشان یکی از ائمه چهار گانه اهل سنت است و مؤلف درباره او می نویسد: «شاعر گرم و پرشوری که در حب و مدح علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام سروده، گرایش حق طلبانه و دور از تعصب او را نشان می دهد و برای شیعیان

ذکر مصیبت فضیلتی است که هیچ خطابه و تحقیقی جای آن را نمی گیرد

# طبقه آیینی، قدیم و اکنون

رضا بابایی



یکی از واقعیت‌های جامعه مذهبی ایران، شکل‌گیری «طبقه آیینی» است؛ یعنی گروهی که شعر آیینی می‌گویند یا برنامه آیینی برگزار می‌کنند. «مداح» یا «شاعر آیینی» عنوان‌هایی است که برای افراد این طبقه به کار می‌بریم. طبقه آیینی در ایران اسلامی، یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی در فرهنگ و شیوه دینداری و معرفت عمومی در امور دینی است. حوزه تأثیرگذاری این گروه، به رغم شمار اندک (نسبت به سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی) چنان گسترده و عمیق است که در نیم‌قرن اخیر، دگرگونی‌های وسیع سیاسی و اجتماعی را نیز پوشش داده است. در میان هیچ‌یک از طبقات اجتماعی ایران، هیچ گروهی را نمی‌توان نام برد که شمار مخاطبانانشان، به اندازه کسانی باشد که پای صوت و سخن مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام می‌نشینند. از همین رو تأمل و درنگ در کار کردهای دینی و اجتماعی طبقه آیینی، از ضرورت‌های پژوهشی به شمار می‌آید. نوشتار حاضر، به چند اشاره کوتاه درباره هویت تاریخی و اکنونی این طبقه، و نیز مسئولیت‌های آنان بسنده می‌کند؛ به امید فراهم آمدن فرصت و توفیقی بیشتر برای بازگویی نکات و سنجه‌های دیگر.

دو نکته دوم درباره طبقه آیینی، عمر کوتاه آن است. شعر و مدح اهل بیت علیهم‌السلام همیشه و همه‌جا بوده است، اما شاعر آیینی یا شغل مداحی، پیشینه درازی ندارد. در گذشته‌های دور، شاعرانی بوده‌اند که گاهی در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان شعری سروده‌اند؛ مانند کسایی مروزی، شاعر سده چهارم که اولین سوگنامه عاشورایی منسوب به او است؛ اما شاعر آیینی به معنای کسی که فقط یا بیشتر در مدح معصومین شعر بگوید، از پدیده‌های چند قرن اخیر است.<sup>۲</sup> کسانی مانند فرزاد و کمیت اسدی که به شاعر آیینی شهره شده‌اند، همچون محتشم کاشانی یا نیر تبریزی نبودند؛ بلکه در میان قصیده‌های فراوانی که در موضوعات مختلف داشتند، یکی دو قصیده هم با صیغه آیینی سروده‌اند. مثلاً در دیوان کسائی مروزی که پدر شعر عاشورایی در زبان فارسی است، جز قصیده زیر، شعر عاشورایی به چشم نمی‌خورد:

در میان هیچ‌یک از طبقات اجتماعی ایران هیچ گروهی را نمی‌توان نام برد که شمار مخاطبانانشان، به اندازه کسانی باشد که پای صوت و سخن مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام می‌نشینند از همین رو تأمل و درنگ در کارکردهای دینی و اجتماعی طبقه آیینی از ضرورت‌های پژوهشی به شمار می‌آید

و کوشش‌های بسیار، گره‌گشا و فایده‌افزا نیست؛ بلکه ممکن است زبان آن، بیش از دشمنی‌های معاندان باشد. از سوی دیگر، با این پرسش مواجهیم که شاخص معرفت و بصیرت در دین‌شناسی چیست یا کیست؟ پاسخ به این پرسش، در این نوشتار مختصر نمی‌گنجد؛ اما اکنون همین قدر یادآور می‌شویم که مسیر معرفت‌یابی و بصیرت‌جویی، آسان و هموار نیست و نیاز به همت و انگیزه بسیار دارد.

یک طبقه آیینی، فقط در کشورهای شیعی وجود دارد و در میان کشورهای شیعی، بیشترین فعالیت و ظهور و بروز این طبقه تأثیرگذار، در ایران است. البته در سال‌های اخیر، در برخی کشورهای اهل سنت، برای برخی از خلفای راشدین نیز برنامه‌های آیینی و سوگویی برگزار می‌شود؛ اما کم و کیف این برنامه‌ها هرگز قابل قیاس با سوگویی‌های شیعی، نیست. نوپدیدی این طبقه اجتماعی، درنگ در سمت‌وسو و ماهیت آن را ضروری می‌کند. پرسش اصلی این است که آیا آیینی‌ها (مداح، شاعر، هنرمند، سخنران...) در معرض چه افت و آفت‌هایی هستند و برای مصونیت از این آفات، چه باید کرد. ناگفته نماند که پیامبر گرامی اسلام، یکی از آسیب‌های مهم جامعه دینی را کسانی می‌داند که در عین باورمندی و کوشش‌های خالصانه، از معرفت و بصیرت کافی برخوردار نیستند.<sup>۱</sup> بنابراین صرف نیت‌های پاک

## رسانه شیعه

مؤلف: محسن حسام‌مظاهری  
ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل  
تاریخ نشر: ۱۳۸۷



«رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آئین‌های سوگویی و هیئت‌های مذهبی در ایران»، پژوهشی است که مؤلف آن، «محسن حسام‌مظاهری»، با هدف بررسی، تحلیل و فهم منطق تغییرات و تطورات مناسکی - گفتمانی مجالس و آیین‌های عزاداری شیعیان ایرانی در طی تاریخ و خصوصاً در دوران معاصر، در پی دریافت پاسخ این سؤال است که «آیا می‌توان این تغییرات را تابع الگوی تجربی - نظری دانست یا خیر؟» مجالس و آیین‌های سوگویی در این کتاب به مثابه یک پدیده اجتماعی بررسی می‌شود.

می‌شوند؛ که به عقیده مؤلف پدیده‌های پدیدهای در بطن و متن جامعه و متأثر از تغییرات آن در ادوار مختلف است. محسن حسام‌مظاهری در این کتاب می‌کوشد، با نگاهی تحلیلی، سبب‌شناسانه و کارکردی تاریخ‌پیدایش، تکوین و استمرار این مجالس و آیین‌ها را از ابتدا تا امروز، در یک خط سیر تاریخی مستمر و بدون انقطاع بررسی کند. مؤلف در فصل اول کتاب، مباحثی را ناظر به احوالات شاهان و حاکمان هر دوره، مواضع علما و روحانیت شیعه و نسبت آنان با حکومت، فرهنگ عمومی و گفتمان دینی غالب، و وقایع سیاسی - اجتماعی مهم مطرح می‌کند. فصل دوم کتاب به ارائه تعاریف و بررسی مفاهیم و مباحث کلی و زیربنایی کتاب در فصول بعدی اختصاص یافته است. فصل سوم به بررسی الگوهای مختلفی اختصاص یافته که با آنها می‌توان هیئت‌های مذهبی را گونه‌بندی کرد. و فصل‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم به بررسی مجزا و تفصیلی چهار گونه‌های اختصاص یافته که محوری‌ترین و گسترده‌ترین گونه‌ها محسوب می‌شوند. در فصل هفتم «شبه‌هیئت‌ها» معرفی و به تمایزات آنها با هیئت‌ها اشاره شده است. سرانجام فصل پایانی کتاب ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به تأملاتی نظری در باب هیئت‌های مذهبی و آیین‌های سوگویی پرداخته است.



اینها و شماری دیگر از تفاوت‌ها، مراسم آیینی قدیم را از جدید جدا می‌کند؛ اما شاید مهم‌ترین و معنادارترین تفاوت ذاکران و مادحان اهل بیت در گذشته با طبقه آیینی در روزگار ما، ویژگی‌های علمی و اخلاقی آنان است. دربارهٔ ویژگی‌های اخلاقی باید در نوبت و فرصتی دیگر سخن گفت، اما اشاره به واقعیتی شیرین دربارهٔ مادحان و شعر آیینی در گذشته‌های دور، در اینجا خالی از لطف و معنا نیست.

### جایگاه علمی آیینی سرایان در گذشته

«مدح»، واکنش طبیعی انسان در برابر زیبایی یا توانایی ممدوح است. این فرایند، پنج مؤلفه دارد:

- ممدوح
- مداح
- موضوع
- وسیله
- انگیزه

مثلاً اگر شاعری، علی‌علیه‌السلام را به دلیل شجاعتش مدح کند، ممدوح علی است، موضوع مدح شجاعت است، مداح شاعر است، وسیلهٔ مدح شعر است و انگیزه، ممکن است تقرب به خداوند باشد یا جلب منفعت دنیایی یا هر دو. در میان ارکان مدح، مداح جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا او است که مدح را می‌آفریند و انگیزهٔ مدح در وجود او شکل می‌گیرد و هوشمندی و هنرمندی او، موضوع و وسیلهٔ مدح را رقم می‌زند. مداح اگر انسان تنک‌مایه‌ای باشد، مدح او نیز مایه‌ور نخواهد بود و اگر مداح، از سرمایه‌های علمی و معنوی بسیار برخوردار باشد، به‌حتم مدح او نیز مایهٔ افتخار و مباحثات ممدوح خواهد بود. به قول نظامی:

خشک‌باری که بود آب تهی

ناید از وی صفت آب‌دهی

ذات نایافته از هستی، بخش

چون تواند که شود هستی بخش؟

و مولوی می‌گفت: «خون که می‌جوشد منش از شعر رنگی می‌زند». حافظ نیز قول و غزل را گر و گان «فیض گل» می‌دانست. باید گل معنا در مرغ زبان شوری افکند تا قول و غزلش شنیدنی باشد. حافظ اگر چون خم می‌می‌جوشید، از آتش دل بود و از ذهن ژرفاندیشش. سخنی بر دل می‌نشیند و جان‌ها را در گون می‌کند که اولاً بر خاسته از دل و جان باشد:

او را که دل از عشق پر آتش باشد

هر قصه که گوید همه دلکش باشد

ثانیاً متکی بر دانش و دانایی باشد. غیبت هر یک از این دو عنصر، جز سردی و زردی نمی‌افزاید و اگر دلی را هم بلرزاند، تأثیر آن پایدار نیست و بی‌درنگ در برابر

روایی، بدون «اجازه» خواننده یا نوشته نمی‌شد؛ یعنی هر کسی اجازه نداشت که هر خبری را از هر کتابی نقل کند. باید اجازهٔ نقل آن کتاب را از مؤلف آن یا کسی که مؤلف کتاب به او اجازه داده است، می‌گرفت. بدین رو هر کسی هر متن یا روایتی را که نقل می‌کرد، پیشتر مشایخ اجازهٔ خود را نام می‌برد. بر خلاف اکنون که هر کسی به خود اجازه می‌دهد که هر کتابی را بگشاید و هر حدیث یا حدیث‌نمایی را برگزیند و برای دیگران بخواند، در



اینکه شاعر ناخواسته و بدون مقدمه ناگهان و از روی صرافت طبع به یاد عاشورا و کربلا بیفتد نشان از دل پر درد و انگیزهٔ روحانی او دارد

روزگاران پیشین، خواندن حدیث و نقل وقایع تاریخی، آدابی ویژه و شریطی دشوار داشت و جز عالمان مبرز و دانشمندان علم حدیث، مجاز به خواندن حدیث در هیچ مجلس و محفلی نبودند. کسانی هم که «اجازه» یا «اجازنامه» داشتند، پیش از نقل حدیث یا نص تاریخی باید سلسلهٔ سند و روات را از شیخ خود (کسی که حدیث را از او شنیده‌اند یا اجازهٔ روایت آن را از او گرفته‌اند) تا شخص معصوم نام می‌بردند. بدین رو آن دسته از جوامع روایی که اسناد احادیث در آنها ذکر نشده است، نزد محدثان و عالمان دینی، از اعتبار ساقط بود.

چهار. صوت و آواز نیز در شعر خوانی و مقتل خوانی کاربرد نداشت. ذکر مصیبت با صدای بلند و همراه لحن و به شیوهٔ خوانندگان حرفه‌ای، از پدیده‌های عصر ما است. پیشتر، آواز خوانی (به قول قدما: «قول و غزل») و به تعبیر امروزی: آواز و تصنیف) مخصوص مجالس عرفی و مراسم غیر دینی بود.

باد صبا در آمد، فر دوس گشت صحرا  
آراست بوستان را نیشان به فرش دیبا  
گلزار با تأسف خندید بی تکلف  
چون پیش تخت یوسف رخسارهٔ زلیخا  
گلشن چو روی لیلیا یا چون بهشت مولا  
چون طلعت تجلابر کوه طور سینا  
سرخ و سیاه شقایق هم ضد و هم موافق  
چون مؤمن و منافق پنهان و آشکارا  
عالم بهشت گشته، عنبر سرشت گشته  
کاشانه زشت گشته، صحرا چو روی حورا  
دست از جهان بشویم، عز شرف نجویم  
مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا  
میراث مصطفی را فرزند مر تزی را  
مقتول کربلا را تازه کنم تولا  
آن میر سر بریده در خاک خوابیده  
از آب ناچشیده گشته اسیر غوغا  
آن پنج ماه کودک، باری چه کرد و بی‌حک  
کز پای تا به تارک مجروح شد مفاجا  
آن زینب غریوان اندر میان دیوان  
آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدا ...  
تازنده‌ای چنین کن دل‌های ما حزین کن  
پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا

چنان که آشکار است همین قصیده نیز، به‌واقع بهاریه است؛ اما شاعر بی‌اختیار زام سخن را از دست می‌دهد و رو به سوی کربلا می‌گذارد. علت ماندگاری و دل‌نشینی آن و ماندن آن نیز همین سیر طبیعی و انسانی آن است. اینکه شاعر ناخواسته و بدون مقدمه ناگهان و از روی صرافت طبع، به یاد عاشورا و کربلا بیفتد، نشان از دل پر درد و انگیزهٔ روحانی او دارد.

به هر روی، شاعر و مداح اهل بیت علیهم‌السلام، به معنایی که ما امروز می‌شناسیم، از پدیده‌های کم‌سابقه است و پاسخی است به نیازهای نوپدای جامعهٔ شیعی؛ اگر چه شعر آیینی و مدح اهل بیت علیهم‌السلام از نخستین روزگاران تاریخ اسلام بوده است.

سه. در گذشته، مداحی اهل بیت، در قالب شعر خوانی شاعران در مجالس و محافل خصوصی بوده و به همین دلیل، شاعران کار مداحان را نیز بر عهده داشتند؛ چنان که ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام نیز به صورت متن خوانی/مقتل خوانی بوده است. بنابراین ذاکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، کاری جز خواندن متن‌های برگزیده نمی‌کرده است. این ذاکران در انتخاب متن نیز ملزم به قواعد خاصی بودند. متن تاریخی همچون نص

### آسیب‌شناسی مداحی

مؤلف: سید عباس صدرالدینی

ناشر: مفتون همدانی

تاریخ نشر: ۱۳۸۲



«روضه»، «نوحه»، «دم خوانی»، «واحد خوانی» و «واحد شور خوانی» را تشریح می‌کند.

سید عباس صدرالدینی در مقدمهٔ این کتاب از «لَهْف عن اللطوف» اثر «سید بن طاووس»، «نفس المهموم» اثر «شیخ عباس قمی»، «مقام فخار» اثر «فرهاد میرزا» و «منتهی الامال» اثر «شیخ عباس قمی» به عنوان مقاتل معروف نام می‌برد. ایشان «عدم آشنایی با رویدادهای تاریخی» را از جمله آسیب‌های مداحی می‌داند و دربارهٔ این موضوع می‌نویسد: «مداح باید زمان رویدادهای تاریخ اسلام و شیعه اهل بیت علیهم‌السلام را بداند؛ تا در آن روز و زمان مردم را نسبت به وقایع آن آگاه کند و بیان وقایع تاریخی همان روزی که واقع شده تأثیر فراوان دارد. متأسفانه خیلی از مداحان این نکته را رعایت نمی‌کنند؛ مثلاً روز دوم محرم که روز ورود اهل بیت علیهم‌السلام به سرزمین کربلاست، مصیبت ورود نمی‌خوانند؛ در صورتی که مطلوب این است که رعایت زمان تاریخی بشود.»

کتاب «آسیب‌شناسی مداحی» محصول پروژهٔ تحقیقاتی «سید عباس صدرالدینی» در مرکز آموزش عالی ابن سینای همدان است. سید عباس صدرالدینی در این کتاب، ذیل ۴۹ عنوان به مسائل و موضوعات مرتبط با مداحان و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد. ایشان در تألیف این کتاب از ۱۸ منبع بهره برده که در انتهای کتاب نام برده شده‌اند.

کتاب آسیب‌شناسی مداحی در قطع پالتویی و در ۸۰ صفحه منتشر شده است. مؤلف در مقدمهٔ این کتاب ضمن توضیح دربارهٔ «واژه‌شناسی مداحی»، اصطلاحاتی نظیر: «مدح»، «زُنا»، «زبان حال»، «ذاکر»،



تأثیر ماندگار و عمیق در سخن و شعر و صدایی است که صاحب آن هم دردی بزرگ در دل دارد و هم اندیشه‌ای سترگ در سر

موسی بن حماد یزیدی، عبدالله بن سعید اشقری، علی بن الحکیم و هارون بن عبدالله مهلبی، از او حدیث، روایت کرده‌اند. دعبل، اهل تحقیق و تألیف نیز بود. طبقات الشعراء،<sup>۱۴</sup> الواحده فی مناقب العرب و مثالبها<sup>۱۵</sup> و وصایا الملوک، از آثار او است. قصیده تأییدیه دعبل، از بهترین و عالی‌ترین نمونه‌های مدح در ادب عرب است و بزرگانی همچون علامه مجلسی و سید نعمت الله جزائری، آن را شرح کرده‌اند.<sup>۱۶</sup>

همین گونه سخنان را درباره دیگر شاعران بزرگ شیعی گفته‌اند. نگاهی به فهرست این گروه از شاعران، این مدعا را به اثبات می‌رساند که این گویندگان نامی، افزون بر طبع و انگیزه، از دانش و معرفت نیز بهره‌ وافر داشتند و برخی از آنان، مانند سید رضی، در شمار بزرگ‌ترین دانشمندان شیعی در روزگار خود بودند.<sup>۱۷</sup> سخن این نیست که جز دانشمندان بزرگ، کسی مجاز به مدح و ستایشگری مقام عصمت و طهارت نبیست؛ سخن این است که آیینی سرایان و آیینی خوانان نباید از آگاهی‌های تاریخی و دانش‌های انسانی و اسلامی بی‌بهره باشند.

است و دیگر هیچ ادبیاتی که فقط ادب‌ورزی است و بس، شأنی بیش از دیگر گفتات و تنقالات ندارد. ادیبان و قلمزنان را سزاوار نیست که فقر علمی خود را در میان هیاهوی کلمات و گرد و خاک هیجانات زبانی بپوشانند. بر بساط نکته‌دانان، خودفروشی شرط نیست و مرددانا یا دانسته سخن می‌گویند یا خموشی می‌گزینند. خموشی، بهتر از خروش‌های بی‌محل است و سفره نینداخته، رنگین‌تر است. به حق «سخن کواز سر اندیشه ناید/ نوشتن را و گفتن را نشاید»<sup>۱۸</sup>

وقتی به نام‌های شاعران اهل بیت در گذشته‌های دور می‌نگریم، آنان را در شمار دانشمندان روزگارشان می‌بینیم.<sup>۱۹</sup> هاشمیات کمیت اسدی<sup>۲۰</sup> اگر شاهکار ادبی و ناب‌ترین شعر عاشورایی است، زیرا سراینده آن «دانشمند، قرآن‌شناس، فقیه، متکلم، نسابه و ادیب» بود، نه شاعر محض. این القاب (دانشمند، قرآن‌شناس، فقیه، متکلم، نسابه و ادیب) را کسی مانند ابوالفرج اصفهانی، صاحب الاغانی، به کمیت اسدی می‌دهد<sup>۲۱</sup> که خود از بزرگ‌ترین دانشمندان و هنرشناسان روزگار خویش بود. درباره دعبل خزاعی<sup>۲۲</sup> نیز گفته‌اند «او نه تنها یک شاعر برجسته بود، بلکه در علم حدیث و کلام و تاریخ و لغت نیز چهره ارزشمندی بود و از علمای شیعه به حساب می‌آمد»<sup>۲۳</sup> دعبل از محدثان نامی روزگار خود بود و کسانی همچون احمد بن ابی داود، ابوالصلت هروی،

سخن‌های دیگر، رنگ می‌بازد. چون قلم از باد بد دفتر ز آب هر چه بنویسی فنا گردد شتاب<sup>۲۴</sup>  
شاعر یا مداحی که تپه‌ای از احساسات اصیل و دانایی متکی بر مطالعات و تأملات بسیار باشد، هر قدر هم که صنعت کند و سخن بیاراید، خالق تأثیر ماندگار و پایداری در دیگران نخواهد بود؛ حتی اگر دریا دریا از مرم اشک و آه بگیرد. تأثیر ماندگار و عمیق، در سخن و شعر و صدایی است که صاحب آن، هم دردی بزرگ در دل دارد و هم اندیشه‌ای سترگ در سر. پس آن که هنوز چراغ معنا در جان خود نیفر وخته است، مصلحت آن است که مشتری نجوید.

ای که در معناز شب خامش‌تری گفت خود را چند جوویی مشتری؟  
سعدی، سخنان فصیح‌امای می‌مغز را «مبالغه مستعار» می‌نامد:

هان تا سپر نیفکنی از حمله فصیح  
کورا جز این مبالغه مستعار نیست  
دین و روز و معرفت که سخندان سجع‌گوی  
بر در سلاح دارد و کس در حصار نیست<sup>۲۵</sup>

یعنی در دین و معرفت کوش و در پی سجع و قافیه مباش که فصیحان، جز مبالغه مستعار، سرمایه‌ای ندارند. مبالغه مستعار، یعنی سخنی که در بلاغت آن، مبالغه شده است، اما این بلاغت در جای خود ننشسته و عاریتی (مستعار) است. «سخندان سجع‌گوی» که «بر در سلاح دارد و کس در حصار نیست»، در نهایت راه به جایی نمی‌برد و اگر روزی چند عده‌ای را هم گرد خود جمع کند، سرانجام از یادها می‌رود و جای خود را به دانشمندان و معرفت‌ورزان می‌دهد.

اگر نگاهی به فهرست نویسندگان و شاعران بزرگ بیندازیم، درمی‌یابیم که آنان همگی دانشمند و صاحب اندیشه و کتاب و تألیف بودند. جذابیت و برتری بسیاری از اشعار، نه در صنعت‌های ادبی، که در محتوای منطقی و عالمانه آنها است. ما گاه مقاله یا کتابی را می‌خوانیم و سخت مجذوب آن می‌شویم. اما آیا همه کشش و مغناطیس یک نوشته در کوششی است که نویسنده یا شاعر در نثر و ادبیات نوشته خویش به کار بسته است؟ گاهی نامرغوبی و نامطلوبی یک اثر، ربطی به ذوق و استعداد آفریننده آن ندارد. سارتر، روشنفکر و نویسنده فرانسوی، می‌گفت: «ادبیات، اگر همه چیز نباشد، هیچ خواهد بود.»<sup>۲۶</sup> یعنی ادبیات تپه‌ای از اندیشه، موجودیت آبرومندی ندارد. ادبیات، مجموعه‌ای است از فعالیت‌های ذهنی و فکری که راه پیوند فرم و محتوا را به آفرینندگان اثر نشان می‌دهد. هنر، اگر همچون پوسته نازک، گرد هسته معنا نیچید، هنر نیست؛ کار یکتاور سرگرم‌کننده‌ای

### فضیلت و آیین مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام

تهیه و تنظیم: واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخر الائمه علیهم السلام  
ناشر: دفتر نشر معارف  
تاریخ نشر: ۱۳۸۷



کتاب «فضیلت و آیین مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام» با تلاش گروهی از طلاب حوزه علمیه و دانشجویان استان قم جمع‌آوری، موضوع‌بندی و تدوین شده است. این گروه فضیلت و آیین مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام را در بیان و سیره ائمه هدی علیهم السلام، امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب مد ظلّه العالی تدقیق و بررسی کرده‌اند.

این کتاب در سه بخش به موضوعات سابق الذکر می‌پردازد که نام این بخش‌ها عبارت است از: «جایگاه عزاداری اهل بیت علیهم السلام و

مجالس ذکر و توسل»، «جایگاه منبر و تبیین معارف دینی در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام» و «جایگاه مداحی در مجالس ذکر و عزای اهل بیت علیهم السلام»

در این کتاب موضوعاتی نظیر: «عزاداری در دوران معاصر»، «برنامه مجلس عزای»، «عزاداری در مراکز عمومی»، «الگوی مطلوب عزاداری»، «کارکرد سیاسی عزاداری در شرایط امروز»، «افراط و تفریط در طرح مسائل سیاسی در مجالس عزاداری»، «بیان ماجرا و هدف قیام امام حسین علیه السلام»، «جایگاه مداحی در جبهه تبلیغ دین»، «سابقه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام»، «کارکردهای مداحی»، «مسئولیت‌های مداحان و ذاکران» و... طرح و تبیین شده است.

در بخش کتابشناسی که در پایان کتاب آمده است، ۳۵ عنوان کتاب مرتبط با «جایگاه و آداب برگزاری مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام» و ۳۵ کتاب درباره «مقاتل و کتب حاوی مصائب اهل بیت علیهم السلام» معرفی شده‌اند.

بر دل و دین خرابت گریه کن  
که نمی بیند جز این خاک کهن

پی نوشت:

۱. جامع الصغیر، ج ۱، ص ۴، برای مطالعه درباره پیام و محتوای این حدیث، رک: استاد مطهری، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۱۱۸ تا ۱۲۳.
۲. درباره اینکه در بینه ترین شعر آیینی فارسی را چه کسی سروده است، در بین پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی این بیت دقیقی طوسی، شاعر قرن چهارم (مقتول به سال ۳۶۷ق.) را قدیمی ترین شاعر فاطمی می شمارند:

چنان چون من بر او گریه، نگرید  
ابر شبنم، زهرا روز محشر

برخی نیز نخستین شعر آیینی فارسی را این ابیات حکیم میسری (متولد ۳۳۱ق.) دانسته اند:

درودش بر محمد صد هزاران  
پس آن که بر همه فرخنده یاران  
درودش بر علی هرچ آن نکوتر  
و بر جفت وی آن پاکیزه دختر  
پس آن که بر حسین و بر حسن بر  
به فرزندان ایشان تن به تن بر  
(ر.ک: دانش نامه حکیم میسری)

۳. بلبل از فیض گل آموخت سخن، ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش.
۴. دیوان اشعار، رباعی ۳۲.
۵. مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۱۰۹۹.
۶. کلیات سعدی، گلستان، ص ۱۶۸.
۷. سارتر که می نوشت، ص ۴۶۵.
۸. نظامی.
۹. ر.ک: ادب الطف، ده جلد، از قرن اول تا چهاردهم هجری، بیروت، دارالمرتضی ۱۴۰۹.
۱۰. متولد سال ۶۰ هجری و مقتول به سال ۱۲۶ هجری.
۱۱. ک: ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۷، ص ۱.
۱۲. متولد ۱۴۸ و متوفی ۲۶۴ قمری.
۱۳. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۹۰، نشر معروف، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۱۴. طبقات الشعراء، از مهم ترین منابع ادبی، برای شناخت شاعران عرب تا پیش از قرن دوم هجری است.
۱۵. این کتاب، از منابع غنی در تاریخ عرب است و در آن، سیاست های بنی امیه نقد و نکوهش شده است.
۱۶. ر.ک: حیدر سهرابی، تحلیل، شرح و ترجمه دیوان دعبل خزاعی، انتشارات مگستان، مقدمه کتاب.
۱۷. مثلاً به گفته ادب پژوهان، قاصد سید حمیری، سرشار از درس های تاریخی، کلامی و حدیثی است. ر.ک: رک: دائرة المعارف شیع، ج ۹، ذیل عنوان «سید حمیری».

باید فنون شاعری و ذوق قافیه پردازی و  
یاصدای خوش را به دانش و معرفت نیز  
آراست تا از عهده مسئولیت «ذکر» برآمد

که آنان برای مردم و مستمعان خود می سازند، همان است که حسین علیه السلام می خواست و دانشمندان علوم دینی توصیه می کنند؟ فریادهای محدث نوری، شهید مطهری و نارضایتی صدها تن دیگر از متفکران و عالمان اسلامی از آنچه در مجالس و مراسم مداحی می گذرد، اندکی از ناخرسندی آگاهان و دانشوران دلسوز است. مجالسی که به نام و یاد حسین علیه السلام برگزار می گردد، باید سرشار از حماسه، و آمیزه های از محبت و معرفت باشد؛ اما ذهن و زبان برخی از مداحان ما، عاری از فرهنگ اصیل حسینی، و بیگانه از اصالت هایی است که صدها عالم و محقق در پیداری آن خون دل خوردند و قلم زدند. اکنون صدا و ریتم و روضه های سست، عمده ترین برنامه های عزاداری است. شمار فراوانی از مداحان، آن اندازه که به جذابیت بیشتر و گریاندن افزون تر می اندیشند، به صحت و سقم آنچه می گویند و می شنوند، نمی اندیشند. فرصت بسیاری از مجالس ارزشمند عزاداری، صرف مداحی می شود؛ بدون آنکه حاصلی جز آشک و آه و گریه داشته باشد. محبت، اگر بر پایه معرفت نباشد، راه به جایی نمی برد، و انحرافات که اکنون در سنت مداحی شاهدیم، عاشورایی دیگر و حسینی دیگر برای ما ساخته است. چرا برای یک فتوای یک سطر در موضوع نماز و روزه، باید سال ها خواند و شنید و درس گرفت، اما هر کس که صدایی دارد، مجلس را در اختیار می گیرد و درباره مهم ترین واقعه اسلام ساعت ها سخن می گوید و نظریه می پردازد؟! هر مجلسی که به نام حسین بر پا می شود، سرمایه ای عظیم برای مسلمانان است که سوگمندان به یاد اقرار داد که گاه این سرمایه گران در میان داد و فریادهای نمایشی هدر می رود. ذکر مصیبت، فضیلتی است که هیچ خطابه و تحقیقی جای آن را نمی تواند گرفت؛ اما این فضیلت را نباید بهانه گزافه گویی های نامستولانه کرد. مردم را در سوگ حسین علیه السلام بگریانید، اما نه به قیمت گریاندن حسین بر خود و عاشورایش. عاشورا، هر چه باشد، بیشتر و فراتر از دین و حقیقت نیست؛ پس هر چه از حقیقت و حق گویی بیشتر فاصله بگیریم، از عاشورا دور تریم، اگر چه با خوش ترین صدا گرم ترین اشک ها را از مردم بگیریم. راست می گفت خواجه هرات که «سخن گفتن جنایت است، و تحقیق آن را مباح می کند.»

پس عزرا بر خود کنیدی آفت خفتگان  
زانکه بدمرگی ست این خواب گران

طبقه آیینی در ایران، بهترین موقعیت های تبلیغ دین و اخلاقی را در اختیار دارند و شمار مخاطبان آنان از هر گروه دیگری در ایران و دیگر کشورهای شیعی بیشتر است. دریغ است که این فرصت های گرانبهادر صرف سخنان و مضمون ها و گزاره هایی شود که پشتوانه علمی ندارند. اگر نام کمیت ها و دعبل ها همچنان بر سر زبان ها است، تنها به دلیل طبع و ذوق شاعرانه آنان نیست؛ بلکه آنان در دانش و معرفت نیز سرآمد روزگار خود بودند و از همین رو توانستند دل ها را به تسخیر کلام خود در آورند. در ایران اسلامی، بیشترین فرصت های گفت و گو با مردم در اختیار کسانی است که سخنران یا شاعر یا مداح مراسم عزاداری برای اهل بیت اند. اگر گویندگان این مجالس، سخنان سنجیده و عالمانه بگویند، به حتم خدمت بزرگی به رشد انسانی و اخلاقی جامعه می کنند و اگر این فرصت ها صرف بیان مسائلی شود که ریشه علمی و تاریخی ندارند، خمود و جمود گریبان جامعه مذهبی ایران را رها نخواهد کرد و تشیع نمی تواند به جهانبیان فخر بفروشد که جامعه ای که در دامن من پرورش یافته است، بالاترین امتیازهای انسانی، اخلاقی و معرفتی را دارا است.

باید فنون شاعری و ذوق قافیه پردازی و یاصدای خوش را به دانش و معرفت نیز آراست تا از عهده مسئولیت «ذکر» برآمد و فقط «با فضل و عقل و دانش، داد سخن توان داد» و «چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد»

سخن آخر

در میان گروه های دینی و علمی، عده ای خود را وقف اهداف و آرمان های آیینی کرده اند و گروهی نیز به انگیزه های مختلف، روز و روزگار خود را با نام و یاد اهل بیت علیه السلام می گذرانند. در این میان، گروه مداحان و مرثیه سرایان جایگاهی ویژه یافته اند و گزاف نیست اگر بگوییم اکنون این خیل پرشمار و مقتدر، سرنوشت مکتب عاشورا و دین مردم عامی را به دست گرفته اند و در این مصاف، حتی عالمان و خطیبان را نیز مغلوب صدا و نمایش های آیینی خود کرده اند. در خدمت این گروه به نام و خاطره جاویدان عاشورا شاید نتوان تردید کرد؛ اما به قطع می توان گفت که هنر و شغل مداحی و نوحه گری در معرض آفات بی شمار و آسیب های خطرناکی است. مهم ترین و اصلی ترین آسیب مداحی و مرثیه خوانی، عبور مداحان از حوزه تخصص و توانایی های علمی خویش است. اکنون بیشترین وقت و هزینه و توجه مستمعان در مجالس و مراسم عزاداری صرف صدا و هنر مداحان می شود و آنان کاملاً قادرند سرنوشت نهضت حسینی را در روزگار ما در مسیری اندازند که خود می پسندند. اما آیا عاشورایی

رساله شور و شعور

تدوین: واحد فرهنگی - پژوهشی هیئت ره پویان آل طه  
علیهم السلام  
ناشر: زمان  
تاریخ نشر: ۱۳۸۸

کتاب «رساله شور و شعور: آسیب شناسی هیئت های مذهبی» پس از سخن آغازین و بیان مطالبی درباره «اعتراقات دشمنان با هیئت ها و مجالس مذهبی» به آسیب ها و نیاید های این حوزه می پردازد. در این بخش از این کتاب که به همت واحد فرهنگی - پژوهشی هیئت ره پویان آل طه علیهم السلام تدوین شده، ذیل ۲۰ عنوان، آسیب ها و نیاید های هیئت مذهبی توضیح و تبیین می شوند؛ از جمله: «حذف و تضعیف عنصر معرفت»، «سنت سازی های غلط و مخالف با روح دین»، «به کارگیری



موسیقی های نامناسب»، «روضه های ساختگی»، «تعبیرات غلو آمیز»، «ناآشنایی با فقه هیئت داری»، «توهم موفقیت» و ... در بخشی از کتاب ضمن اشاره به اینکه «... باید توجه داشت که ممکن است بعضی از شیاطین که با تشکیل هیئت های مذهبی و مجالس روضه و عزاداری مخالف هستند، این گونه بحث های آسیب شناسی را بهانه ای قرار دهند برای مطامع خودشان و بگویند پس عزاداری ها بیپوده و بی فایده است و باید تعطیل و یا ترک شود و چنین استدلال کنند که سفره پهن نشده یک عیب بیشتر ندارد، اما اگر پهن شد، ده ها عیب پیدا می کند، پس بهتر است که پهن نشود...»، آثار و برکات هیئت های مذهبی و مجالس عزاداری توضیح و تشریح می شود. بخشی از کتاب نیز بر نیاید های مجالس عزاداری در کلام مقام معظم رهبری و تأکید امام خمینی قدس سره بر عزاداری سنتی اشاره می کند.

عنوان نمونه مداحان خود را مستقل و بی نیاز از ارتباط و تنظیم فعالیت‌های خود با روحانیت ببینند دچار انحراف و کج روی دینی می‌شوند.

این پرسش در جای خود می‌تواند با اهمیت تلقی شود، چنانکه گاهی نیز در سایه مباحث حاشیه‌ای قرار می‌گیرد و به نزاعی فرسایشی تبدیل می‌شود. با این وجود این مسئله در این نوشتار از این زاویه مورد توجه و بحث قرار نمی‌گیرد؛ بلکه سعی بر آن است که از منظری برون دینی و فراغ از دغدغه‌هایی که گذشت این نقش و جایگاه مورد کنکاش قرار گیرد.

نقش و جایگاه مداحان در فرایند تبلیغ دین چیست؟ و چرا؟ بسیار بسیار زیاد، پررنگ، تأثیر گذار، غیر قابل انکار و سرنوشت‌ساز به گونه‌ای که در بسیاری موارد حتی می‌توان نقش اول در ماجرای تبلیغ دین را به مداحان، روضه‌خوانان و نوحه‌خوانان اختصاص داد. دلایل این ادعا را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

### اول: توجه و تمرکز بر بعد عاطفی دین

مطالعات دین پژوهانه معاصر به خوبی از اهمیت و جایگاه بعد عاطفی و احساسی دین سخن گفته‌اند. امروزه کمتر دین پژوهی را می‌توان یافت که احساسات فردی و جمعی دین باوران و ابعاد عاطفی و روانی دین را نادیده گرفته باشد. چنانکه غالباً پذیرفته‌اند که مواجهه نخست دین باوران با دین از همین منظر عاطفی و احساساتی صورت می‌گیرد و پذیرش گزاره‌های اعتقادی و انجام رفتار و اعمال دینی در گرو شکل گرفتن رابطه عمیق عاطفی میان فرد، گروه، جامعه و دین است؛ رابطه‌ای که شکل‌گیری اش، دست کم در دین داری شیعی، بسیار مرسوم فعالیت‌های مداحان، نوحه‌خوانان و روضه‌خوانان است.

شاید تذکر این نکته لازم باشد که هنگامی که از مداحی و روضه‌خوانی و شبیه به آن‌ها سخن می‌گوییم، نفس عمل را مورد توجه قرار می‌دهیم؛ نه اختصاص آن به صنف‌های موجود؛ یعنی روحانیان و مداحان. با این وصف می‌توان روحانی‌ای که در آخر منبر خود به روضه‌خوانی و ذکر مصیبت و مدح و ثنا می‌پردازد را نیز مداح تلقی کرد.

مداحی در سنت شیعی اوج تحریک عواطف به سمت و سوی دین باوری است. مداحی در سنت شیعی به مثابه یک هنر تمام عیار با در هم آمیختن شدید عناصر برانگیزاننده عاطفه نظیر حزن، مظلومیت، شجاعت و سلحشوری، افتخار، انتظار و مهم‌تر از همه محبت و عاشقی در بستر فرم‌ها و قالب‌هایی که بیشتر با جنبه احساسی افراد سر و کار دارند، تعلق شدید و دل بستگی عمیق در میان شیعیان نسبت به شخصیت‌ها



یکی از نقاط قوت مداحی در تبلیغ دین نسبت به دیگر فرایندهای تبلیغی شمول فراگیر آن نسبت به نسل‌ها و سن‌های مختلف است

# نقش و جایگاه مداحان در فرایند تبلیغ دین

مسعود دینانی

نقش و جایگاه مداحان در فرایند تبلیغ دین چیست؟ این پرسش را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد. منظر نخست را مباحثی آشنا و فراگیر در میان افراد مذهبی تشکیل می‌دهد که عمدتاً با دغدغه‌های اصلاح‌گرایانه و با رویکردهای درون دینی به این موضوع از خود توجه خاطر نشان می‌دهند. در این رویکرد مباحثی همچون تنظیم رابطه صنوف متولی تبلیغ دین یعنی روحانیان و مداحان، لزوم توجه به اعتدال، عقلانیت و عرف در آیین‌های عزاداری و مداحی، اهمیت و ضرورت توجه به منابع معتبر و اصیل دینی در محتوای مداحی، پرهیز از خرافه‌گرایی و بدعت‌گرایی در عزاداری‌ها و به طور خاص پرسش از فلسفه، حکمت و غایت آیین‌ها و سنت‌های مرتبط با مداحی مطرح می‌شود.

بیشتر کسانی که از این منظر به پاسخ‌گویی به پرسش از نقش و جایگاه مداحان در فرایند تبلیغ دین می‌پردازند، برای مداحان نقشی ثانوی و تبعی در نظر می‌گیرند و نقش اول و اصیل فرایند تبلیغ دینی را به روحانیان اختصاص می‌دهند. این پاسخ بیشتر از آنکه به «هست‌ها» و «واقعیت‌ها» توجه داشته باشد به «باید‌ها» و «ارزش‌ها» توجه دارد؛ به این معنی که تبلیغ دینی هنگامی صحیح، پذیرفتنی و منطبق با اصول و موازین دین است که نقش اول در آن متعلق به روحانیان باشد و سایر صنوف مبلغ معارف دینی به صورت ملموس و مشخص رابطه خود را با این نقش اصیل و اول تنظیم کرده باشند. از این منظر اگر جز این اتفاق بیفتد و به

خوبش را رام کنیم؟»، «مقتل‌شناسی» و ... تنظیم و تألیف کرده است.

در انتهای کتاب گزیده‌ای از کتاب‌های «کشتی پهلو گرفته» اثر سیدمهدی شجاعی، «فتح خون» اثر سیدمرتضی آوینی، «در خلوت خرابه» اثر دکتر محمدرضا سنگری و چند روضه از علامه شیخ جعفر شوشتری آمده است.

در کتاب تأملی در باب مداحی، چند مقاله درباره عزاداری و سیره «امام خمینی (ره)»، نظر «آیت‌الله جناتی» درباره بدعت‌ها و خرافات و دو مصاحبه از ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله -صلی الله و علیه و آله و سلم- «حاج محسن اعتمادیان» و «حاج محسن طاهری» را می‌خوانیم. معرفی انواع قالب‌های شعر فارسی و مختصری در شناخت علم عروض از دیگر مطالب این کتاب است.

### تأملی در باب مداحی

مؤلف: رنجبر گل محمدی  
ناشر: سازمان انتشارات کیهان  
تاریخ نشر: ۱۳۷۵



«تأملی در باب مداحی» نام کتابی است که چاپ اول آن را سازمان انتشارات کیهان در تابستان ۱۳۷۵ ش. منتشر کرده است. مؤلف کتاب، «غلامعلی رنجبر گل محمدی» از مداحان و ذاکران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان این کتاب را در ۱۴ فصل و با بخش‌هایی نظیر «مدح چیست؟ مداح کیست؟»، «ویژگی‌های یک مداح واقعی چیست؟»، «بزار مداحی»، «نقش شعر و عرفان در مداحی»، «نقش شعر در مداحی و تاریخچه‌ای از پیشینه مرثیه‌سرایی»، «چگونه صدای

**پنجم: سهل الوصول بودن**

اگر از بعضی دیدگاه‌های سخت‌گیرانه دربارهٔ مداحی که عمدتاً با همان رویکرد نخست مطرح می‌شوند چشم‌پوشی کنیم، واقعیت آن است که مداحی نسبت به دیگر جنبه‌های تبلیغی دین سهل‌الوصول‌تر است و به همین علت بیشتر از آنها قابلیت عمومی شدن و بومی شدن دارد. مداحی بر خلاف تبلیغ از طریق خطابه، نیازمند تحصیلات طولانی و تن دادن به سیستم خاص حوزوی و پذیرفتن شرایط و محدودیت‌های آن نیست. مداحی بر خلاف تبلیغ از طریق خطابه نیازمند تن دادن به شیوه‌ی خاص و انحصاری از زندگی نیست. انصاف آن است که هزینه‌های تبلیغ دین از طریق خطابه نسبت به هزینه‌های تبلیغ دین از طریق مداحی بسیار سنگین‌تر است و همین عدم تناسب هزینه‌ها باعث می‌شود که انتخاب دومی نسبت به انتخاب اولی آسان‌تر و سهل‌تر بنماید. در جامعهٔ ما غالباً مداحی به مثابه یک شغل تلقی نمی‌شود؛ هر چند برای عدهٔ قابل توجهی در آمد مالی از این مسیر فراهم است. اگر چه گفتن این نکته می‌تواند انتقادات و حساسیت‌های زیادی را از سوی مداحان به همراه داشته باشد، واقعیت آن است که در جامعهٔ امروز برای مداح شدن عناصر اولیه‌ای مانند استعداد، اعتماد به نفس و تمرین و ارائه در جمع کفایت می‌کند. در مقایسه‌ای که میان هزینه‌های تبلیغ از طریق خطابه و تبلیغ از طریق مداحی گذشت، اگر معیار مقایسه سطح معمولی تبلیغ باشد نمی‌توان منکر شد که هزینه‌های زندگی در تبلیغ دین از طریق خطابه و ورود به نظام حوزه بسیار فراتر از هزینه‌های یک مداح معمولی بودن است و اگر سطوح عالی تبلیغ مد نظر باشد که نیازی به نشان دادن عمق تفاوت در این دو مثال نیست.

این تفاوت ظریف از یک سو باعث می‌شود تا در یک جامعهٔ دینی تعداد مداحان نسبت به خطیبان و مبلغان حوزوی افزونی یابد و از سوی دیگر همین امر باعث می‌شود تا دسترسی مردم به مداحان نسبت به روحانیان آسان‌تر و سهل‌تر باشد. این واقعیت شاید یکی از دلایل شکل‌گیری مجالس و محافل مذهبی بدون حضور روحانیان در سطح جامعه باشد.

**پیش از پایان:**

آنچه گذشت را باید صرفاً شواهد و قراینی بر پررنگ دانستن نقش مداحان در منظومهٔ تبلیغ دینی و از منظری برون‌دینی و واقع‌گرایانه (نه ارزش‌گزارانه) قلمداد کرد. بی‌شک مباحثی همچون عمق معرفتی تبلیغ و یا ارزش تبلیغ و مباحثی از این دست، چنانکه در مقدمهٔ نوشته به آن اشاره شد مقام و موضع خاص خود را می‌طلبند. ■



مداحی در سنت شیعی به مثابه یک هنر تمام‌عیار با درهم آمیختن شدید عناصر برانگیزانندهٔ عاطفه نظیر حزن، مظلومیت شجاعت و سلحشوری، افتخار، انتظار و مهم‌تر از همه محبت و عاشقی در بستر فرم‌ها و قالب‌هایی که بیشتر با جنبهٔ احساسی افراد سرو کار دارند تعلق شدید و دل‌بستگی عمیق در میان شیعیان نسبت به شخصیت‌ها و قهرمانان دینی ایجاد می‌کند.

معاصر به خوبی تأثیر و جایگاه استفاده از هنرهایی نظیر موسیقی، معماری، ادبیات، مجسمه‌سازی، نگارگری، خوش‌نویسی و... در تبلیغ دین را نشان داده‌اند. هم در تمامی جنبه‌های هنری می‌توان به تبلیغ دین اهتمام داشت و هم در تمام جنبه‌های تبلیغی دین می‌توان از عنصر هنر مدد گرفت؛ اما در این میان بی‌شک مداحی جایگاه منحصر به فرد خود را دارد.

مداحی در حقیقت با در هم آمیختن هنرهایی همچون ادبیات - و به طور خاص شعر - با هنرهایی همچون موسیقی فولکلور و همچنین جنبه‌هایی از اجرای زنده، بستری جذاب برای مخاطبان خود فراهم می‌آورد و با آنان ارتباطی عمیق و وثیق برقرار می‌کند.

در بسیاری موارد حتی می‌توان نقش اول در ماجرای تبلیغ دین را به مداحان، روضه‌خوانان و نوحه‌خوانان اختصاص داد

و قهرمانان دینی ایجاد می‌کند. اگر نخواهیم از منظری مصلحت‌جویانه و محافظه‌کارانه اظهار نظر کنیم، واقعیت آن است که به علت همین جنبهٔ پررنگ عاطفی گرایش عموم دین‌باوران نسبت به مداحی بیشتر است از گرایش به دیگر جنبه‌های تبلیغ دینی همچون منبر و خطابه و مطالعهٔ تألیفات مذهبی. چه بسا در بعضی موارد حتی از منظر برون‌دینی بتوان برای خطابه نقشی مقدمه‌ای برای عزاداری قائل شد.

**دوم: شمول فراگیر سنی و نسلی**

یکی از نقاط قوت مداحی در تبلیغ دین نسبت به دیگر فرایندهای تبلیغی، شمول فراگیر آن نسبت به نسل‌ها و سن‌های مختلف است. مداحی به دلیل جنبه‌های عاطفی خود و به مدد قالب‌های محبوب خود، دایره‌ای وسیع و فراگیر از کودکان خردسال تا پیران فر توت را علاقه‌مند به خود می‌سازد. قابلیت‌هایی که عیناً در شیوه‌هایی نظیر خطابه و تألیف و امثالهم به آن دست یافت.

**سوم: شمول فراگیر فرهنگی**

مداحی به خلاف خطابه می‌تواند خود را در فرهنگ‌های مختلف بازسازی کند. از همین رهگذر دین می‌تواند به یک عنصر فرهنگی در جامعه تبدیل شود و این به تسریع و تعمیق دین‌باوری کمک شایانی می‌کند. سنت‌های عزاداری به عنوان نمود بارز فعالیت مداحان در هر منطقهٔ جغرافیایی و زیست‌بوم فرهنگی در نزدیک‌ترین زمان ممکن شکل، شیوه، محتوا و کارکرد متعلق به خود را پیدا می‌کنند و در اسرع وقت به عنوان جزئی مقدس از فرهنگ آن منطقه قلمداد می‌شوند. تبدیل شدن این سنت‌ها به یک عنصر از عناصر فرهنگ موجب می‌شود که حتی اگر در پارامترهای دیگر ابعاد دین نظیر ابعاد اعتقادی و رفتاری از سوی جریان‌های رقیب با چالش مواجه شوند، اصل دین‌داری در سطح جامعه محفوظ باقی بماند.

**چهارم: استفاده از ظرفیت‌های هنری**

تأثیر عمیق هنر در فرایند تبلیغ دین در آثار متعددی در سطح جهان مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. مطالعات دین‌پژوهانه و مردم‌شناسانه

**آسیب‌شناسی هنر مقدس مداحی**

مؤلف: عباس جوادی  
ناشر: انتظار سبز  
تاریخ نشر: ۱۳۸۴

«آسیب‌شناسی هنر مقدس مداحی» اثر مداح اهل بیت علیهم‌السلام، «عباس جوادی» است که در آن تعاریف اصطلاحات حوزهٔ ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تاریخچهٔ آن بررسی شده است.

عباس جوادی در این کتاب اصطلاحاتی نظیر: «زبان حال»، «زبان قال»، «زمزمه»، «زمزمه خوانی»، «زمینه خوانی»، «مرثیه خوانی»، «مصیبت خوانی»، «سینه زنی»، «زنجیر زنی»، «شور زدن»، «واحد خوانی»، «گوز خوانی»، «سبک»، «نوحه»

«میان‌دار»، «تباکی» و... را تعریف و تاریخچه و اهداف مداحی را شرح می‌دهد. «تاریخچهٔ روضه‌خوانی (ذکر مصیبت)»، «اهمیت روضه»، «تاریخچه و جایگاه عزاداری (از دیدگاه جامعه‌شناسی)»، «فلسفهٔ اشک» و... نیز موضوعاتی است که در این کتاب به آنها پرداخته شده است.

این کتاب پنج فصل دارد که عبارتند از: «تعاریف و تاریخچه»، «هیئت»، «عناصر مداحی»، «آسیب‌شناسی مداحی: آسیب‌های ظاهری، آسیب‌های محتوایی، آسیب‌هایی که مداحان را تهدید می‌کند» و «راهکارها». در فصل پنجم راهکارهایی برای هیئت، بهبود کار مداحان، ساماندهی مداحان، اصلاح اشعار نامناسب در مداحی و... ارائه شده است. مؤلف برای تألیف این کتاب از ۲۳ منبع مکتوب بهره برده که نام آنها در بخش منابع در انتهای کتاب ذکر شده است.





مداحی نوعی الگودادن به مخاطبان  
و شخصیت پردازی اجتماعی و الگویی برای جامعه ارزشی است

# ترویج خوبی ها

عباس جوادی

مذهبی، بر محور عزاداری سیدالشهدا و ائمه اطهار است و مجموعه‌ای از مردم است که به صورت قومی، گروهی، روستایی، شهری، کشوری، اینترنتی و جهانی برای سوگوری، به ویژه در ایام محرم تشکیل می‌شود. هیئت، سنتی دیرپا و مردمی است و با هزینه و سرمایه‌های علاقه‌مندان به خاندان نبوی پشتیبانی می‌شود.

### حمد، تسبیح، مدح

«تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»؛ «آسمان‌های هفت گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند همه تسبیح او می‌گویند و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما آنها را نمی‌فهمید، او حلیم و آمرزنده است.»  
قرآن می‌فرماید: «عالم هستی یکپارچه زمزمه و

ستایشگری اهل بیت علیهم السلام  
هنری است قدسی که متضمن بیان فضایل، مناقب و مراثی آل الله علیهم السلام بوده است و در پرتو آن به تبلیغ بالاترین رکن دین یعنی «محبت و ولایت» می‌پردازیم

علیه السلام نوحه‌سرایی می‌کردند. معلوم می‌شود که تنها دختران اهل بیت و زنان شیعه، عزاداری نکردند، بلکه شامیان نیز بر امام حسین علیه‌السلام و اسیرانش نوحه‌سرایی کردند. و این نوع عزاداری‌های گروهی و دسته‌جمعی، نسل‌به‌نسل، به ما رسیده و در زمان ما به نام هیئت معروف شده است. با توجه به معنای هیئت و استفاده‌های مختلف از این نام در جامعه، هیئات مذهبی، مورد بحث ما است که این نوع تشکل

در آیات و روایات ما آمده است که عزاداری بر امام حسین علیه‌السلام به زمان اسرافیل و جبرائیل می‌رسد و پس از آن، تمام پیامبران ما، از آدم تا خاتم به نوعی برای امام حسین علیه‌السلام مجالس عزای برپا کرده‌اند. اولین عزاداری گروهی، بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام و به زمان یزید می‌رسد. از روایات استفاده می‌شود که وقتی سر امام حسین علیه‌السلام را وارد شام کردند، امام سجاد علیه‌السلام که در غل و زنجیر بود، یزید را لعنت کرد و فرمود: «برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه جوابی داری اگر ما را با این حال ببیند؟» مردم به گریه افتادند و یزید از ترس مردم دستور داد که طناب‌ها را پاره کنند و غل و زنجیر را از انسان بردارند و پس از آن دستور داد که در کنار منزل خودش، خانه‌ای را برای عزاداری آماده کردند و اسیران تا وقتی در شام بودند، آشکار و نهان بر حسین

غو غاسست. هر موجودی به نوعی به حمد و ثنای حق مشغول است و غلغله‌ای خاموش در پهنه عالم هستی طنین افکنده که بی‌خبران، توانایی شنیدن آن را ندارند.»

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید  
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

«وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرُ وَكُنَّا فَاعِلِينَ»؛ «کوه‌ها و پرندگان را مسخر داود ساختیم که با او تسبیح (خدا) می‌گفتند و ما قادر بر انجام این کار بودیم.»

مفسران می‌گویند:

۱. گاه احتمال داده می‌شود که این صدای پرطنین، گیرا و جذاب داود بود که در کوه‌ها منعکس می‌شد و پرندگان را به سوی خود جذب می‌کرد.

۲. گاه گفته‌اند که این تسبیح، یک نوع تسبیح با درک و شعور است که در باطن ذرات عالم وجود دارد و تمام موجودات از شعور برخوردارند و هنگامی که صدای داود را هنگام مناجات و تسبیح می‌شنیدند با او هم‌صدا می‌شدند و غلغله تسبیح آنها در هم می‌آمیخت.

۳. منظور همان «تسبیح تکوینی» است که با زبان حال در همه موجودات جهان صورت می‌گیرد، چرا که هر موجودی نظامی دارد، نظامی بسیار دقیق و حساب‌شده.

این نظام دقیق از خداوندی حکایت می‌کند که هم پاک و منزه است و هم دارای صفات کمال. بنابراین نظام شگفت‌انگیز عالم هستی در هر گوشه‌ای تسبیح است و حمد. «تسبیح» پاک شمردن از نقایص است و «حمد» ستایش در برابر صفات کمال.

### تفاوت حمد و مدح

«حمد» در لغت عرب، به معنای ستایش کردن در برابر کار نیک یا صفت خوب اختیاری است. یعنی هنگامی که کسی آگاهانه کار خوبی انجام دهد یا صفتی را برای خود برگزیند که سرچشمه اعمال نیک اختیاری است، ما او را حمد و ستایش می‌گوییم. ولی «مدح» به معنای هر گونه ستایش است، خواه در برابر یک امر اختیاری باشد یا غیر اختیاری. به طور مثال تعریفی را که از یک گوهر گرانبها می‌کنیم، عرب آن را «مدح» می‌نامد و به تعبیر دیگر مفهوم عام است در حالی که «حمد» خاص است. ستایشگری اهل بیت علیهم السلام هنری است قدسی که متضمن بیان فضایل، مناقب و مراثی آل الله علیهم السلام بوده است و در پرتو آن به تبلیغ بالاترین رکن دین یعنی «محبت و ولایت» می‌پردازیم.

### مدح و ذاکر

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ عَيْنًا حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَي النَّارِ»؛ «هر کس نزد او یاد شویم و چشمانش اشک آلود شود، خداوند چهره‌اش را بر آتش حرام می‌کند.»

«مدح»، یعنی ستایش، ستایشگر، بسیار ستاینده، بسیار ستایش‌کننده، مدیحه‌گو، مدحت‌گر، مدح‌کننده که فضایل و محاسن ممدوح را بیان می‌کند و برمی‌شمارد. مدح، در اصطلاح شیعی، به کسی گفته می‌شود که در ایام ولادت‌ها و شهادت‌های ائمه علیهم السلام در مجالس جشن و عزا به خواندن اشعاری در فضایل و مناقب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد علیهم السلام یا در مظلومیت آنان می‌پردازد. او هنرمندی است که باید معارف اهل بیت

علیهم السلام را در ظرفی دلنشین با زبانی به‌روز و فصیح و متین به مخاطب عرضه کند.

مداحی نوعی الگو دادن به مخاطبان و شخصیت‌پردازی اجتماعی و الگویی برای جامعه ارزشی است. سنگری برای پراکندن و نشر فضیلت‌ها در قالبی مؤثر و فراگیر نسبت به همه است و مداحان به خاطر اهمیت کارشان در جامعه، در شکل‌دهی افکار و عواطف، نقش مهمی دارند و فلسفه اساسی مداحی،



مداحان به خاطر اهمیت کارشان در جامعه در شکل‌دهی افکار و عواطف نقش مهمی دارند و فلسفه اساسی مداحی ترویج خوبی‌هاست

ترویج خوبی‌هاست. مداحی یک عشق و ایمان است، نه یک حرفه و شغل.

«ذاکر»، یعنی یادآورنده و کسی که از مصائب اهل بیت علیهم السلام می‌گوید و مردم را می‌گریاند، چه مداح باشد، چه واعظ و چه منبری. ذاکر اهل بیت علیهم السلام عنوانی افتخارآمیز است برای آنان که با مداحی و مرثیه‌خوانی نام، یاد، فضایل و مظلومیت‌های خاندان پیامبر رازنده‌نگه می‌دارند و نقشه‌های دشمنان را در به فراموشی سپردن ظلم‌های خویش به دودمان رسالت خنثی می‌کنند.

### برخی اصطلاحات ستایشگری

۱. **زبان حال**: سخنانی که مداح یا واعظ با تکیه بر تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام به ایشان نسبت می‌دهد.

۲. **زبان قال**: سخنانی که از قول اهل بیت علیهم السلام نقل شده و در تاریخ به صورت مستند آمده است.

۳. **زمزمه**: نوحه و ناله مستمع به همراه مداح را گویند و این حرکت باعث ایجاد شور و هیجان در محفل عزاداری و پررونق شدن برنامه مداح می‌شود.

۴. **زمزمه خوانی**: تکرار یک بیت یا یک بند نوحه، توسط مستمعان یا مداح به صورت آرام است.

۵. **زمینه‌خوانی**: خواندن اشعار در سینه‌زنی به طوری که آهنگ سینه‌زنی به صورت سنگین و با فاصله است.

۶. **مرثیه خوانی**: خواندن مرثیه‌های اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر لحن و آهنگ مناسب جهت تحریک عواطف مستمعان و آگاه کردن آنان مصائب اهل بیت علیهم السلام است.

۷. **مصیبت خوانی**: مقصود همان مرثیه‌خوانی با

نقل تاریخ اهل بیت علیهم السلام است.

۸. **سینه‌زنی**: شیوه مرسوم در عزاداری است. اهل مجلس پس از شنیدن مرثیه، به حالت ایستاده یا نشسته، متناسب و همراه با نوحه یا شعر خوانی مداح، با دست بر سینه می‌کوبند.

۹. **زنجیر زنی**: زنجیر زدن عزاداران در هنگام مداحی است؛ معمولاً این حرکت در دسته‌های عزاداری اجرا می‌شود.

۱۰. **شور زدن**: حالت عزاداری با زمزمه و بر سر و سینه زدن، به صورت ممتد و بی‌فاصله است. معمولاً این شیوه در اواخر برنامه مداحی و با هدایت مداح صورت می‌گیرد.

۱۱. **واحد خوانی**: رسم بوده که وقتی دسته عزاداری حرکت می‌کرده، در مکان‌های به خصوصی توقف می‌کرد و در آن حال مداح شعری را با آهنگ خاص می‌خوانده و مردم بدون آنکه جواب دهند، بر سینه می‌زدند.

۱۲. **گریز زدن**: نقطه اوج مرثیه‌خوانی مداح است که به صورت تطبیق و پیوند حادثه‌ای با حادثه کربلا و مصائب اهل بیت علیهم السلام انجام می‌شود.

۱۳. **قفل زدن**: کنایه از بی‌شور و حال بودن مجلس است.

۱۴. **سبک**: در فن مداحی، مقصود، آهنگ و شیوه خواندن مرثیه یا نوحه است.

۱۵. **نوحه**: یکی از قالب‌های پرکاربرد در مداحی است که معمولاً در اواخر برنامه مداحی و پس از مرثیه‌خوانی، عرضه می‌شود؛ در پرشور کردن مجلس و همراه نمودن مستمع با مداح نقش فعالی دارد.

۱۶. **مقتل**: هم به معنای محل قتل است و هم کتابی که در شرح قتل حسین بن علی علیه السلام و واقعه کربلا و مصیبت اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است. **گودال قتلگاه**: جایی و زمینی که کسی در آنجا کشته شده باشد؛ یا به معنای عضوی از بدن که تیر یا تیغی بر آنجا وارد آید و سبب قتل شخص شود.

۱۷. **منقبت**: هنر و کاری نیکو که موجب ستایش گردد؛ یا آنچه موجب فخر و مباهات باشد.

۱۸. **نُت**: در واحد خوانی، گاه که سینه‌زن به شور می‌آید و در آن حال با یک دست و دو دست بر سینه می‌زند.

۱۹. **واعظ**: کسی که در مجلس اهل بیت علیهم السلام به وعظ و ارشاد مردم می‌پردازد. اصطلاحات سخنران و روضه‌خوان نیز گاه به همین مفهوم به کار می‌رود.

۲۰. **میان‌دار**: به شخصی اطلاق می‌شود که در اداره مجلس، مداحی را یاری می‌کند.

۲۱. **کسوت مداحی**: مقصود لباس مداحی است و کنایه از افتخار نوکری اهل بیت علیهم السلام است.

۲۲. **هیئت**: اصطلاحاً به افرادی گفته می‌شود که اهل شرکت در مجالس اهل بیت علیهم السلام هستند و پای منبر وعظ و عزاداری می‌نشینند.

۲۳. **مجلس**: همان محفل عزاداری است. مقصود مداحان از این اصطلاح معمولاً برنامه‌های مداحی است. مثلاً چند مجلس پیاده کردم یعنی چند برنامه مداحی اجرا کردم.

۲۴. **تباکی**: خود را به گریه زدن، خود را گریان نشان دادن و حالت گریه به خود گرفتن است.

۲۵. **ذکر مصیبت یا روضه**: روضه در اصل به معنای باغ و بوستان است ولی در اصطلاح بین عوام یعنی ذکر مصیبت و تشکیل جلسات برای امامان شیعه به ویژه امام حسین علیه السلام و یاران.

به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام واکنش‌ها را سرعت می‌دهد. دانستن این نکته ضروری است که کسب و انتقال حال اولیه از خود اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. یک مداح که می‌خواهد مجری این انتقال باشد باید از تقوای خاصی برخوردار باشد.

**ج) ایجاد تشنگی به معارف الهی در مجالس**

**اهل بیت علیهم السلام**

در بیان معارف الهی برای تأثیرگذاری بیشتر کلام باید از ثقلین استفاده کنیم یعنی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام که پایه‌گذار و اساس هر موجود می‌باشند. علامت تشنگی و میل دوباره این است که مردم، توجه، سکوت، همراهی و زمزمه، تشویق، شور و حالت معنوی و ... داشته باشند. به طور مثال، گاهی می‌بینیم مستمع با دو خط خواندن توسط مداح خسته می‌شود پس اینجا مرز سخن است و نباید فراتر رفت اما گاهی مستمع آنقدر تشنه است که ظرفیت شنیدن بیشتری دارد.

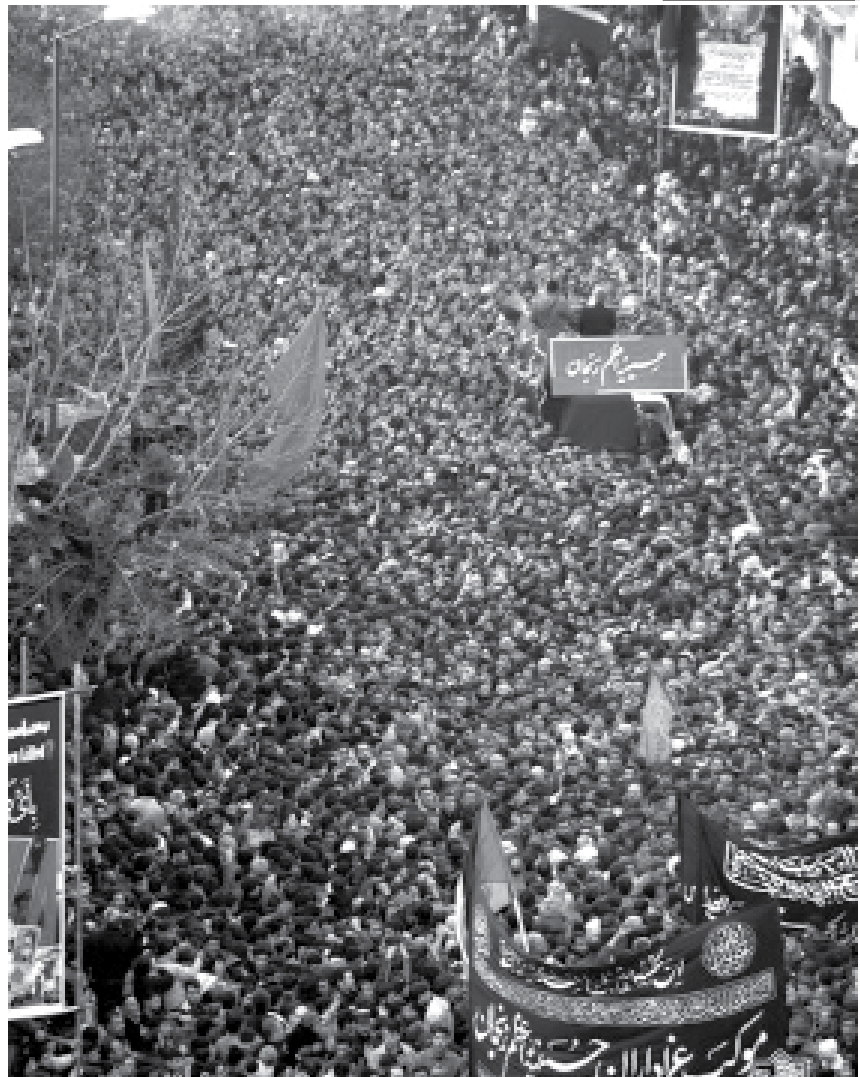
**د) دعوت به خدا، نه خود**

یک ذاکر اهل بیت علیهم السلام باید به سوی خدا راهنمایی نماید و این وقتی میسر است که همه فیوضات را از او بداند و خود را چیزی به حساب نیاورد. مهم‌ترین آثار و برکات تبلیغ فرهنگ عبارت‌اند از:

۱. احیای روحیه شور، حماسه جهاد، ایثار، فداکاری و شهادت
۲. زنده نگه داشتن یاد و تاریخ پرشکوه حسینی و قیام عاشورا
۳. پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین (با معرفی خوبان و پاکان روزگار)
۴. آشنا شدن توده‌های مردم با معارف دین که در پرتو تبلیغ صورت می‌گیرد.
۵. پالایش روح و تزکیه نفس که در مجالس زیبای اهل بیت علیهم السلام با هنر مداحی و تبلیغ امکان‌پذیر است.
۶. اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظلم
۷. وسیله برقراری رابطه معنوی با خداوند و انس و الفت دل با حق تعالی
۸. پشیمانی از نافرمانی‌ها و آلودگی‌ها که حقیقت توبه است در پرتو مجالس نورانی اهل بیت علیهم السلام

**تاریخچه روضه خوانی (ذکر مصیبت)**

شعر خواندن و گریاندن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام از زمان خود معصومین و به تشویق خود حضرات بوده است. اما حالا، چرا به این نام (روضه) مشهور شده است؟ برمی‌گردد به سال ۹۰۰ ق. چون قبل از این سال افرادی که به این کار مشغول بودند اسم مخصوص نداشتند، تا عصر «ملاحسین کاشفی» که «روضه الشهداء» را تألیف نمود. مردم در مجالس مصیبت، از آن کتاب می‌خواندند و چون کتاب دارای لغات سختی بود، هر کس از عهده خواندن آن بر نمی‌آمد، بلکه اشخاص مخصوصی بودند که آن کتاب را آموخته و در مجالس عزاداری می‌خواندند؛ به همین دلیل ایشان معروف به روضه‌خوان (خواندن روضه الشهداء) شدند، که کم‌کم کار آنها بالا گرفت و مطالب دیگر از اشعار و مواعظ نیز بیان می‌کردند. از دوره صفویه به این سو روضه‌خوان‌ها و نوحه‌خوان‌ها عملاً حفظ و نشر موسیقی ایرانی را بر عهده داشتند. در دوره قاجار، عزاداری‌های مذهبی به خصوص عزاداری امام حسین علیه‌السلام رونق چشمگیری پیدا کرد و در دوره ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. ■



بررسی است: آیات و روایات، اهل بیت علیهم السلام، علما و بزرگان و عوام.

خواننده (مداح) قدرت دارد با ترسیم یک تابلو، تمام عامل را در آن واحد روشن کند و صحنه عاشورا را با یک حرکت هنری در همان قالب به مردم نشان دهد. یک مداح می‌تواند مظهر اسم مبارک «مصور» خدا شود و کربلا را برای مردم به تصویر بکشد. این عمل، یک فرهنگ گفتن است. گاهی یک عالم و فقیه، فرهنگ اسلام را از زبان فقه، منطق یا حکمت می‌گوید یا با زبان‌های دیگر. در کنارش می‌بینیم که یک مداح اهل بیت علیهم السلام با سجایای اخلاقی و سرمایه صحیح و خوب در کنار همین فقیه یا استاد اخلاق برای تقویت همه آن فرهنگ‌ها روضه عاشورا می‌خواند.

**تعلیم در لغت به معنای تأثیرگذاری شدید است بالاترین حربه‌ای که دشمن یا دوست به کار می‌برد تبلیغ است و یکی از شاخه‌های مهم تبلیغ موضوع مداحی است و یکی از شاخه‌های مداحی مداحی اهل بیت عصمت و طهارت است**

**ب) انتقال حال**

انتقال علم خیلی راحت‌تر از انتقال حال است. علم یا هنر هر قدر دشوار باشد، انجام‌پذیر است؛ ولی انتقال حال از همه دشوارتر است و کسی نمی‌تواند ادعا کند من حال خود را به راحتی می‌توانم انتقال دهم. یک مداح، راه را نزدیک می‌کند و با نزدیک شدن

**تاریخچه مداحی**

منقبت خوانی ریشه در ملکوت دارد. این تاریخچه به زمان اسرافیل و جبرائیل برمی‌گردد. زمانی که خدای تعالی اسرافیل را آفرید و لوح محفوظ را در کنارش نهاد، اول بار که نظر اسرافیل بر لوح محفوظ افتاد، صفت حضرت رسالت علیه‌السلام و آل پاک او را دید، زبان به مدح رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاک ایشان گشود و ایشان را شفیع قرار داد تا حق تعالی کشیدن بار لوح را بر او آسان گرداند. اما جبرائیل هر قوی که خدای تعالی در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و عترت او می‌فرمود، بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم املا می‌فرمود؛ پس معلوم می‌شود که سررشته مداحان بدین دو فرشته مقرب برمی‌گردد. اگر بپرسند که در این امت، مداحی از که مانده؟ می‌گوییم از «حسان بن ثابت» که پیوسته مدح رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود و به فضایل اهل بیت علیهم السلام زبان می‌گشود. در زمان‌های گذشته خود شاعر نقش مداح را هم داشت.

**اهداف مداحی**

**الف) تبلیغ (فرهنگ‌رسانی)**

تبلیغ در لغت به معنای تأثیرگذاری شدید است. بالاترین حربه‌ای که دشمن یا دوست به کار می‌برد، تبلیغ است و یکی از شاخه‌های مهم تبلیغ، موضوع مداحی است و یکی از شاخه‌های مداحی، مداحی اهل بیت عصمت و طهارت است که از چند زاویه قابل



باید در مجالس عزاداری فضایل اهل بیت علیهم السلام بیان شوند تا عمق شناخت بیشتر شود

# تعریف، تاریخ و جایگاه ستایشگری در منظومه تبلیغی شیعه

صادق آئینه‌وند

**صکبل** دکتر «صادق آئینه‌وند»، استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تربیت مدرس است. ایشان «ادبیات سیاسی شیعه» را در کنار دو ضلع دیگر یعنی «تاریخ فقه سیاسی شیعه» و «کلام و عقاید شیعی»، ضلع سوم از تاریخ شیعه می‌شمارد که در معرفی شیعیان بسیار مفید بوده است. صادق آئینه‌وند در کتابی با همین عنوان - «ادبیات سیاسی شیعه» (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری) - اشعار شاعران غیر مشهور و شاعران نامدار سیاسی را بررسی کرده و در بخش سوم کتاب به «شرح ادبی، تاریخی نامه ابوبکر خوارزمی به شیعیان نیشابور» پرداخته است. در یک اقتراح از استاد، از ایشان درباره رویکردهای متفاوت ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در گذشته و حال پرسیدیم، درباره روایات و احادیثی که درباره گریستن بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بیان شده و اصالت آنها، درباره فلسفه ستایشگری اهل بیت و درباره جایگاه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در منظومه تبلیغی شیعه، پاسخ استاد صادق آئینه‌وند به این اقتراح را در ادامه بخوانید:



ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، مداح نبودند؛ برای اینکه رسول خدا فرمود: «اَحْتُوا فِی وَجْهِ الْمَدْحِیْنَ التَّرَابَ»؛ «بر چهره ستایشگران خاک بپاشید». بنابراین آنها کاری را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منع کرده است، انجام نمی‌دهند. آنها فضایل اهل بیت علیهم السلام را می‌گفتند.

«منصور نمری» می‌گوید: «دو نوع مداح وجود دارد؛ یکی «واصل» و دیگری «جافی». جافی کسانی هستند که به اهل بیت علیهم السلام جفا می‌کنند و فضایل آنها را بیان نمی‌کنند؛ یا آنها را تخریب می‌کنند و جفا کار نامیده می‌شوند. کسانی که فضایل اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌کنند و آنها را نشر می‌دهند، واصل نامیده می‌شوند. از این گروه می‌توان به فرزندق، دعبل خزاعی، حمیری، کمیت و زیداسدی اشاره کرد.

در خصوص تأکیدها و روایاتی که درباره عزاداری‌ها و سوگواری‌ها و اشک ریختن برای اهل بیت علیهم السلام می‌شود، دو قضیه وجود دارد؛ یکی اینکه در زمانی که بنی امیه علیه بنی عباس تبلیغات انجام می‌دادند و فشارهای بسیاری وارد می‌کردند، لازم بود فضایل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شوند. در آن دوران، امکان اینکه فضایل اهل بیت علیهم السلام در مجالس رسمی بیان شوند، وجود نداشت؛ بنابراین فضایل آنها در مجالس سوگ و عزاداری مطرح می‌شد؛ به این صورت که مردم را به جلسات ائمه علیهم السلام و یاران ایشان می‌آوردند و فضایل آنها را در قالب عزاداری مطرح می‌کردند؛ که نام آن را «بکاء بر اهل بیت علیهم السلام» گذاشتند.

ستایشگری اهل بیت علیهم السلام در مجالس و محافل امروز باید به گونه‌ای باشد که در حقیقت فضایل و شناخت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آن مستتر باشد و اگر این دو نباشند، فایده‌ای ندارد، منثور است و باید برای خودمان گریه کنیم.

باید در مجالس عزاداری، فضایل اهل بیت علیهم السلام بیان شوند تا عمق شناخت بیشتر شود؛ همچنین بیان حقایق و واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی آن بزرگواران،

در میان اهل سنت، گریه وجود ندارد. آنها فقط میلاد دارند. اولین سند در تاریخ طبری آمده است که می‌گوید: «النساء حمدان یبکیان الحسینا ...»؛ «اولین بار زنان حمدان بر امام حسین علیه السلام گریه کردند ...» این گریه برای آن بود که بنی امیه و بعضی از قبایل یمنی، دست‌به‌دست هم داده بودند تا پسر «ابن سعد» را تبرئه کنند و این موضوع باعث شد تا زنان حمدان گریه کنند و اولین عزاداری رسمی به وجود آید. آن گریه کاربرد سیاسی داشت؛ بنابراین گریه‌ای که کاربرد سیاسی داشته و هدایتی و فضیلتی باشد و نقش ائمه علیهم السلام را برای شیعیان روشن کند، فایده دارد و خوب است؛ به غیر از آن تبدیل به ضد خود می‌شود. ■

❁ گریه‌ای که کاربرد سیاسی داشته و هدایتی و فضیلتی باشد و نقش ائمه علیهم السلام را برای شیعیان روشن کند فایده دارد و خوب است

برای ما راه هدایت است. هدف از مجالس عزاداری گریه نیست؛ در حالی که امروز، گریه هدف شده است؛ ولی در حقیقت گریه ابزاری است برای بیان فضایل آن بزرگواران در خفا؛ چون بنی امیه مانع بیان فضایل آنان به صورت علنی می‌شد؛ ولی امروز بنی امیه وجود ندارد و کسی مزاحم نیست؛ بنابراین می‌توانیم به صورت علنی فضایل آنان را بیان کنیم؛ در چنین شرایطی، چرا گریه را تشدید کنیم؟ باید فضایل و مناقب را افزایش دهیم. مناقب، فضایل و تواصل (وصل) وجود دارند؛ یعنی باید وصل شویم، تا منتقبت، فضایل و راه هدایت آنها را بیان کنیم.

پی‌نوشت:

\* کنز العمال، ج ۳، ص ۵۷۴، ح ۷۹۶۰

# ادبیات سیاسی تشیع

پوریا شیرآشینی

مَتْرَمَلًا بَدْمَانَه تَرْمِيْلَا  
وَ كَانَمَا بَكَ يَا بَيْنَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ  
قَتَلُوا جِهَارًا عَامِدِينَ رَسُوْلًا  
وَ يَكْبُرُونَ يَا بِنْتِ قَتْلَتِ وَإِنَّمَا  
قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيْرَ وَ التَّهْلِيْلَ  
نَقَضُوا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِيْنَ وَ أُبْرَمُوا  
مَا لَيْسَ مَرْضِيًّا وَ لَا مَقْبُوْلًا

«باسر خونینت ای پسر دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ای دمشق آمدند. گویی ای فرزند دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم اینان با این کار آشکارا و به عمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کشتند! تو را در حالی که تشنه لب بودی به شهادت رساندند و در کشتن تو تأویل و تنزیل کتاب را مراعات نکردند.»

اینان [امویان] بانگ را به تکبیر برداشته که تو را کشته‌اند. در حقیقت با قتل تو هم تکبیر الله اکبر را کشتند و هم تهلیل [لا اله الا الله] را. حکم روشن کتاب خدا را در کشتن تو نقص کردند و بهانه‌هایی برای این جنایتشان آوردند که نه خشوند کننده است و نه مقبول.»

### أبوالأسود:

إِذَا أَنْتَ لَمْ تَبْصُرِي مَا أَرَى  
فَيَبِينِي، وَأَنْتَ لَنَا صَارِمَةٌ  
أَلَسْتَ تَرِينَ بِنِي هَاشِمٍ  
قَدْ أَقْنَتْهُمْ الْفَتِيْهَ الظَّالِمَةَ  
وَأَنْتَ تَرِينَ نَهْمِيْ بِالْهَدِيْ  
وَبِالطَّفِ هَامُ بِنِي فَاطِمَةَ  
فَلَوْ كُنْتُ رَاسِخَةً فِي الْكِتَابِ  
بِالْأَحْزَابِ خَاطِرَةٌ عَالِمَةٌ  
عَلِمْتُ بِأَنَّهُمْ مَعْشَرٌ  
لَهُمْ سَبَقَتْ لَعْنَةُ حَاتِمَةَ

(ای زن) چون آنچه من می‌بینم تو نمی‌توانی دید، از من جدا شسو، برو که بین من و تو هیچ‌گونه رابطه فکری نیست.

آیا فرزندان هاشم را نمی‌بینی که همگی، قربانی ستم گروه ستمگر شدند؟

آیا بنی امیه را به هدایت توصیف می‌کنی؟ چگونه چنین می‌کنی؟ حال آنکه سرهای فرزندان فاطمه سلام الله علیها به جرم حمایت از دین مبین، در سرزمین طف، به خون و خاک افتاده است.

اگر در فهم کتاب خدا راسخ و استوار بودی، از چگونگی احزاب حق و باطل آگاه می‌شدی.

آنگاه به حتم در می‌یافتی که امویان و قاتلان اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گروهی هستند که لعنت بیوسسته خدا شامل حال آنان است. ■



کتاب «ادبیات سیاسی تشیع (از نیمه اول قرن اول هجری تا پایان قرن سوم هجری)»، زندگی و شعر شاعرانی را که در طول سه قرن نخست هجری در صحنه‌های سیاسی حضور داشته و به وقایع و حوادث مربوط به شیعیان باورمند بوده‌اند، بررسی می‌کند. این شاعران در خصوص وقایع مرتبط با شیعیان، موضع گرفته و واکنش نشان داده‌اند.

مؤلف کتاب، دکتر «صادق آینه‌وند» درباره این شاعران می‌گوید: «وجه چیره در محتوای شعر شعرای قرن اول تا سوم، وجه سیاسی است. زیرا این شاعران درباره ائمه علیهم السلام و در مواجهه با حکومت اموی و عباسی، بلندگو و رسانه فکری و عقیدتی بودند. این وجه در قرن‌های بعد عاطفی‌تر و اجتماعی‌تر می‌شود و با گذشت زمان ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد.»

این کتاب سه بخش دارد: بخش نخست، شامل اشعاری در دفاع از امام علی علیه السلام در نبردهای جمل، صفین، نهروان و نیز اشعار به‌نظم درآمده درباره قیام عاشورا و همچنین سروده‌هایی از زبان شاعر شیعه است. مؤلف درباره نحوه گردآوری و ثبت این اشعار می‌گوید: «بخشی از این اشعار توسط کسانی روایت شده که در حواشی و جنگ‌ها بوده‌اند و در محاصره جنگ قرار نگرفتند؛ بخشی از آنها توسط کسانی است که در جنگ‌ها حضور داشتند و جان سالم به‌در برده‌اند. حتی بخشی از روایات و اشعار از زبان نیروهای دشمن روایت شده‌اند و بعد از این که جمع‌آوری شده و عصر تدوین آغاز شد، ثبت و ضبط شدند.»

در بخش دوم شاعران نامدار سیاسی نظیر: ابوالاسود دؤلی، فرزدق، کمیت بن زید اسدی، دعلب و... معرفی شده‌اند. بخش سوم کتاب نیز به شرح ادبی و تاریخی نامه «ابوبکر خوارزمی» به شیعیان نیشابور اختصاص یافته است. به عقیده مؤلف، این نامه تاریخی سند ارزشمندی درباره هویت تاریخی و مبارزاتی شیعه در نخستین قرون اسلامی است.

دکتر آینه‌وند در ترجمه اشعار این کتاب از قالب تحت‌الفظی خارج شده و در عین حال به متن وفادار است. ایشان در درآمد کتاب ادبیات سیاسی تشیع، پنج کتاب را معرفی کرده‌اند که در آن مؤلفان به گردآوری، تدوین، تألیف و تفسیر اشعار شعرای شیعه پرداخته‌اند. به عقیده ایشان «می‌توان از این پنج کتاب استفاده کرد و در یک طرح بزرگ که شاید ۱۰ سال به طول انجامد، ۱۰ مجلد را که ممکن است هر کدام ۱۰۰۰ صفحه شود، درباره شعر شاعران شیعی گردآوری، تدوین، ترجمه و تصحیح کرد و مورد تحلیل قرار داد تا در اختیار شیعیان قرار گیرد.»

به عقیده ایشان «داشستن الگوی بلند، ذهن و قادت، قدرت و موهبت هنری، سوز عاطفی و صداقت در باور، ویژگی‌هایی است که سبب ماندگاری شعر می‌شود و اینها همگی در شاعران شیعه جمع بود؛ به عنوان مثال اگرچه بخش وسیعی از اشعار «سید حمیری» از بین رفته است، اما به اذعان بسیاری از مورخان و استادان ادبیات

عرب، شاعر جسور، قوی و قدرتمندی مانده بود. در مورد «کمیت زید اسدی» که هم سیاسی بود و هم ادیب نیز همین‌طور است.»

کتاب ادبیات سیاسی تشیع در سال ۱۳۸۷ ش. در انتشارات «نشر علم» منتشر شد. در ادامه گزیده‌ای از اشعار ترجمه شده در این کتاب را بخوانید:

### منصر نمری:

مَا الشَّكَّ عُنْدِي فِي كُفْرِ قَاتِلِهِ  
لَكِنِّي أَشْكُ فِي الْخَاذِلِ

«من در کفر قاتلان فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکی ندارم، شک من در این است که آنها که ندای باری خواهی او را شنیدند و پاسخ نگفتند، کافرند یا مسلمان؟»

### دیک الجن حمصی:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَاءَ مَقَابِرُ  
تَرَكْنِ قَلْبِي مَقَابِرَ الْكُرْبِ

«ای دیدگان من! در سرزمین کربلاء بزرگانی در خاک خفته‌اند که دلم را برای همیشه گورستان اندوه کرده‌اند.»

### خالد بن معدان طائی:

جَاؤُوا بِرَأْسِكِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ

# شعر به مثابه یک رسانه

مجید مبینی



همانند هشام و مؤمن الطاق بودند. البته نباید از نظر دور داشت که شماری از آنان همانند کمیت، از شیعیان خالص و وارسته بودند که جان خویش را نیز در راه وفای به عهد با امامشان فدا کردند.

اما با این وجود، همه آنها، چه غیر شیعیان، چه نزدیکان به دربار و چه آنهایی هم که از علم اهل بیت علیهم السلام بهره خاصی نداشتند، مورد لطف و محبت ویژه و خاص اهل بیت علیهم السلام قرار داشتند.

به پرسش خود باز می گردیم: سر اینکه ستایشگران اهل بیت علیهم السلام این گونه مورد توجه اهل بیت علیهم السلام بودند چه بود؟ چرا دعبل مورد توجه خاص امام رضا علیه السلام است و چرا کمیت مورد تکریم امام باقر علیه السلام است؟ چرا حسان ارج می گیرد و فرزدق بر صدر می نشیند؟

برای رسیدن به پاسخ باید شرایط زمانی و مکانی را در نظر داشت و دانست که جامعه عرب عصر ائمه علیهم السلام چه ویژگی هایی داشت و شاعران چه جایگاهی داشتند. شاعر در جامعه عرب آن زمان، همانند یک رسانه بود و اگر شاعری می توانست شعری با مضمون و صورت عالی بیافریند، شعر او دهان به دهان در بین مردم می پیچید و خانه به خانه راه طی می کرد و در عمق جان مردم شهر و روستا نفوذ می کرد. رهبر حکیم انقلاب در این باره می فرماید: «چرا در نظر ائمه علیهم السلام این سخنان ارزش بیشتری پیدا می کند؟ چون شعر است. آقایان، به این نکته توجه کنند. مگر شعر چه خصوصیتی دارد؟ چون تأثیر شعر در ذهن مخاطب بیشتر است. گاهی یک شاعر، یک بیت شعر می گوید که از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک بیت یا یک مصرع شعر، در ذهن ها می ماند و مردم آن را می فهمند و تکرار می کنند و نتیجتاً ماندگار می شود. گاهی می بینید که برای حفظ یک بنای اعتقادی یا عاطفی، آن قدر که یک شعر اهمیت دارد، چندین کتاب اهمیت ندارد.»<sup>۱</sup>

تاریخ ستایشگری معصومان علیهم السلام با نام هایی همچون دعبل، کمیت، سعید حمیری، حسان بن ثابت و ... همراه است. شناخت شخصیت و زندگی آن ستایشگران می تواند ما را در یافتن این پرسش یاری کند که چرا آن مادحان این گونه مورد لطف و محبت اهل بیت علیهم السلام بودند؟ آنها چه خصوصیتی داشتند که نگاه محبت آمیز امامان علیهم السلام را هدیه می گرفتند و گاه بیشترین صله را نیز دریافت می کردند؟ آیا آنها شیعیانی وارسته، عارف و زاهد بودند؟ آیا شیعیانی بودند که با جان و مال خود در راه اهل بیت علیهم السلام جهاد می کردند؟ آیا آنان عالمانی والا مقام بودند و از چشمه علم اهل بیت جرعه ها نوشیده بودند؟

شگفت است که پاسخ این سؤالات درباره برخی از ستایشگران منفی است. برخی از آنان اصلاً شیعه نبودند، برخی همانند فرزدق چندان وارستگی معنوی نداشتند و بیش از آنکه به اهل بیت علیهم السلام تعلق داشته باشند به دربار حاکمان وقت وابسته بودند<sup>۱</sup> و تقریباً همه آنان از نظر علمی پایین تر از برخی اصحاب دانشمند ائمه علیهم السلام

## برخی از شاعرانی که در وصف معصومان علیهم السلام شعر سرودند

نام مشهور	نام کامل	زمان معصوم	مذهب	محل زندگی	توضیح
حسان بن ثابت	ابو ولید حسان بن ثابت بن منذر خزرجی	پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم	سنی	مدینه	-
قیس بن سعد	قیس بن سعد بن عباده انصاری	امام علی علیه السلام	شیعه	حجاز	صحابی بزرگوار و رئیس قبیله خزرج که در جنگ صفین در وصف امام علیه السلام شعر سرود
فرزدق	همام بن غالب بن معصمه	امام سجاد علیه السلام	-	جنوب عراق (کویت یا بصره)	اثر مشهور: قصیده ای که هنگام ورود امام سجاد علیه السلام به کعبه سرود
کمیت	ابو مستهل کمیت بن زید اسدی	امام باقر علیه السلام	شیعه	کوفه	اثر مشهور: سبعة هاشمیات، او به دلیل حمایت از زید بن علی به شهادت رسید
سید حمیری	سید اسماعیل بن محمد بن یزید	امام صادق علیه السلام	شیعه	یمن	-
دعبل	محمد بن علی بن رزین	امام کاظم علیه السلام امام رضا علیه السلام امام جواد علیه السلام	شیعه	کوفه	اثر مشهور: مدارس آیات
متنبی	احمد بن حسین کوفی	عصر غیبت	شیعه	کوفه	-

### پی نوشت:

۱- رهبر انقلاب درباره فرزدق می فرماید: «فرزدق جزو شعرای اهل بیت نیست، او یک شاعر درباری وابسته به دستگاه های قدرت و یک آدم معمولی بود که یک دیوان پر از شعر، راجع به همین حرف ها و مبتذلاتی که شعرای آن روز بر زبانش جاری می کردند، داشت.» (دیدار با مداحان، ۱۰/۲۸، ۶۸/۱) همان ۲-

اگر وصف صحیح ائمه در قالب اشعاری ضعیف ارائه شود و یا وصف نادرست ائمه در قالب اشعاری قوی ارائه شود هر دو دور از مطلوب ائمه علیهم السلام است بنابراین یکی از شروط پیمودن راه دعبل و کمیت و رسیدن به نگاه محبت آمیز اهل بیت علیهم السلام ارائه اشعاری است که از نظر محتوا و لفظ در حدی باشد که بر مخاطبان تأثیری عمیق و ماندگار بگذارد

بنابراین دعبل، کمیت، فرزدق، حمیری و ... که به مدح ائمه می پرداختند تنها مدح صرف نبود، بلکه مدح به زبان شعر بود و مدح شعری صرف هم نبود بلکه شعری والا بود که از لفظ و معنایی عالی برخوردار بود.

حال اگر این شعر مدح آمیز که مضمونی دلنشین و ظاهری گوش نواز دارد و آن چنان بر مخاطب تأثیر می گذارد، با صدایی زیبا نیز ترکیب شود اثر بخشی آن دو چندان خواهد شد و هنر شعر و هنر موسیقی - به معنای عام - در هم می آمیزد و شنونده را بیش از پیش در پیمودن صراط مستقیم علوی و فاطمی برمی انگیزاند.

ترکیب شعر با صدایی روح نواز امری است که شاید برخی از ستایشگران عصر اهل بیت علیهم السلام از آن کم بهره بودند و تنها به خواندن شعر می پرداختند. این موضوعی است که باید در جای خود به آن پرداخته شود که بر خورد ائمه علیهم السلام با کسانی که صرفاً شاعر بودند با کسانی که هم شاعر و هم مداح - به معنایی نزدیک به معنای امروزی - بودند، چه تفاوتی داشت؟

به هر حال عاملی که باعث شد دعبل، کمیت، حمیری و ... در نزد ائمه علیهم السلام موقعیتی ممتاز بیابند، هنرمند بودن آنها بود. آنان با تسلط کامل بر هنر شعر توانسته بودند، بهترین پیام ها را با اثر بخش ترین شیوه به مخاطبان برسانند. به دیگر بیان، هم انتخاب پیام آنها (حقانیت و عظمت ائمه) تحسین برانگیز بود و هم شیوه انتقال پیام آنها (شعر با الفاظی قوی) ستودنی بود.

فقدان هر یک از این دو عامل (محتوا و قالب)، عظمت کار را در هم می شکند؛ اگر وصف صحیح ائمه علیهم السلام در قالب اشعاری ضعیف ارائه شود و یا وصف نادرست ائمه علیهم السلام در قالب اشعاری قوی ارائه شود هر دو دور از مطلوب ائمه علیهم السلام است. بنابراین یکی از شروط پیمودن راه دعبل و کمیت و رسیدن به نگاه محبت آمیز اهل بیت علیهم السلام ارائه اشعاری است که از نظر محتوا و لفظ، در حدی باشد که بر مخاطبان تأثیری عمیق و ماندگار بگذارد. ■

# عبرات

«عبرات» نام مجموعه‌ای از نغمات اصیل مذهبی است که شامل انواع «نوحه»، «مناجات»، «مولودی»، «روضه» و دیگر الحان است که بر اساس موسیقی سنتی مناطق ایران و ردیف - دستگاهی خوانده می‌شوند. این مجموعه با هدف ترویج، آموزش و افزایش دانش نغماتی مداحان گرامی، حفظ و اشاعه مراسم مذهبی اصیل و به منظور دستیابی به معقول‌ترین و مطلوب‌ترین الگوی عزاداری - به‌ویژه در مورد نوحه خوانی - تهیه و تنظیم شده و گاهی در قالب لوح فشرده صوتی، ضمیمه نشریه داخلی بنیاد دعبل خزاعی، «دعبل»، می‌شود. این مجموعه، پیش از این با نام «جامه‌دران» تقدیم مخاطبان می‌شد. «عبرات» پیشنهاد برخی از مخاطبان است که نام جامه‌دران را بیشتر ناظر بر وجه موسیقایی نوحه‌ها می‌دانند؛ در حالی که نوحه به لحاظ ساختار و محتوا علاوه بر حیثیت موسیقایی و وجه معنایی، ادبی و ... نیز دارد که ممکن است جامه‌دران گویای این وجوه نباشد. پیش از این چهار شماره از مجموعه‌های جامه‌دران در مرکز مطالعات راهبردی خیمه و سه شماره در بنیاد دعبل خزاعی تولید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در شماره‌های قبلی - «جامه‌دران (۱ تا ۷)» و «عبرات ۸ تا ۱۰» - نمونه‌هایی از انواع موسیقی مذهبی ایران با صدای پیرغلامان حسینی «مهرداد عباس زادگان»، «حجت‌الاسلام سیدعباس میرحسینی»، «حسین قدوسی»، تعدادی از نوحه‌خوانی‌ها در کشور عراق و همچنین نمونه‌های اصیلی از دهه کرامت و نغماتی درباره مقام والای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مدایح و مرثیاتی عاشورایی در ماه‌های محرم و صفر و ... تهیه و به استحضار علاقه‌مندان رسیده است.

«بنیاد دعبل خزاعی» در ادامه این مسیر و به همت کارشناس نغمات آیینی بنیاد، آقای «متین رضوانی پور» - که تولید شماره‌های قبلی جامه‌دران، عبرات و تألیف چند کتاب در حوزه نوحه‌ها و نغمه‌های آیینی را در کارنامه علمی و فرهنگی خود دارد - در نظر دارد در این مجموعه‌ها با معرفی روایان، ذکر نام گوشه‌ها و دستگاه‌های الحان انتخاب‌شده و ارائه متن کامل اشعار، زمینه استفاده‌های کاربردی از این نغمات را برای مخاطبان خود فراهم کند. امیدواریم با استفاده مستمر از شماره‌های آتی، گوش علاقه‌مندان به فضاهای دستگاه‌های موسیقی آشنا و مسلط شود. موضوع دیگری که در این مجموعه در نظر داریم بدان بپردازیم، معرفی معیارهای مشترک شعری و موسیقایی بین اقوام و شهرهای گوناگون ایران است که در طول تاریخ و با مرادده‌های فرهنگی صورت می‌پذیرفت؛ به طوری که اشتراکات بسیاری را در سرتاسر ایران و حتی دیگر کشورهای شیعه‌نشین پدید آورده است. ■

## متین رضوانی پور

شامل شعر ولادتی حضرت زهرا سلام الله علیها از سروده‌های «غلامرضا سازگار» با مطلع «این کیست این که محو تماشای خود شده» است. سید علی سادات رضوی پنجمین نمونه را که شعر ولادت امام باقر علیه‌السلام از سروده‌های «وحید قاسمی» با مطلع «سر چشمه تمامی اندیشه‌های ناب» است، در گوشه‌های (درآمد، مخالف، مغلوب و مویه) از دستگاه چهارگاه اجرا کرده است. نمونه ششم مدح امام هادی علیه‌السلام و از سروده‌های «علی اکبر لطیفیان» با مطلع «آستان خدا کمال شما» است. حمید منتظر این قطعه را در گوشه‌های (درآمد، مویه، زابل و مخالف) دستگاه چهارگاه خوانده است. مدح امام جواد علیه‌السلام از سروده‌های علی اکبر لطیفیان با مطلع «در خلوت یاران اثری بهتر از این نیست» نمونه هفتم این مجموعه است که سید علی سادات رضوی آن را در آواز ابوعطا (گوشه‌های درآمد و حجاز) خوانده است.

در نمونه هشتم شعر شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها را می‌شنویم که حمید منتظر در آواز افشاری، گوشه‌های (درآمد، جامه‌دران، عراق، نیشابورک با فرود به آواز بیات اصفهان) اجرا کرده است. شعر این قطعه اثر «علیرضا خاکساری» با مطلع «آفتاب لب بامم دگر امیدی نیست» است. نهمین نمونه نیز شعر شهادت حضرت

زهرا سلام الله علیها سروده «مهدی رحیمی» با مطلع «آن رتبه را که هیچ کسی از ازل نداشت»، است. سید علی سادات رضوی این قطعه را در گوشه‌های (درآمد و سلمک) دستگاه شور و (درآمد) آواز دشتی خوانده است. آخرین نمونه این مجموعه شعر ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها از سروده‌های علی اکبر لطیفیان با مطلع «پرواز می‌دهیم که بال و پرت کنیم»، است. حمید منتظر این قطعه را در گوشه‌های (درآمد، داد، قبلی و شکسته) دستگاه ماهور اجرا کرده است.

در این شماره عبرات اجرای اشعاری درباره مدح حضرت زهرا سلام الله علیها، مدح حضرت ام‌البنین سلام الله علیها، ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها، ولادت امام باقر علیه‌السلام، مدح امام هادی علیه‌السلام، مدح امام جواد علیه‌السلام و شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها را می‌شنویم. این قطعات را آقایان: «سید علی سادات رضوی» و «حمید منتظر» از مداحان سرشناس تهران در قالب ردیف دستگاهی موسیقی ایران (دستگاه‌های همایون، چهارگاه، سه‌گاه، شور، ماهور و آوازهای بیات ترک، ابوعطا و افشاری) اجرا کرده‌اند. اولین نمونه این مجموعه، شعر مدیحه حضرت زهرا سلام الله علیها از سروده‌های «غلامرضا سازگار» و با مطلع «ای با عطای تو شده تکمیل هل اتی» است که سید علی سادات رضوی در گوشه‌های (درآمد، چکاوک، بیداد، بیات راجع، عشاق، شوشتری و حصار) دستگاه همایون خوانده است.

مدیحه حضرت ام‌البنین سلام الله علیها از سروده‌های «غلامرضا سازگار» با مطلع «ای همسر سردار جهان مادر عباس» دومین نمونه این اثر است که حمید منتظر در آواز بیات ترک (گوشه‌های درآمد)، جامه‌دران و فیلی) اجرا کرده است.

در سومین نمونه، شاهد اجرای مدیحه‌ای از حضرت

ام‌البنین سلام الله علیها با مطلع «زن رشک حور بود و تمنای خود نداشت» در دستگاه چهارگاه (گوشه‌های حصار، زابل، مخالف و درآمد) در اکتاوهای بالا و پایین هستیم. اجرای این نمونه که سروده «افشین علا» است، با هنرمندی سید علی سادات رضوی است.

دستگاه سه‌گاه (گوشه‌های درآمد، زابل، مخالف) با ورود به آواز بیات اصفهان از طریق گوشه بیات راجع، موسیقی چهارمین نمونه این مجموعه است. این قطعه را حمید منتظر اجرا کرد. این نمونه



۲

**مدح حضرت ام البنین سلام الله علیها**

ای همسر سردار جهان، مادر عباس (گوشه درآمد)  
وی دامن تو مهد ادب پرور عباس (گوشه درآمد)  
در بیت علی آمده! هم‌سنگر عباس (گوشه درآمد)  
خوانده‌ست تو را مادر خود خواهر عباس (گوشه درآمد)  
ام‌الشهدا، فاطمه دوم حیدر (گوشه جامه‌دران)  
هم فاطمه دوم و هم زینب دیگر (گوشه درآمد)  
شک نیست به این رتبه که حیدر به تو نازد (گوشه فیلی در اوج)  
زینب که بود عصمت داور به تو نازد (گوشه فیلی در اوج)  
تا روز جزا ال پیمبر به تو نازد (گوشه درآمد در اوج)  
عباس تو در عرصه محشر به تو نازد (گوشه درآمد در اوج)  
کی مثل تو ای خاک رخت هم سر و هم جان (گوشه جامه‌دران)  
یک روزه دهد چار پسر در ره جانان؟ (گوشه درآمد)  
تو چشمه فیض از نفس پنج امامی (گوشه فیلی)  
تو فاطمه بیت شه عرش مقامی (گوشه فیلی)  
تو همسر تنها وصی خیر الانامی (گوشه جامه‌دران)  
تو مادر والا گهر خون و قیامی (گوشه درآمد)  
جوشد ادب و فضل ز آیات کلامت (گوشه جامه‌دران)  
پیوسته ز هفتاد و دو تن باد سلامت (گوشه درآمد)

غلامرضا سازگار

۳

**مدح حضرت ام البنین سلام الله علیها**

زن، رشک حور بود و تمنای خود نداشت (گوشه حصار)  
چون آسمان نظر به بلندای خود نداشت (گوشه حصار)  
اسمی عظیم بود که چون راز سر به مهر (گوشه حصار)  
در خانه علی سر افشا شدن نداشت (گوشه حصار)  
ام‌البنین کنایه‌ای از شرم عاشقی است (گوشه زابل در گام پایین)  
کز حجب تاب نام دل‌آرای خود نداشت (گوشه زابل در گام پایین)  
در پیش روی چهار جگر گوشه بتول (گوشه زابل در گام پایین)  
آینه بود و چشم تماشای خود نداشت (گوشه زابل در گام پایین)  
زن؟ نه! همای عرش نشینی که آشیان (گوشه مخالف)  
جز کربلا به وسعت پرهای خود نداشت (گوشه مخالف)  
در عشق پاره‌های جگر داده بود و لیک (گوشه مخالف)  
بعد از حسین میل تسلائی خود نداشت (گوشه مخالف)  
عمری به شرم زیست که عباس وقت مرگ (گوشه مویه)  
دستی برای یاری مولای خود نداشت (فرود به گوشه درآمد)

افشین علاء

۱

**مدح حضرت زهرا سلام الله علیها**

ای با عطای تو شده تکمیل، هل آتی (گوشه درآمد)  
وی قامت رسول به تعظیم تو دوتا (گوشه درآمد)  
ای هل آتی و کوثر و تطهیر وصف تو (گوشه درآمد)  
وی چون خدای پاک منزّه ز هر خطا (گوشه درآمد)  
وقتی رسول گفت که بابا شود فدات (گوشه درآمد)  
جا دارد از شونند فدایت انبیا (گوشه درآمد)  
آدم هنوز آب و گلش هم نبود و بود (گوشه چکاوک)  
نور مقدس تو در آغوش کبریا (گوشه چکاوک)  
قرآنی و رسول خدا داده بوسهات (گوشه چکاوک)  
زهرا یی و تو را پدرو مادر م فدا (گوشه چکاوک)  
هر کس تو را شناخت خدا را شناخته (گوشه بیداد)  
هر کس جدا شد از تو جدا گشته از خدا (گوشه بیداد)  
ای مادر چراغ هدایت! حسین تو (گوشه بیداد با اشاره به گوشه بیات راجع)  
با جلوه تو بر همه گردیده رهنما (گوشه بیات راجع)  
از تو اگر برات رهایی نمی گرفت (گوشه بیات راجع در گام پایین)  
آدم نشسته بود به زندان انزوا (گوشه بیات راجع در گام پایین)  
یا فاطر بفاطمه تا از لبش گذشت (گوشه عشاق)  
از بند غم رها شد و شد حاجتش روا (فرود به گوشه بیات راجع)  
گلزار وحی را که به آتش کشیده است؟ (گوشه بیداد)  
باب بهشت را که شکسته به ضرب پا؟ (گوشه بیداد)  
با تاز یانه از تو گرفتند احترام (گوشه بیات راجع)  
خوش داشتند بهر پدر حرمت تو را! (فرود به گوشه شوشتی)  
آیا کسی شنیده که بر داغ دیده‌ای (گوشه شوشتی)  
هیزم به جای لاله بیارند در عزا؟ (گوشه شوشتی)  
آن ضرب‌های که خورد به پهلوی حضرتت (ورود به گوشه حصار)  
شک نیست اینکه خورد به پهلوی مصطفی (بازگشت به گوشه شوشتی)  
تا اشک هست و سوز جگر هست و ناله هست (گوشه درآمد)  
«میثم» هماره بر تو بود مرثیت سرا (گوشه درآمد)

غلامرضا سازگار

۴

## ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها

این کیست، این که محو تماشای خود شده (گوشه درآمد)  
 پیش از ظهور، مادرِ بابای خود شده (گوشه درآمد)  
 در بی زمان مانده به میلاد، سر بلند (گوشه درآمد)  
 از امتحان روشن فردای خود شده (گوشه درآمد)  
 با سیزده مناره خدا را صدا زده (گوشه زابل)  
 قد قامت بلند مصّالی خود شده (گوشه زابل)  
 منظومه‌های شمسی او بی نهایتند (گوشه درآمد)  
 گرم شکوه دیدن ژرفای خود شده (گوشه درآمد)  
 حالا علی برای علی جلوه کرده است (گوشه مخالف)  
 آیینۀ تالاک همتای خود شده (گوشه مخالف)  
 اصلاً خدا هر آنچه که می‌خواست، او شده (گوشه مخالف)  
 این کیست این که حضرت زهرا ی خود شده؟! (گوشه مخالف)  
 اشراق آسمانی راز تبارک است (ورود به گوشه بیات راجع)  
 صبح نزول سوره کور مبارک است! (ورود به آواز بیات اصفهان)  
 تسبیح را به دست بگیر و ببین که باز (گوشه جامه‌دران آواز بیات اصفهان)  
 معراج می‌روند همین دانه‌دانه‌ها  
 با آیه‌های سوره قدر آمدی که ما (شاره به گوشه نیشابورک)  
 ایمان بیاوریم به آن بی‌نشانه‌ها  
 هر صبح با سلام پیمبر طلوع توست (گوشه جامه‌دران)  
 تنها بهانه پدرت از بهانه‌ها (فرود به گوشه درآمد)

حسن لطفی

۵

## ولادت امام باقر علیه السلام

سر چشمه تمامی اندیشه‌های ناب (گوشه درآمد)  
 دانش پژوه مدرسه عشق بوتراب (گوشه درآمد)  
 اوصاف پاکتان چقدر بی نهایت است! (گوشه درآمد)  
 یک خط ز مدحتان شده موضوع صد کتاب (گوشه درآمد)  
 ما را دعا کنید همین لحظه از بهشت (گوشه مخالف)  
 آقا دعایتان همه دم هست مستجاب (فرود به گوشه درآمد)  
 ساعی ترین مدرس آداب زندگی (گوشه مخالف)  
 شیوا سخن، مفسر آیات بندگی (گوشه مخالف)  
 تیغ کلام نغز شما در مناظره (گوشه مخالف)  
 پی کرده است مرکب دجال روزگار (فرود به گوشه درآمد)  
 هر کس که خواست پیش شما قد علم کند (گوشه مخالف در گام پایین)  
 گشته میان معرکه بحث تار و مار (گوشه مخالف)  
 کوه بزرگ حادثه را بر زمین زدی (گوشه مغلوب)  
 انگشت بر دهان شده این چرخ کج مدار (فرود به گوشه درآمد)  
 این چه تواضعی ست امام فرشته‌ها! (گوشه مخالف)  
 داری به پای خویش دو نعلین وصله‌دار (فرود به گوشه درآمد)  
 آقا شما که واسطه فیض عالم‌اید (گوشه مویه)  
 حیفاست مانده‌اید در این شهر بی بهار (فرود به گوشه درآمد)  
 ای کاش سمت کشور ما هم می‌آمدی (گوشه مخالف)  
 پس لافل به خانه قلبم قدم گذار (فرود به گوشه درآمد)

وحید قاسمی

۸

## شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

آفتاب لب ما، دگر امیدی نیست (گوشه درآمد)  
 رفتنی ام، به دعای سحر امیدی نیست (گوشه درآمد)  
 گفته بودم سپر درد و بلایت باشم (گوشه درآمد)  
 دست من نیست علی بر سپر امیدی نیست (گوشه درآمد)  
 به گمانم که بنا نیست کنارت باشم (گوشه جامه‌دران)  
 می‌روم از بر تو هم سفر امیدی نیست (گوشه درآمد)  
 این قدر زحمت دارو و دوا را نکشید (گوشه عراق)  
 حتم دارم به علاج کمر امیدی نیست (گوشه عراق)  
 احتیاجی نبود تا که طیبی دیگر (گوشه عراق)  
 گفته بودم که به دفع خطر امیدی نیست (گوشه عراق)  
 فضا و زینبم این بار بلندم کردند (ورود به گوشه نهفت)  
 به توانایی این بال و پر امیدی نیست  
 شوهر من به کسی که گله می‌کرد بگو (گوشه نیشابورک)  
 خوش خبر باش به زخم جگر امیدی نیست (گوشه نیشابورک)  
 عجیبی نیست علی جان که محلت ندهند (گوشه عشاق)  
 به چنین طایفه خیره سر امیدی نیست (شاره به پرده‌های آواز بیات اصفهان)  
 تو سلامی بده این بار جوابش با من (گوشه نیشابورک)  
 به کمال و ادب رهگذر امیدی نیست (شاره به گوشه عشاق)  
 بچه‌ها نیمه شب گر به کنان می‌گفتند (گوشه درآمد آواز بیات اصفهان)  
 بعد مادر به بقای پدر امیدی نیست (گوشه درآمد آواز بیات اصفهان)

علیرضا خاکساری

۶

**مدح امام هادی علیه السلام**

آستان خدا کمال شما (گوشه درآمد)  
 هفت پرواز زیر بال شما (گوشه درآمد)  
 با شما می شود به قرب رسید (گوشه درآمد)  
 ای وصال خدا وصال شما (گوشه درآمد)  
 گاه با آدم و گه با نوح (گوشه مویه)  
 بی زمان است سن و سال شما (گوشه درآمد)  
 هر کسی که تو را سلام کند (گوشه زابل)  
 به مقام تو احترام کند (گوشه درآمد)  
 کاش در صحن سامرات خدا (اشاره به گوشه مخالف)  
 تا قیامت مرا غلام کند (گوشه درآمد)  
 پر و بال کبوترانه من (گوشه مویه)  
 در حریم تو میل دام کند (گوشه درآمد)  
 ای مسیحای سامرا هادی (گوشه مخالف)  
 آفتاب مسیر ما هادی (گوشه درآمد)  
 علی این محمد ابن علی (گوشه درآمد)  
 نوه اول رضاهادی (گوشه درآمد)  
 نیست جز دامن کرامت تو (گوشه درآمد)  
 پرده خانه خدا هادی (گوشه درآمد)  
 ذکر هر چهارشنبه ام این است (گوشه درآمد)  
 یا رضا یا جواد یا هادی (گوشه درآمد)  
 به ملک هم نمی دهم هر گز (گوشه درآمد)  
 گریه زائر تو را هادی (گوشه درآمد)

علی اکبر لطیفیان

۷

**مدح امام جواد علیه السلام**

در خلوت یاران اثری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 در چله گرفتن ثمری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 ما خم شراب از جگر غوره گرفتیم (گوشه درآمد)  
 در میکده ما هنری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 سجاده بیارید که تا صبح نخواهیم (گوشه درآمد)  
 در بین سحرها سحری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 ما درد نگفتیم ولی باز دوا کرد (گوشه حجاز)  
 در شهر، طبیب دگری بهتر از این نیست (گوشه حجاز)  
 حق داشت بنزد پدر پیر مدینه (گوشه حجاز در گام پایین)  
 در هیچ کجایی پسری بهتر از این نیست (گوشه حجاز در گام پایین)  
 گفتند جواد است سر راه نشستیم (گوشه حجاز)  
 در جمع گدایان خبری بهتر از این نیست (فروده به گوشه درآمد)  
 پر کرد به اجبار خودش کیسه ما را (گوشه درآمد)  
 در کوچه ما هگذری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 گفتند سلامی بده و زائر او باش (گوشه درآمد)  
 دیدیم در عالم سفری بهتر از این نیست (گوشه درآمد)  
 پس زائر یاریم تو کلت علی الله (گوشه درآمد)  
 ما عبد نگاریم تو کلت علی الله (گوشه درآمد)

علی اکبر لطیفیان

۹

**شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها**

آن رتبه را که هیچ کسی از ازل نداشت (گوشه درآمد دستگاه شور)  
 زهرا همواره داشت که چون خود مثل نداشت (گوشه درآمد دستگاه شور)  
 از این جهت شبیه به پروردگار بود (گوشه درآمد دستگاه شور)  
 که اصل اصل بوده و اصلا بدل نداشت (گوشه درآمد دستگاه شور)  
 حتی اذان حی علی العریب علی (ورود به گوشه درآمد آواز دشتی)  
 بی ذکر نام فاطمه خیر العمل نداشت (گوشه درآمد آواز دشتی)  
 شیعه دلش چنین ز غم در نمی شکست (گوشه درآمد آواز دشتی)  
 مانند مرتضی اگر این خانه یل نداشت (گوشه درآمد آواز دشتی)  
 مانند مرتضی اگر این خانه یل نداشت (فروده به گوشه درآمد دستگاه شور)  
 هر چند سومین پسرش را بدون شک (گوشه سلمک دستگاه شور)  
 در اوج عرش داشت ولی در بغل نداشت (فروده به گوشه درآمد دستگاه شور)  
 سو کند می خورم به خود نام فاطمه (گوشه سلمک دستگاه شور)  
 زهرا اگر شهید نمی شد اجل نداشت (فروده به گوشه درآمد دستگاه شور)

مهدی رحیمی

۱۰

**ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها**

پرواز می دهیم که بال و پرت کنیم (گوشه درآمد)  
 معراج می بریم که پیغمبرت کنیم (گوشه درآمد)  
 دیگر بس است خلوت چله نشینی ات (گوشه درآمد)  
 وقتش رسیده است مقرب ترت کنیم (گوشه درآمد)  
 دسته گل قدیمی خود را از این به بعد (گوشه داد)  
 دست تو می دهیم که تاج سرت کنیم (فروده به گوشه درآمد)  
 حالا نماز شکر بخوان فدیها ت بده (گوشه فیلی)  
 تا صاحب ز لال ترین کوئرت کنیم (فروده به گوشه درآمد)  
 می خواستیم فرق کنی با پیمبران (گوشه آذربایجانی در اوج)  
 می خواستیم آینه دیگرت کنیم (فروده به گوشه درآمد)  
 این سیب را بگیر و برای خودت ببر (گوشه آذربایجانی)  
 وقتش شده است فاطمه را دخترت کنیم (فروده به گوشه درآمد)  
 شایسته است با پدر فاطمه شدن (اشاره به گوشه خاوران)  
 از خانواده پسری ابترت کنیم (فروده به گوشه درآمد)  
 می خواستیم نسل تو زهر نسب شود (گوشه خاوران)  
 می خواستیم نسل تو زهر نسب شود (گوشه داد)  
 ضرب المثل برای عجم تا عرب بشود (فروده به گوشه درآمد)

علی اکبر لطیفیان

# فرم نظرسنجی دعبل شماره ۸

خواننده گرامی!

برای رسیدن به بهترین نمونه یک نشریه فرهنگی - اجتماعی در حوزه ستایشگران و ذاکران اهل بیت (ع)، به راهنمایی های شما و آراء و نظرها یتمان نیازمندیم. ان شاءالله به کمک شما، محتوا و فرم این ماهنامه مرضی خاطر مولایمان ولی عصر (عج) باشد. برای ارسال این فرم، آن را از نشریه جدا کنید و بدون پاکت پستی و الصاق تمبر، در صندوق پست بیندازید. بهره مندی از آراء ارزشمند شما مایه امتنان این مرکز خواهد بود.

نام: .....

نام خانوادگی: .....

۱- جنسیت:  زن  مرد

۲- سن: .....

۳- تحصیلات: .....

۴- ارزیابی شما از کیفیت مطالب چیست؟

خوب  متوسط  ضعیف

۵- انتخاب سوره ها در گفت و گوها، مقالات، گزارش ها و ... تا چه اندازه با مخاطبان نشریه هم خوانی دارد؟

زیاد  متوسط  کم  خیلی کم

۶- حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

بیش از نیاز  کافی  کم

۷- سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

۸- تیتراها و سوتیتراهای انتخابی تا چه حد شما را برای خواندن مطالب ترغیب می کنند؟

بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم

۹- صفحه آرای مطالب چه طور است؟

بسیار خوب  خوب  متوسط  ضعیف

۱۰- کدام مورد را برای طرح جلد این نشریه مناسب می دانید؟

طراحی مفهومی  عکس پیرغلامان

توضیح بیشتر: .....

۱۱- به نظر شما انتشار نشریه ای با ویژگی های «دعبل» ضرورت دارد؟  
بسیار ضروری است  ضروری است  موازی کاری است  شاید با تغییر در فرم و محتوا، ضرورت آن احساس شود

۱۲- بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره .....  
بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه ..... شماره .....  
بهترین مطلب از نظر شما: مطلب ..... شماره .....

۱۳- به نظر شما «دعبل» به چه مطالب دیگری باید بپردازد؟  
.....  
.....

۱۴- سایر پیشنهادها و انتقادات خود درباره «دعبل» را بفرمایید؟  
.....  
.....



## نخستین نشست رسانه های عترتی

نخستین نشست رسانه های عترتی با نمایندگانی از رسانه های فعال در حوزه عترت از جمله سایت عقیق، نشریه هیئت، روضه نیوز، نشریه خیمه، ماهنامه دعبل، سایت مداحان و هیئت امروز با حضور حجت الاسلام «محمد رضا زائری»، رئیس هیأت قرآنی احیاء و «میثم غضنفری»، مدیر عامل بنیاد دعبل خزاعی، در مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر برگزار شد.

در این نشست ابتدا دکتر محمد رضا زائری، مدیر عامل هیأت قرآنی احیاء ضمن خیر مقدم به حضار، بر همکاری متقابل و اجرای برنامه های مشترک تأکید کرد و گفت: «هدف از هماهنگی هم شکل شدن نیست؛ بلکه تأکید بر مشترکات و پرهیز از پرداختن به موارد احتمالی مورد مناقشه است.»

در ادامه جلسه نمایندگان رسانه های حاضر در جلسه، به ارائه دیدگاه های خود پرداخته و از جمله بر موضوع هماهنگی بین این مراکز رسانه ای و تداوم برگزاری جلسات تأکید کردند.

«محمد قهرمانی»، نماینده نشریه هیأت، بر لزوم پرداختن به نقش رسانه های مذهبی در حرکات جریان های اجتماعی اشاره کرد و افزود: «این موضوع به معنی ورود به جریان ها و دسته بندی های سیاسی نیست.» وی همچنین به ضرورت مخاطب شناسی و استمرار این جلسات اشاره کرد.

بر اساس این گزارش «مجید اخلاقی» سردبیر سایت عقیق، بر لزوم تهیه محتوای ویژه افشار هیئت تأکید کرد. در ادامه «قاسم زاده»، دبیر نشریه بیرق - که در شهر کاشان منتشر می شود - گفت: «طراوت و بوی زندگی باید در رسانه های عترتی بیشتر نمایان شود.» وی همچنین بر به اشتراک گذاری ایده های مشترک تأکید کرد.

«عطا اسماعیلی»، سردبیر نشریه خیمه و «محسن حسام مظاهری»، پژوهشگر حوزه دین نیز در ادامه به ارائه دیدگاه های خود پرداخته و بر نکاتی از جمله ضرورت آسیب شناسی و مسئله شناسی فعالیت رسانه های عترتی، توجه به سیستم توزیع و تبلیغ رسانه ها و بررسی و کالبدشناسی دین رسانه ای شده اشاره کردند. سپس دکتر محمد رضا زائری ضمن جمع بندی مباحث مطرح شده، موارد پیشنهادی خود جهت پردازش رسانه های عترتی را بر شمرد و از جمله به پرداختن به روضه های خانگی، معرفت افزایی، حفظ میراث کهن مذهبی، مستندسازی فعالیت ها و تجربیات، ارائه الگوهای شایسته، مبارزه با خرافات، ترویج معارف اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، توجه به رویکرد انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، کار علمی و روشمند، توجه به بیداری اسلامی، تأکید بر مقتل خوانی به جای ارائه مطالب بی اساس، توجه به عنایات سید الشهداء، توجه به قرآن، توجه بیشتر به اصحاب سید الشهداء و اصحاب ائمه علیهم السلام - به طور کلی - پوشش خبری رویدادهای مربوطه - به طور هماهنگ و نظام مند - اشاره کرد.

در پایان جلسه «پدرام الوندی»، پژوهشگر حوزه رسانه و سردبیر سابق سایت خیمه، تجربیات موفق سایت خیمه را برای حضار تشریح کرد. ■



نیازی به الصاق تمبر نیست

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۴۱۵۴/۴۸۷ پرداخت شده است.

نام شرکت: بنیاد دعبل خزاعی

شماره صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۸۸۴۸

تلفن و فکس: ۲- ۰۲۱-۸۸۵۳۲۸۷۵۰

نام شهر: تهران

مشخصات فرستنده:

نام و نام خانوادگی: .....

استان: .....

آدرس دقیق پستی: .....

.....

.....

تلفن: .....

کد پستی: .....